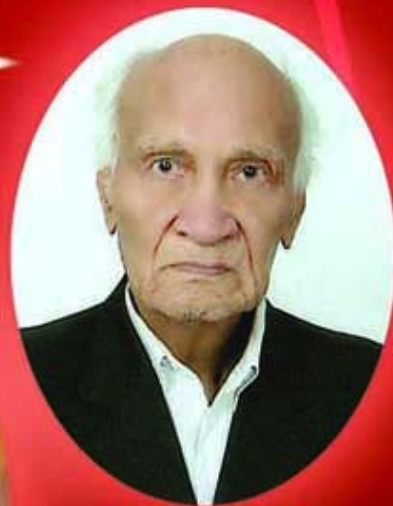


ياز دېښ ساگر داسې نځېن شخړو ادب تر ګڼې ميراث کړاى د.

ويژه نامه

سایر ق

ادبىک ياغشى سى اولى نى سئلا

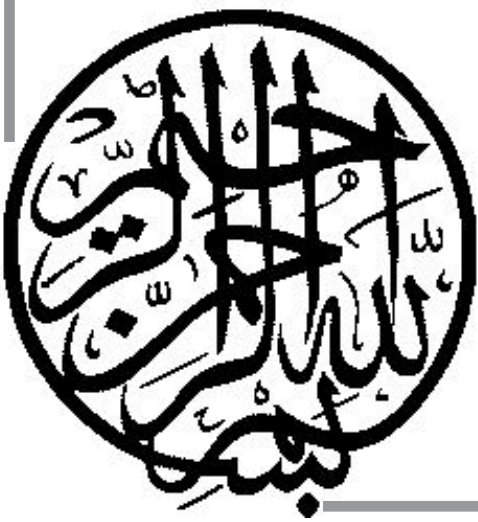


تخليس زړښکيو نون فرهنگ و ادب تر ګڼې هاشن بړک شعر تر ګڼ

تور کمن غونډنى سئنگ اولى د اباراسى

ګنبد کاووس
آذر ماه ۱۳۸۸







سایه

نشریه داخلی انجمن شعر و ادب ترکمنی میراث
وابسته به اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی گنبد کاووس

ویژه نامه مراسم یازدهمین سال فعالیت انجمن
و بزرگداشت سه نفر از اساتید فرهنگ و هنر ترکمن

گرافیک / صفحه بندی / ویرایش متون ترکمنی :

غفور خوجه

طرح روی جلد :

عیدی وکیلی

تایپ :

مارال عنصری

سبحان بردی دوجی

دبیرهمایش :

منصور طبری

سپاس و تشکر از

آقای محمد رضا داورزنی

(ریاست محترم اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی گنبد کاووس)

انجمن ها و جمعیت های فرهنگی و هنری ترکمن صحرا

شعرا و نویسندگان

گروه های موسیقی سنتی - کلاسیک - نی نوازی

گروه های ذکر خنجر - سرود محلی

فیلم - عکاسی - صدا و خطاطی

چاپ و نشر

تدارکات

مجریان برنامه

و

کلیه عزیزانی که ما را از جهات مالی و تدارکاتی در

تنظیم این ویژه نامه و سایر تدارکات مربوط به

برگزاری همایش یاری داده اند.

فهرست

پیشگفتار ۲

گزارش

به بهانه تقدیر از فعالان فرهنگی، ادبی و هنری / ع.اونق ۵

انجمن میراث، حلقه اتصال برای رشد و شکوفایی / ن.یگن محمدی ۹

نحوه پیدایش و چگونگی تأسیس انجمن میراث / ن.مصطفائی ۱۱

ستایش و قدردانی از بزرگان از اهداف عالیه و انسان دوستانه / آبیات ۱۳

در پاسداشت ۴۰ سال فعالیت فرهنگی و هنری ... / س.بابائی ۱۴

انجمن شعرمیراث گنبد ۱۱ ساله شد / م.جرجانی ۱۵

نگاهی به کارنامه هنری پربرار استاد فرش ترکمن ... / ه.خرمالی ۱۷

زندگی و آفرینش ادبی استاد قربان صحت بدخشان / ه.خرمالی ۱۹

استاد عنصری از چهره های شاخص اهل قلم ترکمن / ه.خرمالی ۲۲

میراثنگار دوره پیشی و برنامه لاری حافظاندا ... / م.طبری ۲۴

ادبینگ یاغشی سی اولی نی سنلا / ح.قزلجه ۲۶

تویونگنر غوتلی بولسون / ع.قولا ۲۷

معرفی اعضا، انجمن شعر و ادب ترکمنی میراث گنبد کاووس ۲۸

مقالات

در دفتر زمانه فتد نامش از قلم / ا.شادمهر ۳۱

جوان مردان، قوت ایل اند / ن.فداکار ۳۲

استثنا، وقاعده / ا.گرگانی ۳۳

باورها، سنت ها و فرهنگ آیینی ... / ب.حاج قادری ۳۴

دردی شاعر / ب.فرزام ۳۵

در مسیر حرفه ای شدن / ب.قلیچی، ی بدراقی ۳۶

چگونگی پیدایش شعر و چبستی آن / ن.رهنما ۳۷

اوزان شعری در دیوان مختومقلی / دکتر م.محمد زاده صدیق ۳۹

عنصری تاریخ پژوه و گلهایی با ... / دکتر ام.سارلی ۴۲

شاهنرا گرک زادلار / ق.ص.بدخشان ۴۵

غوشگی - غوشما، شغئر / س.سوقی ۴۸

شاننگنر آشورهرات / جمعیت فرهنگی و هنری کلالة ۵۰

بولونگنر یوره لگه لی و بولچی بولسون / ع.اونق ۵۲

ایران تورکمن لرینینگ غوشگی دورموشی / ح.کمی ۵۳

«میراث» اوسساخانا دال / غ.خوجه ۵۶

غوشگی لاز ۸۲ - ۵۹

تبریکات ۹۹ - ۸۳

مجموعه ای که پیش رو دارید ویژه ی همایش بزرگ شعر ترکمن که به مناسبت یازدهمین سال تأسیس انجمن شعر و ادب ترکمنی میراث برگزار می گردد و طی آن از سه تن اساتید فرهنگ و هنر ترکمن استاد نیازمحمد محمدنیازی، استاد قربان صحت بدخشان و استاد آناردی عنصری به پاسداشت کارنامه ی فرهنگی - هنری ایشان تجلیل بعمل می آید، تهیه و نشر یافته است.

از آنجایی که مراسم در سه موضوع محوری ۱- یازده سال فعالیت انجمن میراث ۲- طراز شعر ترکمن های ایران در وضعیت فعلی ۳- تجلیل از اساتید ادب و هنر ترکمن برگزار می گردد، شایسته است در این مجال اندک به هریک از موضوعات سه گانه فوق نظری اجمالی داشته باشیم.

۱- انجمن میراث و یازده سال کارنامه فرهنگی.

انجمن شعروادب ترکمنی میراث نهاد فرهنگی قدیمی در ترکمن صحرا است که در دوره ی جدید از فعال ترین انجمن های فرهنگی و ادبی محسوب می شود. انجمن در طی فعالیت یازده ساله ی خود در حوزه ی فرهنگ و ادبیات ترکمن در مقوله های ذیل بصورت جدی و گسترده کار کرده است:

۱- برگزاری مراسم در بزرگداشت و بررسی نقش شاعران کلاسیک ترکمن مثل مختومقلی فراغی، ملانفس محمدولی کمینه و آرتیق محمدسیدی. این مراسم با هدف آشنایی جامعه با زندگی و آفرینش ادبی شخصیت های ادبی کلاسیک ترکمن صورت می گیرد.

۲- برگزاری همایش ها و سمینارهایی در حوزه ی ادبیات و زبانشناسی مثل سمینار زبان و ادبیات ترکی - ترکمنی و سمینار شناخت امیر علیشیر نوایی شاعر ترک زبان.

۳- برگزاری کنفرانس های ماهانه و دعوت از پژوهشگران ترکمن که در موضوعات نظری مربوط به شعر و ادب ترکمن در قالب کنفرانس به ارائه نظرات و دیدگاه های خود می پردازند. ازان جمله کنفرانس هایی تحت عنوان تطور شعر ترکمن . مراحل تحول زبان ادبی ترکمن ، دوره بندی تاریخ ترکمن . زندگی و آفرینش ادبی محمود کاشغرلی صاحب دیوان لغات التترک ، ترکمن ها و جنبش مشروطیت. داستان نویسی در ادبیات ترکمن و ده ها موضوع دیگر.

۴- برگزاری مراسم بزرگداشت شاعران و پژوهشگران معاصر و در قید حیات ترکمن. این مراسم با هدف تجلیل از اساتید فرهنگ و ادب ترکمن وارجگذاری به فعالیت آنان در این



تجلیل از اساتید ادب و هنر ترکمن

نکوداشت و تجلیل از اساتید ادب و هنر، رسمی است که در سطح کشور و به موازات آن در سطح ترکمن صحرا دیگر به یک سنت حسنه تبدیل شده است. این رسم حداقل در میان قوم ترکمن ریشه در باورها و آموزه های تربیتی دارد که در فولکلور قوم به شکل صدها مورد گفتار و ضرب المثل با موضوع ارجگذاری به جایگاه شاخص « بزرگان » و لزوم حفظ احترام آنان جلوه گر شده است.

(اولنی سئلان بگ بُولار). با چنین پشتوانه ی اعتقادی است که این رویکرد مثبت در برنامه ها و اهداف فعالیت های انجمن ادبی میراث جایگاه ویژه ای را بخود اختصاص داده است.

اما این تمام موضوع نیست، همانگونه که انجمن میراث ویا انجمن های دیگر در تأسی و عمل به این آموزه ی اخلاقی احساس وظیفه کرده و در جهت اجرایی کردن آن صادقانه تلاش می کنند همزمان نباید از وجه دیگر قضیه نیز غافل بود. اینکه بزرگان ادب و هنر و اساتید نیز در این میان وظایفی دارند و تعهداتی که باید با شناخت دقیق آن و درک صحیح از موقعیت علمی و هنری خود نسبت به انجام این وظایف و مسئولیت ها «بزرگمنشانه» وارد عمل شوند. معتقدیم این وظایف در دو حوزه قابل شناسایی است:

۱- حوزه ی آموزش علمی: بزرگان علمی - هنری باید مقوله ی «آموزش» را در اولویت کاری خود قرار دهند. آنها به دلیل ذخیره بالای اندوخته های علمی - هنری وظیفه دارند «دانش» خود را به نیروها و نسل های جوان تر منتقل کنند. نویسندگان، شاعران و هنرمندان را با دقایق و ظرائف کار آشنا کنند و خسته گی ناپذیر نسبت به ایفای نقش و رسالت خود پایبند باشند. موضوع «انتقال تجربه و دانش» از نسل بزرگتر به نسل کوچک تر در توسعه دانش بشری و غنای تجربی انسان ها بسیار حائز اهمیت است. بزرگان و اساتید علمی باید پرهیز کنند از اینکه «عالم بی عمل» باشند. عمل به مسئولیت آموزشی و تربیتی نسل جوان از اهم وظایف اساتید است.

۲- حوزه رفتار اجتماعی بزرگان علمی - هنری به موازات انتقال دانش علمی - تجربی خود باید امر «مراقبه ی رفتاری» را نیز در اولویت کاری خود قرار دهند. بدین معنا که همانگونه که در حوزه مقولات تجربی - دانش و علم - بزرگی می کنند، باید نسبت به اعمال بزرگی در «الگوهای رفتار اجتماعی» خود نیز اهتمام داشته باشند. نسل جدید کنش اجتماعی و موازین رفتاری حسنه در حیات اجتماعی از قبیل مردمداری، فروتنی، ایثار، گشاده رویی، صراحت در گفتار و صداقت در رفتار و ده ها الگوی رفتاری نیک را باید از بزرگان ببینند، بشنوند و فراگیرند.

انجمن شعر و ادب ترکمنی میراث - گنبد کاوس

حوزه برگزار می گردد. مثل تجلیل از شاعر فقید قربان گلدی آهون بر، تجلیل از شاعران ترکمن، مرحوم حاج اراز محمد صحنه، عبدالله آهنگری و اراز محمد اراز نیازی.

۵- برگزاری جلسات هفته گي نشست شاعران و پژوهشگران که که هر هفته روزهای جمعه در محل دفتر انجمن با حضور اعضاء تشکیل می شود. این جلسات بطور معمول در دو قسمت:

۱- خوانش آثار ادبی کلاسیک ترکمن و بحث و بررسی حول موضوعات ادبی.

۲- خوانش شعر شاعران حاضر در جلسه و بحث نظری درباره ی موضوعات مرتبط مثل زبان شعری، مخزن واژه گانی، قالب و محتوای شعری و . . . برنامه ریزی و اجرا می شود. این جلسات با هدف آموزش اعضاء و آشنایی آنان با مباحث نظری شعر ترکمن تشکیل می گردد.

طراز شعر ترکمن های ایران در شرائط فعلی

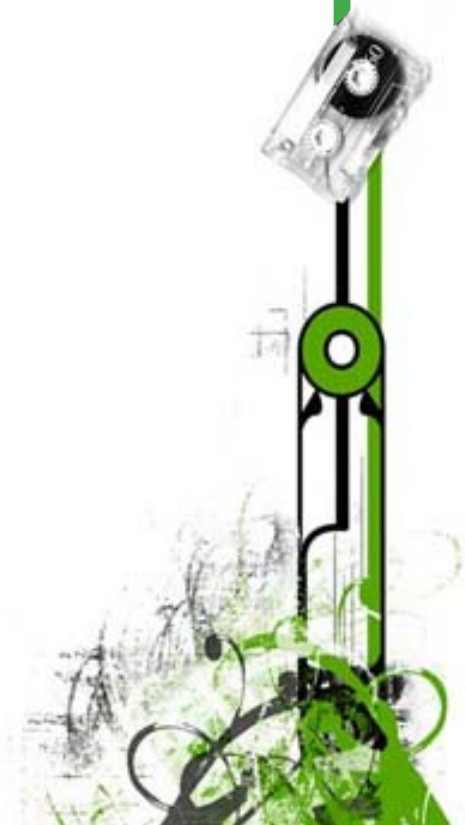
در شرائط فعلی شعر ترکمن در ایران بلحاظ فرم و قالب در دو گروه :

۱- شعر کلاسیک ۲- شعر نو

قابل تقسیم است. صرف نظر از کم و کیف شعری دو گروه و رشد قابل ملاحظه «شعرییت» ترکمن در طول دهه ی اخیر علی الخصوص در حوزه ی «معنا» اما بنظر می رسد عام ترین وجه شعر که همانا عنصر اساسی و بنیانی آن را تشکیل می دهد یعنی «کلمه» از جانب شاعران ماتا حدودی مغفول واقع شده و چندان روی آن کار مطالعاتی صورت نگرفته است.

اگر بپذیریم که «کلمه» عنصر اساسی شعر است. این راهم باید بپذیریم که این «قاعده» در موضوع شعر ترکمن در ایران نیز مصداق پیدا می کند. به بیان دیگر شاعر ترکمن ایرانی نیز در درجه اول وظیفه دارد که مصالح ساختمان شعر خود را تو بخوان [کلمه] را از جهات ادبی، معنایی و کاربردی بطور صحیح و علمی مورد مطالعه قرار داده و به جوانب مختلف آن اشراف داشته باشد. این نیز میسر نمی شود مگر با مطالعه ی شعری. مطالعه به معنای آموزش مستمر شعر. آموزش شعر نیز ضرورتاً در دو حوزه ی شعر کلاسیک و شعر معاصر ترکمن برنامه ریزی می شود. این مطالعه ی آموزشی با هدف یادگیری ساخت نحوی جملات و ابیات، نقش «کلمه» در دستور شعری و کاربردهای معنایی آن. به گمان مایک شاعر برای تقویت و گسترش گستره ی «مخزن کلامی» خود ضرورتاً نیاز دارد که از این مرحله ی آموزشی عبور کند. در این صورت است که شعر شاعر هم از جهت قالب شعر، هم از جهت مخزن کلامی هم از جهت محتوایی به تدریج روبه تعمیق خواهد گذاشت. بنظر می رسد در مسیر ارتقاء سطح «شعرییت» ترکمن های ایران نکته ی یادآوری شده در اولویت اول قرار دارد.

گزارش



به بهانه ی تقدیر از فعالان فرهنگی، ادبی و هنری ترکمن صحرا



دادن فلسفه ی نقش و نگارهای متعدد
قالیهای ترکمن که درنوع خود بی نظیر
هستند و هرکدام برای خود تاریخی
دارند یک طرف، معرفی فرهنگ، آداب
ورسوم و سنن قوم ترکمن از طرف
دیگر بر ارزش کار استاد نیازی دوچندان
می افزاید. کاری که با رسانه های
متعدد هم نمی توان در این حد (هنری)
باین ظرافت به دنیا معرفی کرد. استاد
قربان صحت بدخشان یکی دیگر از
این چهره های ماندگار و تأثیر گذار است
فعالیت های ادبی ایشان زبانزد عام
و خاص است. یاد می آید آن زمانهایی
را که هیچ کس خط سیرلیک را
نمی توانست بخواند آقای بدخشان
شعرهای شاعران ترکمنستان از جمله
شاعران پرآوازه ای چون کریم قربان
نفس - غاراسیدلی، قربان نظر عزیز . . .
را به خط عربی برمی گرداند و به دست
مجریان می رساند تا در مراسم عروسی
و یا در محافل و مجالس بخوانند، تا
مردم، هم با شاعران ترکمنستان آشنا
شوند و هم به این وسیله زبان ترکمنی
تقویت شود. در واقع «آموزش غیر
مسقیم زبان مادری» که اثرات بسیار
مفید آنرا هم اکنون نیز ما در جامعه

انجمن شعروادب «میراث» گنبدکاووس،
الحق، یکی از فعال ترین انجمنهایی
است که در ترکمن صحرا به فعالیت های
فرهنگی و ادبی می پردازد. کلاسهای
مستمر هفتگی شعرخوانی و نشستهای
ماهانه فرهنگی و ادبی از اعم فعالیت های
این انجمن می باشد که انصافاً در این
راه به موفقیت هایی نیز نائل آمده است.
کمیترانجمنی در ترکمن صحرا چنین
تحرك مستمری داشته است. نقش
آقای منصورطبری در این بین به
همراه دیگر اعضای هیئت مدیره ی
انجمن را نباید فراموش کرد.

در کنار تمام این کارها، تقدیر از فعالان
عرصه ی ادب و فرهنگ و هنر، علی
الخصوص پیشکسوتان ترکمن هم
اقدامات مهم و بسیار ارزشمند این
انجمن می باشد که قابل تحسین
است. تقدیر از انسانهای با ارزش و مفید
جامعه آقایان استاد محمدنیازی، قربان
صحت بدخشان و آنادردی عنصری که
هرکدام در حوزه ی فعالیت خودشان
استادان خبره به شمار می روند. استاد
نیازی طی چند دهه فعالیت هنری
در زمینه طراحی قالب ترکمن و
شناساندن هنر قالی به جهانیان و نشان



عبدالرحمان اونق

می بینیم .

اما کار اصلی استاد بدخشان، ادبیات ترکمن، بخصوص ادبیات شفاهی «فولکور» است. ما تألیفات و مقالات بی شمار ایشان را در این زمینه شاهد هستیم. دقت نظر و وسواس استاد در ارائه ی نظرات و مقالاتشان و پژوهش و تحقیقاتی که انجام می داد نشان از اهمیت این موضوع است. اکنون در کشورهای پیشرفته به ادبیات عامیانه اهمیت ویژه ای قائلند. آنها فهمیدند که آموزش غیرمستقیم این نوع ادبیات حتی در تربیت فرزندان نیز غیرقابل انکار است. اینجاست که می فهمیم کار استاد چقدر ارزشمند است. نمی خواهم بگویم بارسنگین این کار ادبی و علمی را ایشان یک تنه بردوش می کشند، اما کسی را سراغ نداریم که وقت گران خودش را و عمر مفید زندگی را آن هم در چنین آشفته بازار، در راه ادبیات گذاشته باشد. ولی در کنار این عمل مفید، استاد نقد و بررسی ادبیات ترکمن رانیز دنبال می کنند. یا در کلاسهایی که توسط انجمنهای مدنی فعال در ترکمن صحرا برگزار می کنند از وجود ایشان سود می برند.

استاد آنادردی عنصری شخصیت خستگی ناپذیر در عرصه فرهنگ و ادب و تاریخ ترکمن صحراست. ایشان را بیشتر به جهت تحقیق، ترجمه و تألیفهای تاریخی می شناسند. می شود گفت فعالیت اصلی ایشان هم در همین زمینه است. تحقیقات و بررسیهای علمی خودشان را در قالب مقاله، در مجلات و هفته نامه های فعال در منطقه به چاپ می رسانند یا کتابهایی که از ایشان به چاپ رسید، تأیید همین مدعاست. اما استاد عنصری علاوه بر این فعالیتها، در حوزه ی فرهنگ و ادب و زبان ترکمن نیز بسیار فعال و کوشا هستند. مقالات متعدد ایشان را در هفته نامه ی صحرا یا فصلنامه ی پارق و فراغی و ... شاهد هستید آقای عنصری در حوزه کاری خودشان بسیار جدی هستند و تا آنجاییکه می توانند، سعی می کنند با عجله و بدون دلیل یا ساده انگاری کاری را انجام ندهند.

کتاب های زیادی هم از نویسندگان ترکمن و هم غیر ترکمن به چاپ رسیده است که با سطحی نگری و عجله تحویل جامعه شده است.

به خاطر همین هم هیچ استنادی نمی شود روی کارهای آنها انجام داد. اما جناب آقای عنصری در این مورد خاص بسیار وسواس هستند. به حق می توان ایشان را یکی از جدی ترین و عالم ترین فرد در امور فرهنگی و ادبی و تاریخی دانست. ایشان نیز مثل آقای بدخشان علاوه بر این کارها، در حوزه ی تحقیق و بررسی و نقد آثار فرهنگی و ادبی نیز فعال هستند. در کلاسهای تشکلی های مدنی فعال در گنبدکاووس و کلاله به عنوان مدرس مشغول می باشند. هر چند شعرهایش را خیلی بروز نمی دهند اما شاعر توانایی نیز هستند.

اگر بخواهم درباره ی این سه بزرگوار مطلبی بنویسم در این چند صفحه نمی گنجد و حق مطلب را نمی شود ادا کرد اما برای اینکه به نوبه ی خودم و به بهانه ی تقدیر انجمن شعر و ادب میراث سوگاتی داده باشم به همین مقدار بسنده می کنم باشد که مقبول افتد.



انجمن میراث حلقه اتصال برای رشد و شکوفائی



یازدهمین سال تأسیس انجمن شعر و ادب ترکمنی میراث وابسته به اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان گنبد کاووس را گرامی می‌داریم. این انجمن محفل و پاتوق اهل قلم و ادب و اندیشمندان عرصه تحقیق و پژوهش تاریخ ادبیات ترکمن بوده و با برگزاری نشستهای هفتگی و همایش‌های گوناگون هنری و علمی رسالت رشد و گسترش فرهنگ و ادب را بصورت مداوم و پیگیر به انجام رسانیده است. فعالیتهای انجمن بر کلیه اقشار جامعه بویژه به مشتاقان وادی ادب و هنر در منطقه ترکمن صحرا تأثیر شایانی گذاشته است. انجمن میراث پیوند دهنده ارتباط شاعران و نویسندگان پیشکسوت با تشنگان و علاقمندان جوان عرصه ادب و هنر است. که این حلقه اتصال باعث رشد و شکوفائی معرفت و شناخت هرچه بیشتر دانش پژوهان و مشتاقان آثار جاودان ادبیات

ایلیم، گۆنۆم بولماسا
آیثم، گۆنۆم دؤغماسئن

ماغتنم غولی یۆره گیمده درد دؤرأر
کیم گؤرۆپ دئر غویونلاردان غورت دؤرأر
ای یارانلار مرد ییگیتدن مرد دؤرأر
قاچان دؤراپ، ناماردلاردان مرد اولدی



ناز محمد یگن محمدی

مشرق زمین بلاخص تاریخ و ادبیات ترکمن گردیده است.

ماغتسم غولی سؤزله هر نه بيله نینگ
اؤزؤنگه کم لیک بیل آیتمان اؤله نینگ
تاراشلاپ شاغلانغنن کؤنگله گله نینگ
سیندن سؤنگفی لارا یادیگار بولار

گرامیداشت، بزرگداشت و تقدیر از اساتید و محققین محترم سه شخصیت بزرگواری که در طول زندگی پر افتخار خود تلاش ها و خدمات شایان توجهی در راستای بسط و گسترش و تعالی فرهنگ و ادب و هنر مبذول نموده اند و میراث نفیس و ارزشمندی از خود برجای گذاشتند که به هر سه این عزیزان تبریک می گوئیم.

محقق ارجمند استاد نیازمحمد محمد نیازی پدر صنعت و هنر فرش ترکمن با نیم قرن پژوهش در زمینه تاریخ پیدایش فرش و سیر تکاملی انواع نقوش قالی و شرح و تفسیر فلسفه وجودی نقوش گوناگون فرش های طوایف مختلف ترکمن، تحولی بنیادین در بافت و تولید فرش ایجاد کردند.

از شاهکارهای استاد، تغییر شیوه سنتی بافت به شیوه اصولی و شطرنجی، کشف گل ها و نقشهای باستانی و بازسازی آنها از جمله «غایسا گؤل، آینا گؤل، سلجوق طغرل، بورگوت (عقاب) بال گشوده و همچنین مدیریت و نظارت بر تجدید بافت نسخه های قالیچه آتشدان از اقوام اکدی ها، سومری ها و قالیچه ده فرمان و ده ها اثر دیگر می باشد.

آخرین اثر جاودان و ماندگار استاد نیازی عصاره و چکیده ای از تحقیقات پنجاه ساله درباره پژوهش ها و بررسی های تاریخ کهن فرش ترکمن و مطالعات روند تکاملی چندین هزار ساله که مزین به تصاویر و نقش های متقدم و متأخر قالی، قالیچه، گلیم، حاجیم و سایر ابزار و آلات و صنایع دستی بافته شده مورد استفاده در زندگی روزمره با بیش از هزار صفحه است که قرار است با نام «مجموعه نقش مایه فرش های ترکمن از هزاره چهارم قبل از میلاد» در ۳ جلد به زیور طبع آراسته گردد. این کتاب دارای منابع و مأخذ متعددی است که مورد استفاده استاد نیازی قرار گرفته است.

امیدواریم که این اثر نفیس و ارزشمند نیز هر چه سریعتر چاپ و منتشر گردیده و در خدمت جامعه هنری و علمی قرار گیرد.

ادیب و محقق گرانقدر استاد قربان صحت بدخشان که با خدمات صادقانه به فرزندان این مرز و بوم به افتخار بازنشستگی از آموزش و پرورش نائل گردید. بصورت مستمر و خستگی ناپذیر کار کرده، زحمت کشیده و آثار و مقالات فراوانی چه در عرصه ترجمه و چه در عرصه تألیف خلق کرده است. تمرکز او بیشتر بر روی لغات - اسامی - واژه ها - اصطلاحات - ضرب المثله - فولکلور و ادبیات عامیانه و همچنین رمانها و قصه ها - داستانها و بررسی و شناخت آثار شاعران و نویسندگان کلاسیک ترکمن بوده است. در میان اهل قلم جایگاه ویژه ای دارد و دغدغه فکری اش همواره شکوفائی و رشد و گسترش هنر - ادبیات و فرهنگ جامعه بوده است.

تعدادی از آثار استاد قربان صحت بدخشان:

۱- فرهنگ نامهای ترکمنی

۲- سیری در ادبیات شفاهی ترکمن

۳- روباغی لار گزیده رباعیات شاعر توانای ترکمن
آمانگلدی آمان

۴- لاجه که جان داستان کوتاه با الهام از افسانه های ترکمنی
۵- ترجمه رمان تاریخی راز حایر خوجه اثر عبدالرحمن اونق «در دست اقدام» مورخ، مترجم و پژوهشگر پر تلاش استاد آنا دردی عنصری در طول چندین دهه نهایت سعی و کوشش خود را در راستای مطالعه - تحقیق - ترجمه و تألیف کتابها و مقالات گوناگون تاریخی و ادبی مبذول داشته است.

از جمله اندیشمندان و روشنفکران آوانگار ترکمن صحرا بوده و در مسائل و موضوعات تاریخی و ادبی صاحب نظر و کارشناس می باشد.

پاره ای از آثار استاد عنصری:

۱- کتاب تاریخی اوغوزلار (ترکمن لر) اثر ماندگار پروفسور فاروق سومر

۲- کتاب شجره تراکمه ترجمه از متن ترکمنی بیانیه نویسنده ابوالغازی بهادر خان
(ب) ترجمه و تألیف:

۱- منتخب اشعار مختومقلی فراغی ترجمه به فارسی با مقدمه (به سفارش سازمان میراث فرهنگی کشور)

۲- منتخب اشعار مختومقلی فراغی متن ۳ زبانه با آوانگاری بین المللی (ترکمنی - فارسی - انگلیسی) با مقدمه در مرحله چاپ
(ج) تألیف

۱- زندگی و آفرینش ادبی شاعر سید نظر سیدی

۲- زندگی و آفرینش ادبی شاعر غایب ناظر غایبی

۳- زندگی و آفرینش ادبی شاعر عبدالله شایبده

مقالات:

بالغ بر چهل مقاله تحقیقی، تاریخی ادبی با موضوع تاریخ، ادبیات و زبانشناسی ترکمن

از قبیل: نشانه های تفکر علوی - بکتاش در ادبیات کلاسیک ترکمنی (مختومقلی و حماسه گوراوغلی)

مراحل تحول زبان ادبی ترکمن

دوره بندی تاریخ ادبیات ترکمن

زندگی و زمانه مختومقلی فراغی

ملا نفس به عنوان آخرین شاعر داستانسرای ترکمن

بر آمدن سلجوقیان، ملک نامه حماسه یا تاریخ

مختومقلی کؤنگله غایغی گیتربه

بو بیر ایش واقیتدور اؤزؤنگ یتیرمه

سؤزؤم انگلان یوق دیپ اؤم - سؤم اؤتورما

جاهان گینگ دور، چندان بيله نده بار دور



نحوه پیدایش و چگونگی تأسیس انجمن میراث



درباره نحوه پیدایش و چگونگی تأسیس و اولین مؤسسين و متقاضيان مکتوب انجمن شعر و ادب ترکمن سخنانی را بیان و نکاتی را تبیین و آشکار نمایم تا در آینده این ابهامات برای آیندگان بر طرف و همه موارد آشکار واضح و مبرهن باشد.

بررسی و یافتن اسناد و مدارک موجود در بایگانی اداره محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان گنبد کاووس در زمان تصدی پست ریاست آن اداره محترم توسط آقای خان احمدی در سال ۱۳۷۷ این مدعا را به اثبات خواهد رساند که چه کسانی اولین متقاضیان و مؤسسين انجمن شعر و ادب ترکمنی بوده و در پای برگه کاهی رنگ باخته ای از دفتر نشریه صحرا دریافت شده بود امضای چه کسانی وجود دارد تا حقیقت امر تبیین و آشکار گردد.

اواسط تابستان سال ۱۳۷۷ پس از چاپ اولین شماره نشریه صحرا در بهار همان سال به دلیل عدم شناخت

در ابتدای کلام جا دارد یازدهمین سال افتتاح انجمن مستقل شعر و ادب ترکمنی میراث را به تمامی دست اندرکاران اعضای انجمن و کلیه علاقمندان و فرهنگ دوستان خطه ترکمن صحرا که در این مدت بدون هیچگونه چشم داشت مادی، صمیمانه و بی شائبه در جهت حفظ، نشر و گسترش فرهنگ و فولکور ترکمن تلاش نموده اند را تبریک و تهنیت عرض نموده و موفقیت روز افزون آنها را در تمامی مراحل زندگی و لحظات هنری ایشان از خداوند متعال مسئلت دارم.

این حقیر در این مجال و فرصت کوتاه قصد قلم فرسائی و تصدیع اوقات خوانندگان بزرگوار و گرانقدر را ندارم. اما به اصرار دوستان با تمام بضاعت کلامم مایلیم به صورت مختصر و مفید جهت جلوگیری از اطاله و تطویل کلام و به دلایل روشن شدن پاره ای از ابهامات و نکات پنهان و ناگفته ها



نظر محمد مصطفائی

سخنرانی آقای یاقوتی به عنوان ریاست جدید رسماً افتتاح و خوش آمد گویی و تبریک آن نصیب وی و در بیان کاری او ثبت و ضبط گردید.

پس از دو الی سه جلسه تشکیل کلاسهای این انجمن در محل کتابخانه عمومی بنا به درخواست و پیشنهاد اعضای مؤسس انجمن و با رضایت و موافقت آقای یاقوتی محل و مکان تشکیل کلاسهای انجمن به طبقه همکف اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی انتقال یافت. اتاق همکفی که جهت تشکیل کلاسها به انجمن اختصاص داده شده بود پر از سه پایه های شکسته چوبی ، بومهای نقاشی پارچه های نوشته شده به مناسبتهای مختلف و غیره که در واقع می توان گفت حکم انباری اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی را داشت. پس از تمیز کاری و جابجایی وسایل و رفت و روب اتاق و زحمات فراوان جهت آماده سازی آن تشکیل اولین جلسه کلاسهای انجمن را در مکان جدید در خیابان وحدت شرقی ساختمان قدیمی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی در روزهای جمعه از ساعت ۹ الی ۱۲ ظهر توسط دعوتنامه تماس تلفنی و تماس رودر رو مراجعه به درب منازل به سمع و نظر دوستان و هنرمندان رسانده و بدین طریق اطلاع رسانی کرده و جهت شرکت در کلاسهای نقد و بررسی اشعار و نوشته ها دعوت به عمل آوردیم.

روز جمعه پس از حضور تعداد کثیری از علاقمندان و دوستداران فرهنگ و هنر ترکمن آقای یاقوتی مجدداً در حضور حضار به عنوان ریاست جدید اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی به ایراد سخنرانی پرداخته و افتتاح رسمی این انجمن و استقبال هنرمندان را تبریک گفتند.

با تأسیس این انجمن جمعیت قابل توجهی از هنرمندان رشته شعرو ادب جذب و تحت پوشش این انجمن قرار گرفتند. پس از آن این انجمن روزهای جمعه هر هفته از ساعت ۹ الی ۱۲ ظهر همان محل اقدام به برگزاری جلسات و شعر خوانی و نقد و بررسی اشعار می پرداخت.

در سال های ۱۳۸۲-۱۳۸۱ این انجمن شکل مستقل تری به خود گرفته و به نام انجمن شعرو ادب ترکمنی میراث تغییر نام یافت. و در سال ۱۳۸۴ با انتخاب شدن آقای منصور طبری به عنوان ریاست انجمن شعر و ادب ترکمنی میراث و با پیگیری و تلاشهای مجذانه وی این انجمن به عنوان یک انجمن کاملاً رسمی زیر نظر اداره ارشاد اسلامی شهرستان گنبد کاووس در اداره ثبت و اسناد و املاک شهرستان گنبد کاووس با نام فوق الذکر به ثبت رسید و تاکنون نیز با این عنوان به فعالیت خود در حوزه فرهنگ و ادب ادامه می دهد.

در پایان کلام ، بزرگداشت پیشکسوتان و خدمتگزاران عرصه فرهنگ و هنر ترکمن صحرا را به جناب آقایان استاد نیاز محمد محمد نیازی ، قربان صحت بدخشان و آنا دوردی عنصری تبریک و تهنیت عرض نموده و آرزوی روزهایی توأم با بهروزی و شادکامی برای آنان از خداوند منان مسئلت می نمایم. و امیدوارم راه این ره پویان عرصه اندیشه و هنر همواره مستدام و پاینده باشد

و ارتباط نویسندگان و شعرای ترکمن با یکدیگر و عدم وجود محل و مکانی مناسب برای تجمع اهل ذوق و هنر و احساس نیاز به وجود چنین مکان فرهنگی و هنری جهت انسجام بخشی به این پراکندگی و از هم گسیختگی جهت ارتباط استفاده و تبادل افکارو نظرات یکدیگر تصمیم به افتتاح انجمنی با عنوان انجمن فرهنگی و هنری ترکمن گرفته شد. پس از مشورت و بحث و گفتگوهای فراوان درباره تأسیس این انجمن تقاضا و درخواست کتبی آن بر روی برگه ای کاهی در دفتر نشریه صحرا واقع در خیابان امام خمینی شمالی بعد از میدان یادبود با حضور و امضای سه نفر به نامهای محمد آتابای و نظر محمد مصطفائی و عبدالکریم پورمند مکتوب و مرقوم گردید. سپس ساعت حدوداً دوازده و نیم همان روز بود که به اتفاق هم (سه نفر) از دفتر نشریه صحرا خارج و به طرف اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی آن زمان واقع در ابتدای وحدت شرقی به راه افتادیم. پس از طی مسیر و پشت سر گذاشتن راه پله های اداره به اتاق آقای خان احمدی مراجعه نمودیم. هنگام مراجعه متوجه شدیم که ایشان در اتاقشان حضور ندارند و به مرخصی ساعتی رفته بودند. در راهرو اداره به شادروان نعمان ملتی برخورد نمودیم پس از سلام و احوال پرسی زمان برگشتن خان احمدی را جویا شدیم. وی پس از ملاحظه و خواندن متن تقاضای کتبی از این اقدام ما بسیار خوشحال و خرسند شده و ما را بیش از پیش در راه رسیدن به هدفمان تشویق و ترغیب نمودند پس از اندکی گپ و گفتگوی دوستانه وی با آوردن یک لیوان چای داغ از ما پذیرائی نموده و خستگی را از تنمان زدودند. پس از ساعاتی انتظار متوجه پایان وقت اداری شده و آن روز موفق به دیدار خان احمدی نشده و بدون حصول نتیجه ای مثبت همگی برگشتیم و قرار دیدارمان به روز بعد موکول شد.

صبح روز بعد اول وقت اداری به همراه دوستان که پای تقاضای کتبی امضاء کرده بودند مجدداً به اداره مراجعه نمودیم. خوشبختانه آقای خان احمدی آن روز حضور داشتند. پس از ارائه درخواست و دیدار و گفتگو با آقای خان احمدی و جلب رضایت و موافقت وی مبنی بر تأسیس انجمن شعر و ادب ترکمنی تقاضا نامه توسط وی پاراف و در دفتر اندیکاتور آن زمان با عنوان شعر و ادب شاخه ترکمنی زیر مجموعه انجمن شعر و ادب فارسی «حافظ» که پیش تر تأسیس شده بود موافقت گردیده و به ثبت رسید. لازم به ذکر است که تا قبل از سال ۱۳۷۷ تنها انجمن شعر و ادب این شهرستان در بخش فارسی فعال بود که از مهر ماه سال ۱۳۷۷ تدابیر لازم جهت تشکیل انجمن شعر و ادب بخش ترکمنی اتخاذ گردید.

متأسفانه قبل از افتتاح رسمی انجمن شعر و ادب شاخه ترکمنی توسط آقای خان احمدی به عنوان ریاست اداره به دلیل تغییر و تحولات اداری وقفه ای چند هفته ای را اعلام و اعلان تأسیس انجمن بوجود آمد به دنبال این تغییر و تحولات در مهر ماه همان سال آقای حسین یاقوتی به سمت ریاست اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی آن زمان منصوب شدند.

پس از تصدی مقام ریاست توسط آقای حسین یاقوتی اولین جلسه ی انجمن شعر و ادب شاخه ترکمنی به عنوان زیر مجموعه انجمن شعر و ادب حافظ در سالن نقاشی کتابخانه عمومی شهرستان گنبد کاووس با حضور چند تن تشکیل و با



ستایش و قدردانی از بزرگان از اهداف عالیه و انسان دوستانه متولیان فرهنگ و هنر



۱۳

می باشد که در استان و حتی کشور حرفی برای گفتن دارد و آثار و ترجمه ی وی کمک شایانی به علاقمندان تاریخ داشته است، بنده شخصاً فعالیت علمی و فرهنگی استاد عنصری را تحسین می کنم و هیچ موقع همکاری نزدیک و حمایت مادی و معنوی او از نشریه ی صحرا در اوایل نشر را فراموش نمی کنم.

انجمن شعر و ادب میراث طی مدت یازده سال کمک شایانی در رشد و شکوفایی شعر در منطقه داشته و مشتاقان بسیاری را در خود جذب کرده است و در برگزاری همایش های گوناگون خصوصاً برگزاری سالیانه مراسم مختومقلی پدر ادبیات ترکمن سهم بسزایی دارد. گرچند با کمی تأمل می تواند بیشتر از اینها فعالیت بنماید، که جا دارد از بنیان گذاران و مدیران قبلی و فعلی آن استاد ارزنیزی - محمدآتابای - امانقلیچ شادمهر و منصور طبری تشکر و قدردانی نمایم. در خاتمه ضمن تقدیر از زحمات متولی فرهنگی شهرمان آقای داورزنی و هیئت مدیره ی انجمن میراث خصوصاً حکیم قزلجه - فرهاد قاضی؛ عمری طولانی برای استادان گرامی و بزرگوار آقایان نیازی - عنصری و بدخشان را دارم. ستایش و قدردانی از بزرگان یکی از اهداف عالیه و انسان دوستانه متولیان فرهنگ و هنر می باشد.

با آرزوی توفیق برای تمامی فعالین عرصه ی فرهنگی شهرمان

نوزدهم آذرماه از سه شخصیت فرهنگی - ادبی و هنری شهر گنبد تجلیل ویژه ای صورت می گیرد. علاوه بر آن یازدهمین سال فعالیت فرهنگی - ادبی انجمن شعروادب ترکمنی میراث نیز برگزار می شود. این نکوداشت در جای خود بسی مایه ی خوشحالی ادب دوستان را به دنبال دارد و پاسداشت زحمات چندین ساله ی استادان عرصه ی فرهنگ و هنر از قدیم در بین اهل فرهنگ خصوصاً در بین ترکمنها یکی از آداب حسنه و به یادماندنی محسوب می شود که گذشته گان و بزرگان ما با خلعت ویژه از علما و شخصیت های هنری و مذهبی تجلیل باشکوهی بعمل می آوردند.

استاد نیاز جان نیازی شخصیت بزرگی است که فعالیت علمی او در خصوص فرش ترکمن بر کسی پوشیده نیست. واقعاً اقتصاد خانواده ترکمن با فرش عجین شده است. تلاش چند دهه ی استاد نیازی باعث رونق فرش ترکمن گردید.

استاد قربان صحت بدخشان یکی از پیشکسوتان فرهنگ و ادب ترکمن صحرا است. علاوه بر فولکلور در تدریس زبان ترکمن تلاش خستگی ناپذیری دارد و اثر ماندگار نامه های ترکمنی در مواقع حساس باعث گردید نسل جدید ترکمن هویت خود را باز یابد که در این بین زحمات مدیر کتابفروشی یاختی حاج نور جان آق قابل ستایش می باشد.

استاد آنا دردی عنصری مدیری توانا و یکی از شخصیت های کم نظیر عرصه ی ادبیات و تاریخ شهرمان



آنه محمد بیات

در پاسداشت چهل سال فعالیت

فرهنگی هنری اساتید ترکمن



در منطقه جای گرفته اند. مقام استادی بی بدیل آنان در جغرافیای ترکمن صحرا به همه گان آشکار است. استاد عنصری با تحصیل در دو دانشگاه معتبر ایران (دانشگاه تهران و دانشگاه فردوسی مشهد) در رشته های ادبیات فارسی و تاریخ عشق و علاقه وافر خود به فرهنگ و ادب ترکمن را در سطحی عالی به نمایش گذاشته است. ایشان عالمی صاحب نظر با قدرت بیان گیرا، متدلوژی خاص وی در بیان واستدلال و نتیجه گیری در کمتر کسی یافت می شود.

استاد بدخشان که خود سال ها در کسوت معلمی فرزندان این آب و خاک را پرورانیده از معدود بازمانده گان نخستین پیشگامان گردآوری فرهنگ شفاهی و فولکلوریک مردم ترکمن است. استاد نیاز جان محمد نیازی دارنده چندین نشان لیاقت در عرصه ی هنر که تمام حیات وهستی خویش را صرف هنر فرشی ترکمن نموده اند. وی در درونمایه های نقش های موجود در فرشی ترکمن ساختار یک حیات اجتماعی، بن مایه های جامعه شناختی وبخشی از تاریخ مصور مردم ترکمن را می یابد. اودر ردیف اساتید درجه یک فرشی نظیر عرب زاده ها جای دارد.

در خصوص استاد نیازی شایسته است نظیر دیگر هنرمندان میهن عزیزمان، بیاد ایشان گالری هنری تأسیس و مجموعه های هنری وی در آن جانگهداری گردد. وظیفه مامحققین جوان وهنرمندان ترکمن وغیر ترکمن است که پژوهش اساسی و آکادمیک در خصوص آثار استاد به عمل آورند و بر متولیان امور است که آثار وی را در دروس دانشگاهی هنر جای دهند. قطعاً تولّد پدیده ای نظیر استاد نیاز جان محمد نیازی در حیات هنری در پی قرونی چند بصورت نادر نمایان وآشکار خواهد شد.

بهر روی برخود وظیفه می دایم از آنان کمال تشکر وسپاس را داشته باشیم. امیدوارم سایه آنان بر سر دوستدارانشان مستدام باشد.

در خصوص این سه استاد محترم ساعت ها می توان سخن گفت و قلم فرسایی کرد. آشنایی نزدیک اینجانب با هر سه عزیز که در دوره ی نوجوانی و جوانی افتخار شاگردی و تلمذ در محضرشان را داشتم جا دارد بعض نکات برجسته ی شخصیت فرهنگی - هنری ایشان را فهرست وار بیان دارم:

- عشق وافر به فرهنگ و ادب وهنر بصورت عام و فرهنگ وهنر ترکمن به صورت خاص - فروتنی، مردم داری، تلاش مداوم بدون چشم داشت مادی وجاه ومقام.

- فرزانه گی و فرهیخته گی

- تلاش مستمر ومداوم در حوزه تحقیق و پژوهش، تدریس، ترجمه، تألیف و... که حاصل آن کتاب ها و مقالات بسیار بوده که برخی از آنان در ردیف کتب مرجع قرار دارند.

- ترجمه ی کتاب «اوغوزلار- ترکمن لر» وسیله استاد آنادردی عنصری که مرحوم پروفیسور فاروق سومر ۲۸ سال برای تدریس آن تلاش نموده است. یا نشر اولین نام نامه ترکمنی توسط استاد بدخشان نمونه ای از محصولات فرهنگی اساتید است. تلاش آنان در برنامه ریزی های کلان فرهنگی وبه فعل در آوردن آن نظیر تدریس رسم الخط نوین زبان ترکمنی و شرکت فعالانه در اولین کنفرانس بین المللی تاریخ ترکمن در سال ۱۳۸۴ که نقطه عطفی در پژوهش تاریخ ترکمن بوده است.

- برگزاری مراسم مختومقلی فراغی، حضور فعال آنان در کلاس های بنیاد مختومقلی فراغی، انجمن شعر و ادب میراث و... اینجانب افتخار شاگردی و تلمذ از حضور هر دو استاد را داشتم بویژه استاد عنصری. بدون اغراق می توانم بگویم بن مایه های اصلی و اندک دانش تخصصی خویش واستمرار انگیزه فعالیت در حوزه فرهنگ و ادب در طول این مدت را از آموزه های اصولی ومنطقی این اساتید واساتید دیگر دارم. فعالیت خالصانه ی فرهنگی، هنری این سه استاد با گذشت زمان به فرزانه گی وفروتنی شان افزوده است و در قلب تک تک دوستداران فرهنگ و ادب ترکمن



سیروس بابایانی

* تولد ت مپارک *

انجمن شعر میراث گنبد ۱۱ ساله شد



نظری اجمالی به وضعیت شعر و ادب ترکمن کنم و با خود بیندیشم که من به سهم خود چه کمکی برای بارور شدن و پیشرفت این انجمن، که به همه اهل فکر، اندیشه و قلم ترکمن تعلق دارد، انجام داده‌ام و یا چه کاری می‌توانستم برای این انجمن انجام بدهم که نکرده‌ام و حالا چطور باید این انجمن را یاری و پشتیبانی نمایم؟

اصولا شعر و ادب، محصول تفکر شاعران و ادیبانی است که در طول تاریخ در برابر رخدادهای تلخ

وقتی که خبر جشن تولد به‌گوش می‌رسد، موجی از شادی و شغف وجود انسان را دربرمی‌گیرد و مشکلات و ناراحتی‌ها، برای لحظه‌ای هم که شده، فراموش می‌گردد. خبر خوش همیشه شادمانی و مسرت را به‌ارمغان می‌آورد و به‌انسان نیرو و جرأت می‌بخشد. شنیدن خبر جشن تولد ۱۱ سالگی انجمن شعر میراث گنبد باعث شد که ضمن خرسندی، نگاهی به‌اهمیت کار و گذشته آن انجمن داشته باشم و با این بهانه



موسی جرجانی

مدیر مسئول هفته نامه اقتصاد گلستان
مدیر عامل موسسه فرهنگی و هنری ترکمنان
گرگان زمین

علاقه، دلسوزی و تلاش صادقانه اعضای هیئت مدیره، و این تلاش‌ها که در کمتر انجمنی مشاهد می‌شود، سبب شده است که روز به روز نه تنها بر تعداد اعضای آن اضافه می‌شود، بلکه باعث افزایش مقبولیت آن در بین آحاد مردم می‌شود.

از سویی به نظر اغلب علاقمندان عرصه فرهنگی و هنری، یکی از کارهای بسیار پسندیده و خوب این انجمن در طی سال‌های گذشته، برگزاری مراسم تجلیل از پیشکسوتان و بزرگان عرصه فرهنگی و هنری می‌باشد، که این حرکت در تقویت روحیه هنرمندان و فعالان عرصه شعر و ادب و علاقمندان شهری و روستای تاثیرگذار بوده است و در همین راستا این انجمن در نظر دارد امسال در همایش بزرگ شعر و ادب، از سه نفر از فعالان عرصه فرهنگی و هنری بنام‌های:

۱- نیاز محمد محمد نیازی
استاد نیازی، کارشناس و پیشکسوت معروف فرش ترکمن است. وی احیاءکننده، مروج و معرفی‌کننده نقش‌های قدیمی فرش ترکمن می‌باشد که تلاش‌ها و آثار ارزشمند وی برای همیشه در اذهان تاریخ و فرهنگ و هنر ترکمن و این سرزمین باقی خواهد ماند. استاد نیازی به حق تاریخ متحرک فرش ترکمن محسوب می‌شود و کاملاً شایسته تجلیل و تکریم می‌باشد.

۲- استاد آنا دودی عنصری، یکی از پژوهشگران، محققان، مترجمان و نویسندگان معروف و با شخصیت ترکمن و از فعالان انجمن می‌باشد که ترجمه کتاب: «اغوزها» نوشته استاد فاروق سومر، از جمله آثار ماندگار وی محسوب می‌شود. ضمناً مقالات پژوهشی زیادی از وی در ارتباط با ادبیات و فرهنگ ترکمن، در مطبوعات چاپ شده و جای تقدیر و تجلیل دارد.

۳- استاد قربان صحت بدخشان (کاکا بدخشان)، از شخصیت‌های فرهنگی و ادبی معروف ترکمن می‌باشد و پژوهش‌های وی در زمینه فرهنگ و ادبیات کودکان و چاپ کتاب، از کارهای خوب و ماندگار وی محسوب می‌گردد. بدخشان از چهره‌های برجسته انجمن بوده و جای قدیر و تجلیل دارد.

در پایان، جشن تولد انجمن را برای همه اعضای انجمن، به‌خصوص اعضای هیئت مدیره و رئیس انجمن جناب آقای منصور طبری، که در جهت پیشرفت شعر و ادب ترکمن، صادقانه و بی‌ریا تلاش می‌کنند، تبریک گفته و برای همه آنان توفیق روزافزون از درگاه ایزد سبحان، مسئلت می‌نمایم.



و شیرین جامعه‌ی خود احساس مسئولیت نموده و مشاهدات و احساسات درونی خود را به رشته تحریر درآورده و آنرا برای نسل بعدی بازگو نموده‌اند و می‌نمایند؛ بنابراین شعر و ادب، بیانگر رخدادهای تاریخی و فرهنگی و احساسات درونی فردی است که حکایات و گفتنی‌های زیادی را در قالب اشعاری زیبا و قصه‌ها و داستان‌های شیرین بیان می‌کند و به‌شونده آگاهی و دانایی را هدیه می‌کند و بدین طریق به بارور شدن فرهنگ عمومی جامعه خود کمک می‌نماید.

حال بهتر است به‌طور اجمال نگاهی به‌فعالیت، ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و دستمایه انجمن نظر کنیم. اهل قلم و فعالان عرصه فرهنگ و ادب ترکمن همه می‌دانند که این انجمن در سال ۱۳۷۷ با تلاش و احساس مسئولیت تعدادی از افراد دلسوز جامعه با هدف اجماع و وحدت نظر علاقمندان، در جهت نظم بخشیدن به‌شعر و ادب پراکنده ترکمنی و آموزش جوانان و در مجموع پیشرفت شعر و ادب، با استفاده از امکانات بالقوه و موجود دوستان و با حمایت اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان گنبد تشکیل و فعالیت خود را بطور رسمی آغاز نمود و آنگاه به تبلیغات و عضوگیری پرداخت. در آغاز این حرکت نوین فرهنگی، تعداد اعضا اندک بود و اما بتدریج شیفتگان و علاقمندان به‌شعر و ادب پروانه‌وار و با عشق و علاقه دور این منبع نورانی گرد آمدند و اینک بعد از گذشت ۱۱ سال تعداد آنان به‌رقمی قابل توجه رسیده است که توجه همه را برانگیخته و بصورت یکی از انجمن‌های فعال استان گلستان جلوه‌گر شده است که می‌شود با خیالی آسود و با اطمینان به آن افتخار کرد.

برگزاری جلسات مستمر هفتگی و ماهانه، تشویق علاقمندان، خصوصاً جوانان علاقمند به‌فرهنگ و ادب ترکمن برای عضویت در انجمن، برگزاری کلاس‌های آموزشی، تجلیل از پیشکسوتان و فعالان عرصه فرهنگی، مشارکت در همایش‌های فرهنگی شهرستان و استان گلستان، کمک در چاپ دیوان اشعار شاعران، چاپ اطلاعیه‌ها، بروشورها به مناسبت‌های مختلف، چاپ نشریه سایراق، برقراری سایت انجمن و معرفی زندگینامه اعضای انجمن در سایت، همکاری مستمر با نشریات استان گلستان، برقراری ارتباط نزدیک با روستائیان با هدف معرفی انجمن و اهمیت شعر و ادب در زندگی مردم، حضور فعال در جشن و عروسی‌های مردم در سطح شهر و روستاهای استان، ترویج فرهنگ اجرای شعر و موسیقی در عروسی‌ها، برگزاری بازدیدها و برنامه‌های گردشگری برای اعضا، ارتباط نزدیک با مسئولان فرهنگی استان و خصوصاً ارتباط مستمر با آقای فرقانی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در ترکمنستان و برقرار ارتباط با شاعران و نویسندگان ترکمنستانی، از همه مهمتر مدیریت قوی و عشق،

نگاهی به کارنامه هنری پر بار استاد فرش ترکمن نیازمحمد نیازی



۱۷

تجارت کالا به سواحل شمال ایران و بنادر روسیه مشغول بود. نیاز محمد فقط ۵ سال داشت که یکباره سایه پر مهر پدر و مادر را از دست داد و طعم تلخ یتیمی را چشید. از آن همه ثروت پدر تاجر چیزی برایش نماند. پس از این اتفاق در کنار عموی خود به زندگی ادامه داد. اما هرگز نتوانست این ضایعه ی بزرگ را فراموش کند.

در سال ۱۳۱۱ راهی مدرسه شد و تا کلاس ششم تحصیلات خود را ادامه داد. سپس به همراه عموی خود به گنبد کاووس کوچ کردند تا با کمک عموهایش اولین آسیاب آرد را در این شهر راه اندازی کنند.

سیر و سفر و اندوخته های تجربی آن بلاخص سفر به کشور افغانستان و گشت و گذاری در بازار قالی فروشان باعث شد توجه استاد نیازی به این رشته معطوف

«در این منطقه حدود ۱۵۰ هزار بافنده ی بدون متولی بکار مشغول اند. هر بافنده در سال ۶ متر می تواند ببافد. اگر به حداقل یعنی یک متر در سال بسنده کنیم، عدم توجه به این قشر هر سال ۱۵۰ متر بافت ظریف را هدر می دهد. این یک فاجعه است.»

هنگامی که بحث روی قالی ترکمن باشد و یا تحقیق علمی کیفیت و کمیت قالی ترکمن مطرح گردد، خواه ناخواه چهره ی مردی لاغر اندام و شاخص فرش ترکمن استاد نیاز محمد محمد نیازی با نام عرفی «نازجان» در ذهن ها تداعی می شود. تجربیات و اندوخته های علمی وی می تواند تکمیل کننده بسیاری از سئوالات افراد طالب این صنعت باشد.

استاد فرش ترکمن در سال ۱۳۰۳/۰۱/۱۲ در کمیش تپه (گمیشان) به دنیا آمد. از محمد پدر وی از تجار مطرح منطقه بود که به کار



هادی خرمالی

انتزاعی، ذهنی، هندسی استوار بوده و تقلیدی نیست. عناصر گیاهی و جانوری در نقوش آنها بسیار نادر کار شده است. بلکه رمز و رازی پیچیده در آن نهفته است. نقوش مفهوم و نمادی از تاریخ ترکمن است. من ۵۱ سال از عمر خود را صرف مطالعه ی تحقیق و رمزگشایی و درک و کشف معنای این نقوش کردم.»

استاد با تأثر ادامه می دهد: «در گذشته ی نه چندان دور دو عامل سبب دوام و استمرار زندگی ترکمن ها بوده است. ۱- کشاورزی ۲- قالی بافی

با اصلاحات ارضی رژیم شاه، کشاورزی از زندگی ترکمن ها حذف شد و بار سنگین تأمین هزینه خانواده روی معاش زنان بافنده افتاد. چهره های نحیف و زرد بافندگان در زیبائی قرمز قالی محو می شد. فقط صدای شانه های قالی از هر خانه ای می توانست گویای این مطلب باشد.»

اما امروزه با جایگزینی قالی ماشینی و عدم حمایت از بافندگان این اندک در آمد خانواده نیز از سفره ها رخت بر می بندد. در این منطقه حدود ۱۵۰ هزار بافنده ی بدون متولی بکار بکار مشغول اند. هر بافنده در سال ۶ متر می تواند ببافد. اگر به حداقل یعنی یک متر در سال بسنده کنیم، عدم توجه به این قشر هر سال ۱۵۰ متر بافت ظریف را هدر داده ایم. این یک فاجعه است.

استاد، قالی ترکمن را همچون یک بستر مطالعاتی در نظر می آورند که می تواند از جهات مختلف تاریخی، دینی، فولکلور و ... می تواند ما را آموزش دهد و موضوع پژوهش قرار گیرد.

در پایان صحبت وقتی از استاد خواهش کردم حرفی، پیامی داشته باشد با خوانندگان سخن بگویند. با لبخندی تلخ و بی ریا و فقط در یک جمله اظهار داشت: «شرمنده، نمی توانم بگویم؛ زیرا که در وضعی اسفناک این هنر - صنعت در ورطه فراموشی قرار دارد.»



گردد. حضور طوایف مختلف ترکمن در بازار قالی و ارائه دستبافت های ظریف بنام هر طایفه تکه - یموت - سالور - ارساری و ذهن استاد نیازی را به سوی قوم شناسی در صنعت فرش ترکمن سوق داد.

در نگاه اول آنچه که حضور قالی فروشان را در این بازار سبب شده بود. فقر مضاعفی بود که در بین آنها بیداد می کرد. چه بسا دخترانی که تا سن ۴۰ سالگی فقط به خاطر بافت قالی در منزل پدری و کمک به اقتصاد خانواده از ازدواج محروم می شدند و در شرایط بسیار نامناسب بهداشتی به کار طاقت فرسای تولید فرش با سکوت و درد ادامه می دادند. مشاهده این جنبه از کار قالی بافی در روحیه و ذهن استاد تأثیرات پایداری گذاشت و وی را به فکر چاره ی کار بویژه در امر ایجاد تغییرات در تکنیک بافت و شکل دار قالی انداخت. از آن پس سالهای عمر خود را صرف مطالعه بر روی انواع نقوش و تکنیک های بافت قالی ترکمن کرد. همسر وفادار استاد در این مسیر یار او بود. استاد می گوید: «در این راه اولین استاد راهنمای من همسرم بود. اگر کمک های او در معرفی انواع نقوش و بافت قالی نبود، هرگز تا این حد نمی توانستم پیش بروم. موفقیت های خود را مدیون حمایت های همسرم هستم.» پس از انقلاب به عنوان استاد فرش ترکمن در جهاد سازندگی گنبد همکاری داشته و به اکثر روستاها رفته و برای ترغیب و تشویق خانواه ها به بافت با تکنیک و اصول فنی اقدام می نماید.

با فراگیری نقوش مختلف قالی و با تلاش شبانه روزی به شکل اصولی، علمی و قاعده مند به تدریس پرداخت. کار کیفی برای ایشان در درجه اول اهمیت بود. از این رو تفاوت گره بین شیوه «تکه» و شیوه «یموت» را روی قاعده تنظیم کرد و در یک جهت فرم داد. نتیجه کار در ارتقاء کیفی بافت قالی بسیار تأثیر گذار بود. تلاش او و حضور فعال در نمایشگاه های فرش در شهرهای مختلف ایران از جمله اصفهان و شیراز و باعث معرفی صنعت و هنر فرش ترکمن گردید. از سوی دیگر با جایگزینی روش علمی و اصولی باعث ارتقاء قالی از نظر وقت، هزینه و درآمد گردید، به طوری که قالی ۴۰۰/۰۰۰ ریالی ترکمن به قیمت ۱/۴۰۰/۰۰۰ ریال افزایش بهاء یافت. ایشان با اعتقاد به جنبه های هنری صنعت قالیبافی ضمن انتقاد و مبارزه شدید با استفاده از رنگها و خامه های شیمیائی و کار خانه ای فعالیت مستمر خود را در جهت تشویق قالیبافان به استفاده از رنگها و خامه های طبیعی و پرهیز از رنگهای شیمیائی برنامه ریزی کردند. که در این راه استاد دستاوردهایی نیز داشته اند.

در موضوع تاریخچه و قدمت صنعت فرش ترکمن استاد معتقد است: «قدمت فرش ترکمن به هزاره چهارم قبل از میلاد می رسد. قالی ترکمن روی اندیشه ی

زندگی و آفرینش ادبی استاد قربان صحت بدخشان



۱۹

نوشیده اند، به صدای دلنشین پدر که اشعاری از مخطومقلی ویوسف احمد برایش می خواند گوش جان سپرده اند و این ابتدای عشق وی به شاعر بزرگ مخطومقلی فراغی بوده است. جریان رودخانه ی ترک در جنوب روستا، در دل صخره های خاکی نسبتاً عمیق و در کناره های نوار مرزی غرب و در شرق از کناره های تپه ی بزرگ و زیبای «اؤیلۆک دپه» تا «آق توقای» دشتی زیبا با تپه های ماهورهای پوشیده از گل و سبزه و صدای گوسفندان و آوای حزن انگیزی چوپانان و زندگی آرام و بی دغدغه در پهن دشت صحرا در درون تک تک آلاچیق ها، توانسته اند در شکل گیری آینده ی ادبی استاد تأثیر گذار باشند. روستای کرد با همه

استاد قربان صحت بدخشان در سال ۱۳۲۹ در روستای کرد از بخش داشلی برون گنبد کاوس چشم به جهان گشود. استاد از روستای کرد به نیکی یاد می کنند و همانند اکثر کودکان روستایی، کوچه و خیابان های خاک گرفته یادآور بهترین خاطرات دوران کودکی است و این شاید به خاطر زیبایی طبیعت و روستائیان ساده دلی است که قامتی به استواری «سونگی داغ» و دلی به وسعت صحرای ترکمن دارند و بهترین سالهای زندگیش را همان دوران کودکی تا سن ۶ سالگی می دانند، چون بارها از کنار رشته کوههای زیبای «سونگی داغ» با اسب چوبی خیالی تاخته اند و از آب سرد و گوارای «آباساری»

هادی خرماالی

بین فرهنگ دوستان تشکیل می گردید. استاد بدخشان از جمله کسانی بودند که به طور مرتب در این نشست ها حضوری فعال داشته اند و اساساً چنین به نظر می رسد که همین نشست هامسیر مطالعه ی ادبی استاد را تغییر داد و کار تحقیقی خود را جدی تر آغاز کرد.

آشنایی با اشعار شاعران کلاسیک و شاعران معاصر و مطالعه ی رمان های نویسنده گان صاحب سبک داخلی و خارجی و همچنین مطالعه ی آثار نویسنده گان ترکمن در ایران و ترکمنستان باعث شد که قلم را به طور جدی به دست بگیرند و گزیده هایی از اشعار این بزرگان رابه صورت دست نوشته تهیه کرده و در اختیار علاقمندان به فرهنگ و ادب ترکمن قراردادند. رفته رفته ، این روحیه در استاد بدخشان باعث شد تا نگرشی نو، به رسم الخط ترکمن داشته باشند و با اعتقاد بر اینکه روزی اصل ۱۵ قانون اساسی تحقق خواهد یافت باعث شد به



عنوان یک اندیشمند و محقق ترکمن احساس دین کند و تحقیق جامع خود را در این مسیر جهت دهد. و بنا به اعتقاد استاد بدخشان ، در صورت اجرای این اصل خط و کتابت ، زمانی می تواند تحقق یابد که مسأله خط در زبان ترکمن مشخص گردد.

آغاز این انگیزه برای تعیین یک رسم الخط واحد به سال های اول انقلاب منتهی می شود و به این منظور جلسه ای با حضور نخبگان ترکمن تشکیل شده بود و دستور کار این جلسه تشکیل کمیته ای برای بررسی و تنظیم قواعد نوشتاری زبان ترکمنی در خط فارسی بود که استاد بدخشان یکی از اعضای آن بود. « خط پیشنهادی » محصول این نشست ها بود که آن را از دست نوشته های متون قدیمی متفاوت ساخت و هم اکنون با گذشت سال های متمادی این خط دستخوش تغییرات قرار گرفت ، تا این که ادامه ی کار به همت و یاری جمعیت فرهنگی هنری مختومقلی فراغی کلاله طی نشست های متعدد با مشتاقان خط و با برگزاری همایش هایی در کلاله و بندر ترکمن و با همکاری مجدانه ی دیگر تشکلهای فرهنگی همچون : انجمن میراث ، بنیاد مختومقلی فراغی ، چاووش ، آینا و ... به سر منزل مقصود رسید و رسم الخط واحد ترکمن با قواعد نوشتاری و ساختاری و کاربرد علمی در رایانه تنظیم و آماده برای به کارگیری و تدوین و چاپ نوشته

های ترکمنی گردید. طی سالهای اخیر ما شاهد کارهای فراوانی از استاد بدخشان درباره ی ادبیات غیرمکتوب ترکمن بوده ایم و علاوه بر سخنرانیهای متعدد در گنبد، کلاله ، بندر برای مشتاقان فرهنگی ، نشر جزواتی درباره

ی این زیبایی ها، فاقد مدرسه بود، علاقه به تحصیل، والدین استاد را مجبور کرد به شهر مهاجرت کنند. از آن پس استاد بدخشان ، دوران ابتدایی و دبیرستان را با موفقیت به اتمام رسانده اند. بیماری مادر سبب شد در سن هفده سالگی کنند. با اعزام به خدمت سربازی و پس از پایان دوره ی آموزشی به عنوان سپاهی دانش در روستاها به تعلیم و تربیت پرداختند و در ادامه جذب آموزش و پرورش گردید. زندگی متأهلی هرگز او را از خانواده ی پدری جدا نکرد، بلکه در کنار پدر سخت کوش به گذران هزینه ی سنگین خانواده ی پرجمعیت کمک کرد و در این راستا از تحصیل هم غافل نماند و موفق به دریافت مدرک فوق دیپلم شدند. فوت نابهنگام پدر در ۴۹ سالگی ، خانواده ی آنها رابه لحاظ اقتصادی آسیب پذیری کند و مسئولیت اقتصادی - اجتماعی بس دشواری را در قبال دو خانواده ی پرجمعیت بدوش استاد می گذارد،

طوری که او علیرغم استعداد نسبتاً خوب تحصیلی هیچگاه فرصت ادامه ی تحصیل نمی یابد ولی این از عشق سیری ناپذیرش به مکالمه چیزی را نمی کاهد . و همین علاقه ی به مطالعه به مرور انگیزه نوشتن را در او برمی انگیزد و مسلماً در این راه مشوقینی هم داشته است، یکی از آنها آنطور که استاد از او به نیکی یاد می کند، دبیر ادبیات او در کلاس چهارم و پنجم دبیرستان بود :

« آقای لنگوری دبیر ادبیات ما بود، لاغر اندام و قدی متوسط داشت با موی سری بسیار کم پشت ولی کاملاً طاس نبود، چهره ای مغموم و جدی داشت ، معمولاً کلاس درس را با قطعه شعری از نیما شروع می کرد : قاصدک / خوش خبریاشی / اما انتظار خبری نیست مرا / نه زیاری نه ز دیار و دیاری / باری ای وای رفتی با باد ...

موضوعات جالبی هم برای نوشتن انتخاب می کرد و نه تنها ما را از نوشتن نمی ترسانید بلکه ترغیب می کرد که بیشتر بخوانیم و نوشتن را تمرین کنیم . زنگ انشای او را بسیار دوست داشتیم . بعدها فهمیدیم که او تبعیدی بوده است .»

اواخر دهه چهل اوضاع کشورمان به آرامشی قبل از طوفان می مانست و تهاجمات فرهنگی آثار مخرب خود را در زمینه ی مسائل ملی - قومی روز به روز بیشتر نشان می داد . قشر وسیعی از جوانان جامعه مان به لحاظ مذهبی و فرهنگی به بیهوده گی روی آورده هویتشان را زیر سؤال می بردند. در اوضاع و احوالی اینگونه نشست های خودجوش فرهنگی هر چند محدود

مسلم زبان و ادبیات ترکمن زنده یاد نور محمد عاشورپور
ونقد و بررسی آن توسط قاسم نوربادف از نویسنده گان
کشور ترکمنستان و مطبوعات این کشور است .

«سیری در ادبیات شفاهی ترکمن» : در ادامه ی
کار آثار چاپی استاد ، آنچه که می تواند بیاد ماندنی
و تأثیرگذار باشد و کتابی که نشان دهنده ی زحمات
بزرگ در کار تحقیقی و مطالعاتی وی است ، کتاب
«سیری در ادبیات شفاهی ترکمن» که در سال ۱۳۷۹
توسط انتشارات مروی تهران در سه هزار تیراژ به
چاپ رسید. این کتاب حاوی مطالبی بکر و تحقیقی
در ادبیات عامیانه و فولک لور ترکمن می باشد.

«روباغی لار» ؛ کتابی است حاوی نزدیک به
۵۰۰ قطعه رباعی بامضامینی اخلاقی - اجتماعی
سروده ی امان گلدی آمان شاعر معاصر که به
کوشش استاد بدخشان توسط انتشارات ایل آرمان
در سال ۱۳۸۲ در دو هزار نسخه به
چاپ رسید.

«اجکه جان» : عنوان داستان
کوتاهی است از سری داستان
های قدیمی ترکمن که توسط
استاد بازنویسی و در مسابقه ی
داستان نویسی که در کشور
ترکیه و به مناسبت بزرگداشت
سال محمود کاشغری ۲۰۰۸ بین
اقوام ترک زبان برگزار گردید

حائز رتبه و جایزه ای هم به همین مناسبت به استاد
بدخشان تعلق گرفت.

علاوه بر چند اثر آماده برای چاپ آخرین کار استاد
بدخشان در حوزه ی ادبیات داستانی ترجمه
ی کتاب بیادماندنی و تاریخی ترکمن رمان «راز
خایرخوجه» است. که حاوی روایات بکرتاریخ
ترکمن ترکمن به قلم نویسنده ی چیردست ترکمن
عبدالرحمان اونق را در دست دارند.

استاد بدخشان ، با سی سال تجربه ی کار در آموزش
و پرورش با قلم مأنوس شد و فراغت از کار و دوران
بازنشستگی این فرصت را به وی داد که با خیال آسوده
در این وادی قلم زند. زحمان فرهنگی استاد بدخشان
بر صاحبان اندیشه و اهل قلم این سرزمین و به خصوص
نخبگان ترکمن پوشیده نیست و حداقل کاری که در
این برهه از زمان دوستداران وی با همکاری اداره
فرهنگ و ارشاد اسلامی گنبدکاووس و بنیاد مختمومقلی
فراغی و دیگر مراکز فرهنگی ترکمن می توانند به انجام
برسانند ، نکوداشت این استاد ارجمند ترکمن در کنار
اساتید دیگر می باشد که متولی آن انجمن شعروادب
میراث گنبدکاووس می باشد.

امید است با همه ی کم و کاستی این نکوداشت در شأن
مقام شامخ اساتید محترم برگزار گردد. انشاء. . .



ی شاعران کلاسیک از آن جمله عندلیب ، شایبند
، شیدایی و گوزراوغلی و همکاری نزدیک با تشکل های
فرهنگی ترکمن صحرا . البته آغاز کار و مطالعه ی
استاد در این زمینه به سالهای دور گذشته برمی گردد.
ایشان کار مطالعاتی و تحقیقات میدانی و کتابخانه ای
خود را در مورد ادبیات عامیانه ی ترکمن به همراه
تنی چند از بهترین یاران دوران دبیرستان آغاز می
کند و باین اعتقاد که قسمت عظیمی از گنجینه ی
ادبی ما ترکمنها چون درّی گرانبهاتر در دل سینه
های میلیونی نهفته است که باید کشف، ثبت و ضبط
گردد دست به جمع آوری تعداد فراوانی از هریک از
ژانرهای ادبی شفاهی از آن جمله : «آتالار سؤزی»
، «آیدئم لار» ، «ارته کی لار» ، «دسسان لار» ،
«ماتال لار» ، «اثرئم لار» ، «روایات لار» ، «ساناواچ لار»
، «یانگلئمتاچ» ، «یوماق لار» ، «لأله لار» ، «هوودی
لر» ، «مونجسوق آتدی» ،

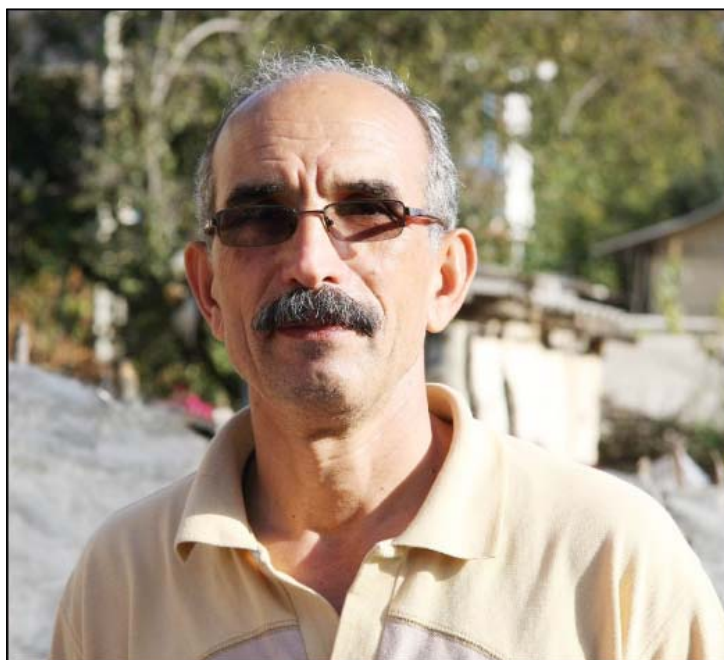
«اؤلنگ لر و . . .» نموده اند،
که حاصل زحمات ۴۰ ساله
ی استاد را برای ادبیات
ترکمن نشان می دهد.

وقتی نظر استاد بدخشان
را در مورد ادبیات شفاهی
بیشتر جویا شدم، به
اختصار چنین گفتند که:
ترکمنها ادبیات عامیانه ی

بسیار غنی دارند که در قالب ژانرهای متفاوت، طی
پروژه ای طولانی و در طول گذشته های دور تاریخی
به وجود آمده، رشد کرده ، توسعه یافته ، صیقل خورده
و به آثاری ماندگار تبدیل گردیده است و سینه به سینه
از نسلی به نسل دیگر تا به امروز به مارسیده است.
آثاری که تبلور اندیشه ، هوش و ذکاوت ، دانش و درایت
، تجربه و خلاقیت ، باورها و اعتقادات ، آداب و رسوم
، تاریخ ، مبارزات و توانایی گفتاری قومی را به نمایش
می گذارد. این آثار آبشخور فکری اساتید سخن در
گذشته بوده و با تار و پود آثار ماندگار اندیشمندان
چون مختمومقلی ، ملانفس ، کمینه و . . . درهم آمیخته
است. ادبیات عامیانه همانند پلی مستحکم بین ادبیات
معاصر و گذشته قرار گرفته و شعرا و نویسندگان دوران
مانیز می توانند با بهره گیری درست از آن به آثارشان
غنا بخشند و به لحاظ فرم و ایده به کارشان اصالت
بیشتر بدهند. «فرهنگ نامهای ترکمن» : یکی از
آثار ماندگار استاد بدخشان کتاب «فرهنگ نامهای
ترکمن» است با مقدمه ای درباره ی نام و شیوه ی
نامگذاری آن در بین ترکمنها که در سال ۱۳۶۹ توسط
انتشارات دنیای تهران در سه هزار نسخه چاپ و منتشر
گردید . و افتخار استاد در این کار که باعث شد جزء
آثار ماندنی محسوب شود و پیرایش اثر توسط استاد

استاد عنصری

از چهره های شاخص اهل قلم ترکمن



۲۲

صاحب سبک دوره ی کلاسیک ادبیات ترکمن ، توانست در معرفی این محقق و تاریخ شناس ترکمن تأثیرگذار باشد . تنظیم ترجمه فارسی منتخب اشعار مختومقلی دریک مجموعه به سفارس سازمان میراث فرهنگی کشور از دیگر کارهای تألیفی ایشان است.

آخرین کار تألیفی ایشان گردآوری مجموعه ای از اشعار مختومقلی فراغی است که به سه زبان ترکمن - فارسی - انگلیسی با آوانگاری بین المللی تنظیم شده است. در تدوین مجموعه ، دو نفر از اساتید دانشگاهی زبان انگلیسی با ایشان همکاری داشته اند. کتاب درحال حاضر در مرحله ی چاپ و نشر است.

افزون بر این ها چاپ حدود چهل مقاله ی تحقیقی در زمینه ی تاریخ و ادبیات ترکمن در نشریات و مطبوعه های استانی و کشوری ، سخنرانی درمجامع و مراسم دانشگاهی و . . . ارائه کنفرانس های ادبی سطح استان ، شرکت در سمینارها ، کنگره ها و همایش های علمی - ادبی در سطح منطقه با ارائه مقاله و عضویت

استاد آناردی عنصری در دهم مهرماه ۱۳۳۰ در شهرستان گنبدکاووس زاده شد. وی از فعالان حوزه تاریخ و ادبیات ترکمن است. کارنامه ی درخشان وی در ترجمه ، تألیف و نیز تلاش های بی وقفه ایشان در معرفی ادبیات ، تاریخ و فرهنگ ترکمن به اقوام دیگر و اهل اندیشه و قلم ستودنی است.

سلیمانی پژوهنده و تلاشگر استاد عنصری با چاپ کتاب «اوغوزها» بیش از پیش شناخته شد و تأثیر این کتاب در محافل ادبی و علمی و ارائه یک کار وزین و پخته ی تاریخی باعث شد استاد عنصری از چهره های شاخص اهل قلم ترکمن شناخته شود. ادامه ی آثار چاپی دیگر از جمله کتاب «شجره تراکمه» نوشته ابوالغازی بهادرخان از متون کلاسیک تاریخ ترکمن و ترجمه از زبان ترکمنی میانه به زبان فارسی و کتابچه هایی از زندگی و آفرینش ادبی «سیدناظارسیدی و زندگی و آفرینش ادبی «غایب ناظرغایی» و زندگی و آفرینش ادبی «عبدالله شاینده» سه تن از شاعران

هادی خرمالی

در کتابت عربی - فارسی دغدغه‌ی اساسی استادعنصری در حوزه ی زبانشناسی بود . از فردای پیروزی انقلاب اسلامی موضوع رسم الخط ترکمنی و نشانه های گرافیکی واکه های موجود در زبان ترکمنی مجدداً موضوع بحث ها و تبادل نظرات کارشناسان زبان قرار گرفت که بعد از طی مراحل مختلف و تشکیل سمینارهایی در این زمینه نهایتاً در نتیجه راینی نهادهای فرهنگی وبا تلاش جمعی از آگاهان زبانشناسی ترکمن از جمله استاد عنصری بالاخره در سال ۱۳۸۸ نشست های تخصصی در این موضوع به نتیجه رسید و رسم الخط واحد ترکمنی با گرافیک عربی - فارسی به تصویب نماینده گان نهادهای فرهنگی ترکمن در سطح استان رسید. ضمن اذعان به نقش تعیین کننده

اعضاء گروه تخصصی بدون شک نقش استاد عنصری در حصول این توافق و نیل به مقصود بسیار برجسته است.

استادعنصری فعالیت علمی - ادبی خود را در جهت نیل به اهداف سه گانه ی ذیل تعیین می کند:

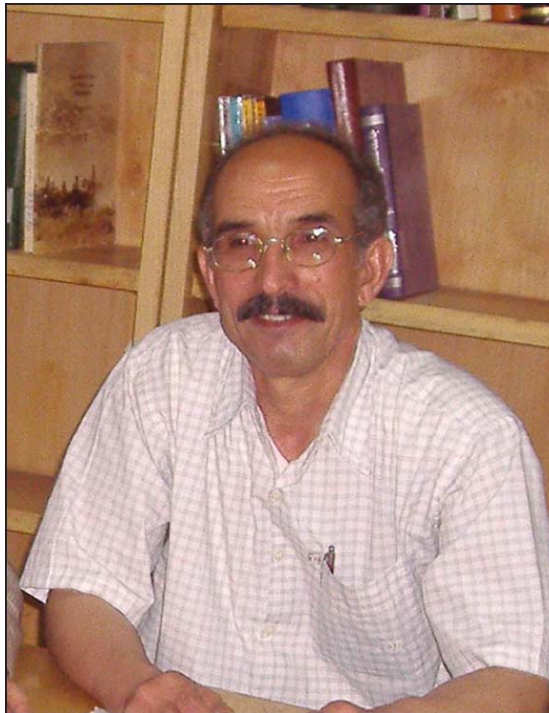
۱- معرفی پیشینه ی تاریخی ، فرهنگ و ادبیات قوم ترکمن به جامعه ترکمن های ایران و آشنا کردن آنها با موارث فرهنگی - معنوی خود. طوری که ترکمن ها بتوانند به شاخصه های ملی ، قومی، دینی و مذهبی خود اشراف داشته باشند.

۲- معرفی شاخصه های فرهنگی یاد شده در سطح ملی [ملت ایران] با هدف آشنایی اقوام ایران با قوم ترکمن به عنوان یک عنصر سازنده ی ملت ایران در جهت تحکیم مبانی وحدت و همبسته گی ملی.

۳- تلاش در جهت تقریب فرهنگ های گوناگون جامعه بشری بایکدیگر با هدف ساختن جهانی بدور از سوء تفاهم . به بیان دیگر استادعنصری فعالیت فرهنگی خود را از سه منظر منطقه ای، ملی و جهانی قابل توضیح می داند که هدف کلی و نهایی آن نیز تعریف و تقریب پاره فرهنگ ها به مثابه جزئی از کل فرهنگ جامعه بشری است.

و کلام آخر اینکه استادعنصری جوانان علاقمند به پژوهش و مباحث فرهنگی - ادبی اعم از محقق ، نویسنده ، شاعر ، را به مطالعه ، مطالعه و بازهم مطالعه ی روزافزون در منابع فرهنگ ترکمن دعوت می کند. ایشان معتقد است تنها با مطالعه و آموزش مستمر فرهنگی می توان در قوام و دوام فرهنگ قومی خود مؤثر بود.

تحقیقی در زمینه ی تاریخ و ادبیات ترکمن در نشریات و مطبوعه های استانی و کشوری ، سخنرانی در مجامع و مراسم دانشگاهی و ... ارائه کنفرانس های ادبی سطح استان ، شرکت در سمینارها ، کنگره ها و همایش های علمی - ادبی در سطح منطقه با ارائه مقاله و عضویت در هیئت علمی و داوری از جمله در کنفرانس بین المللی تاریخ ترکمن و اولین کنگره بین المللی تبیین اندیشه های مکتومقلی فراغی و ... و همکاری فرهنگی و علمی با انجمن ها و جمعیت های فرهنگی - ادبی منطقه به عنوان سخنران و مدرس کلاس ها و جلسات آموزش ادبیات کلاسیک ترکمن و ... فعالیت هایی است که نشان از کارنامه ی پر بار علمی - فرهنگی ایشان دارد.



بروز این استعدادها و توانمندی های علمی - ادبی استاد عنصری ریشه در دوران کودکی وی دارد. خانواده ی استاد ، پدر و عموی وی از تأثیرگذاران و علاقمندان به فرهنگ ترکمن بوده اند. دستنوشته هایی از داستان های کلاسیک ترکمن و قرائت اشعار وسیله ی پدر باعث شد که بتدریج به ادبیات ترکمن به خصوص اشعار مکتومقلی فراغی و داستان های زهره - طاهر، شاه صنم و غریب و گوراوغلی و ... علاقه پیدا کند. خرید اولین کتاب اشعار مکتومقلی فراغی چاپ

۱۳۴۴ نشر قاضی باعث شد کم کم با اهل قلم شهر گنبد آشنا شود. متعاقب آن اولین مصاحبه ی رادیویی در سال ۱۳۴۸ با موضوع شعر مکتومقلی آغاز فعالیت وی در حوزه ی ادبیات ترکمن بود.

ارتباط مستمر با شاعر فقید قربان گلدی آهون بر و مرحوم عبدالقادر آهنگری محقق تاریخ و استاد بدخشان باعث گسترش افق دید وی در حوزه ی تاریخ ترکمن و گسترش فعالیت در زمینه ادبیات ترکمن شد. بهره گیری از محضر علمی مرحوم عبدالقادر آهنگری اندیشه ی او را در ارتباط با تاریخ قدیم ترک و ترکمن در مسیری اصولمند رهنمون شد. با راهنمایی های ایشان بود که استادعنصری با هدف تدوین تاریخ ترک و ترکمن رشته تاریخ را در دانشگاه فردوس مشهد انتخاب و به تحصیل دانشگاهی پرداخت .

این علاقمندی سبب شد تا مطالعه همه جانبه و جامع در میدانی وسیع ذهن استاد عنصری را به خود مشغول کند و سرانجام تلاش خود را به فراگیری زبان ترکی استانبولی معطوف کرده و با تسط به این زبان با تألیفات پروفیسور فاروق سومر ترک شناس معروف آشنایی پیدا کرد.

رسم الخط ترکمنی و مشکلات مربوط به آواهای زبان ترکمنی



میراثىڭ دۇرە يىشى و پىرنامىلارى حاقىندا بىر ئاچە ماغىلومات لار



۲۴



بار. ۴ سانى شاھىرى دۇنيادىن اۆتتى. بو يىل ۱۳۸۸ - نچى شىمسى يىلىدا بو غوراماننىڭ دۇرە يىشىنە ۱۱ يىل كچدى. ميراث غوراماسى ۱۳۸۴- نچى يىلىدا ئىت اداراسى نىڭ اۆستى بىلن رىسمى روغىسات آلدى. ميراث غوراماسى نىڭ آغىسالارى ۱۱ يىل بارى ائز گىدرلى ھىپدانىڭ آنا گۆنى اۆيلەدن سۇنغالار، شاھىرلار - يازىچىلار اوتورشىق غورىارلار. ھىمدە ھىر ايكى آيدان تۆركىم ادبىياتىنىڭ، چىر اوسىادلارنى مىھمان چاغىرىپ اۇلارنىڭ سۆزلىرىدىن پىدالانىارلار. انچىمە تۆىلاردا غۇشى گىچەسىنە غاتناشق ادىار. ميراث غوراماسى كۆمەدىنىڭ ائىسلامى ائرشاد و مدنىيت اداراسىنا باغلاننىقلى دىر و اداراننىڭ يۇلباشچىسى خۇرماتلى

سرخۇش اۆلۈپ چىقار جىگر داغلانماز داش لارى سىندىرار غۇلى باغلانماز گۆزۈم غايرا دۆشمىز كۆنگۈل اكلنمىز سۆزلار ماغىتتم غولى دىلى تۆركىمنىڭ

كۆمەدىنىڭ ميراث آدىلى تۆركىم غۇشى و ادبىيات غوراماسى نىڭ (انچىم) دۇرۇشى و برنامىلارى حاقىندا بىر ئاچە ماغىلوماتلار: كۆمەدىنىڭ ميراث آدىلى تۆركىم غۇشى و ادبىيات غوراماسى ۱۳۷۷-نچى شىمسى يىلىدا بىر ئاچە شاھىرلاردىر يازىچىلار آلداسى بىلن انە دىلىمىزى، داپ - دىسسورلارمىزى غوراماق اۆچىن و كۆمەدىنىڭ ائىسلامى ائرشاد و مدنىيت اداراسى نىڭ روغىسادى بىلن غورولدى.

بو غوراماننىڭ بوگۆن ۱۱۸ سانى آغىساسى



منصور طبرى

میرعالی شیر نۇوايى نىنگ ۵۶۵ - نىجى دۇغولان يىلى نىنگ داباراسى گچيرىلدى.

- ۱۳۸۴ - نىجى يىلدا حۇرماتلى حاج مرادردى قاضى نىنگ ۶۰ يىل بۇيى تۆركمىن ادبياتى خىزماتى ادنى و اۇنى اولى صورتدا سىلاماق اۆچىن ميراث انجىمنى همده اقامىز موسى جرجانى بىلن بىله ليكده ارقاداشلىق ادپى ايكي سانى اولى دابارا گچيرىلدى.

- ۱۳۸۵ - نىجى يىلدا تۆركمىن غۇشىغى و ادبيياتى نىنگ ياش اولى لارى: اوسسادلار عراز محمد ارانيازى ، حاجى عبدالله آهنگرى - حاجى عراز محمد صحنه نىنگ ۴۰ - يىل بۇيى تۆركمىن ادبيياتى خىزماتى ادنلرى اۆچىن اولى دابارا گچيرىلدى. حاجى عراز محمد صحنه ناچه آي بو دابارادان سۇنگرا دۇنيادىن اوتدى.

- ۱۳۸۵ - نىجى يىلدا «ميراث» آدىلى نىشرىه دن سۇنگرا «سايراق» آدىلى ميراث غوراماسى نىنگ ايچرى نىشرىه سى نىنگ بيرىنجى سانى نى چاپدان چىقتى.

- ۱۳۸۵ - نىجى يىلدا تۆركمىن كلاسيك شاهىرى عشق مۆلكى نىنگ سۇلطانى موللانپىسنىگ ۱۹۷ - نىجى دۇغولان يىلى نىنگ اولى داباراسى گچيرىلدى.

- يىنه ۱۳۸۵ - نىجى يىلدا ميراث غوراماسى نىنگ اينترنت سايتى ايشىنى باشلادى.

WWW.Turkmenmiras.IR

E.Mail = Turkmens News@yahoo.com

- ۱۳۸۵ - نىجى يىلدا تۆركمىن صحرائى نىنگ تۆركمىن ادبيياتى لارى، ايران ايلچى حاناسنىنگ تۆركمىنستاندا حۇرماتلى ايلچى سى بلله نى جىناب محمد رضا فرقانى بىلن ميراث غوراماسى نىنگ جاينىدا ، تازە وظيه سىنى غوتلاپ اۇنونگ بو وظيه سىنده ناظارا آلان پىكىرلىرى بىلن تانىشتىلار.

- ۱۳۸۶ - نىجى يىلدا كۆممەت - ده اثرشاد اداراسى نىنگ همده حۇرماتلى عبدالرحمن ديهجى نىنگ ارقا داشلىغى بىلن تۆركيه دن گلن ميهمان پروفىسور اق آلتن نىنگ حوضورى بىلن بيرىنجى تۆرك و تۆركمىن دىلى باردا اولى سمينارنى گچيردىك.

- ۱۳۸۷، ۱۳۸۶ - نىجى يىل لار - دا ميراث غوراماسى ، بىيىك ماغىتتم غولى نىنگ حالىق آرا بيرىنجى و ايكنجى كىنگره سىنده اثرشاد اداراسى بىلن اۇران يارداملى غاتناشق اتدلىر.

- ۱۳۸۶ - نىجى يىلدا تۆركمىن بىيىك كلاسيك - ساتىريك (Satiric) شاهىرى مامت ولى كىمينه نىنگ ۲۴۰ - نىجى دۇغولان يىلى نىنگ داباراسى اولى صورتدا گچيرىلدى.

- ۱۳۸۷ - نىجى يىلدا ميراث غوراماسى اينچه برون شىرى نىنگ شىردارى سىنا ياردام برىپ ماغىتتم غولى نىنگ داباراسى نى گچيردى.

- ۱۳۸۸ - نىجى يىلدا اردىبهشت آيى نىنگ ۲۴ - نىجى گۆنى ، بىيىك ماغىتتم غولى نىنگ اۆچونجى حالىق آرا كىنگره سىنده اثرشاد اداراسى ياردام برىدىلر.

- يىنه ۱۳۸۸ - نىجى يىلدا مرداد آيى نىنگ ۱۳ - نىجى گۆنى ميراث غوراماسى نىنگ شاهىرلارى و يازنجى لارى ، ايران ايلچى حاناسنىنگ تۆركمىنستاندا حۇرماتلى ايلچى سى جىناب محمدرضا فرقانى بىلن مدنى غاتناشق لار باردا ماصلاحتالاشدىلار.

جىناب محمد رضا داورىنى تۆركمىن ادبيياتى ائقجاملى بير انىسان دىر. اثرشاد اداراسى گرگ يىنده ميراث غوراماسىنا ياردام برىپ غۇلداندىر.

ميراث غوراماسى نىنگ ايچرى سايلارى شوواغتتا چىلى ۵ گزك سچىلدى و هر گزك باش سانى آغضا بو غوراماسى نىنگ مۆدىرلىرى حۇكمۇنده سايلاننپ اۆز آراسىندان يۇلباشچى يا - دا باش مۆدىرىنى سايلارلار. سايلارلار هر ايكي يىلدا يىنه يىزىلار.

حۇرماتلى يازنجى آمان قلىچ شادمهر ميراث غوراماسى نىنگ بيرىنجى يۇلباشچى سى بيرگزك سايلاندى.

حۇرماتلى شاهىر محمد آتاباى ميراث غوراماسى نىنگ ايكنجى يۇلباشچى سى بير گزك سايلاندى.

حۇرماتلى شاهىر منصور طبرى ميراث غوراماسى نىنگ اۆچونجى يۇلباشچى سى اۆچ گزك سايلاندى.

شو واقىقى ميراث غوراماسى نىنگ مۆدىرلىك هياأتى نىنگ آغضالارى شىله دىر:

۱- شاهىر منصور طبرى يۇلباشچى سى يادا باش مۆدىرى (رئيس انجمن)

۲- شاهىر حكيم قزله

اورون باسار (نائب رئيس انجمن)

۳- شاهىر توى محمد ايازى

ايچرى ايشى سى (دبير انجمن)

۴- سليمه داز - شاهىر

۵- فرهاد قاضى - يازنجى

ميراث غوراماسى نىنگ ۱۱ يىلدا گچىرن برنامالارى:

- ۱۳۷۷ - نىجى هجرى شمسى يىلئندان بۇرى، هر يىلدا اردىبهشت آيى نىنگ سۇنگى هپده سىنده تۆركمىن بىيىك شاهىرى ماغىتتم غولى پىراغى نىنگ دۇغولان گۆننىنگ داباراسىنا غاتناشق اديار (ياردام برىار).

- ۱۳۷۸ - نىجى يىلدا واطانى مۇزدا شىغالار و سۇننىلر آراسىندا دۇغانلىق دۇواملى بۇلسون دىيىپ بيرلىك هپده سى نىنگ داباراسىنى گچىرار.

- ۱۳۸۰ - نىجى يىلدا گۆلۆستان ولاياتى نىنگ وكىللىرى نىنگ مۇن اوچارلارى آسماندا غاچاندا ، اۇلارنىگ دۇنيادىن اۆتمه كىنه غۇناننپ يادلاما مراسىمى گچىرىلدى.

- ۱۳۸۲ - نىجى يىلدا بىم شىرى نىنگ يرسارساماسى اۆچىن كۆپ انىسان لار وپات بۇلدى. شۇنونگ اۆچىن ميراث غوراماسى نىنگ تاراپىندان غۇنانچ يادلاما مراسىمى گچىرىلدى.

- ۱۳۸۳ - نىجى يىلدا مرحوم اوسساد شاهىر قوربان گلى آهون برىنگ بار واغىتندا ۴۰ - ئىللىق تۆركمىن ادبيياتىنا زاحمت چكىپ ، خىزماتى ادنى اۆچىن اولى دابارا گچىرىلدى.

- يىنه ۱۳۸۳ - نىجى يىلدا كلاسيك شاهىرى آرتىق محمد سىدى (سىدى حوجانىنگ) اولى داباراسى گچىرىلدى.

- ۱۳۸۴ - نىجى يىلدا «ميراث» آدىلى نىشرىه سى ائزگىدرلى ۵ سانى چاپدان چىقتى ، سۇنگرا چاپ بۇلمادى.

- ۱۳۸۴ - نىجى يىلدا مرحوم اوسساد شاهىر قوربان گلى آهون برىنگ دۇنيادىن اۆتمه كىنه غۇناننپ اول اوسسادنىگ قۇرقى گۆنۇنده يادلاما مراسىمى گچىرىلدى.

- يىنه ۱۳۸۴ - نىجى يىلدا تۆرك ادبيياتى نىنگ پارلاق يىلئىزى

ادبیات پاكىسى سى اولىنى سئالا



شېئىر دۇرۇر يۆرگىمىزنى گۇرۇ
جۇشغونلى ئاھامىنىڭ غوربۇنى گۇرۇ
آيات داقا باھا بىرىڭ شاھىرا
باھا بىرىڭ بولماڭ قاترىنى گۇرۇ

يالى سۆز اوسساد لارى اۆز انه مۇھرىنى
سىنىڭدىرىپ غورساغىندا ساقلاپ گلىاروبو
قاھرىمان لار نەھىنى جۇشوپ دانا
سۆزلە رىنگ آتاسى بۇلان ائىسان لار بىلن
عاصىرداش آدمىلار باغىلى آدمىلار دىيىپ
حساپلايان.

البته حاضىركى دۇورومىزدە بىزىنىڭ
روشن يىلدىز لارمىز اۆچمە جك ائز غالدۇرۇپ
گلىار. شو تۆكە نمز بايلىق لار چىشمە لرىندىن
سوو ايچىن آدمىلار شو ماحالىقى اوسسات
لار تارىخ بىلىملى آدمىلار دۇر. شۇل اوسسات
لارنىڭ ائزىنى يۇرۇپ عىلما، بىلىمە تشنە
آداملارنى غاندۇرۇپ گلىارلر. بىزىنىڭ شوگۆنگى
آق يۇلۇمىزى يۇرۇپ گلىان اوسساتلار
بارماق باسۇپ ساناردان كان.

حاضىركى آرامىزدا آد توتۇلۇپ اوسساتلىق
درجا يىتن، شوگۆنگى ايل پىرىندىلر
حساپلانۇپ اۆزقالامى، نەھىنى ، پىكىر
اوى لارى بىلن تۆركمىن ادبىيات مىدانىندا،
ھۇنارىندە خالقنىڭ آنگىنا مۇدىمىلىك گىرن
اگىرت لىر (ھۇرماتلى محمد جان محمد نىيازى،
استاد قىربان صحت بدخشان، استاد آنا دىردى
عنصرى) بو سئالاغ اۋران سىزىلرە مۇناسىپ.
سىزىنىڭ ادن اشىنىڭىز- دۇرە دن اشرلىرى نڭىز
المودام ابدى دىر، سىباب سىزى ادبى آدمىلار
، تارىخى آداملار- سىزى ايل - كۆن گىلجىك
تارىخ و نىسلىمىز ھىچ ھاجان اونوتماز .
قالامنىڭىز يىتى، سارسماز، قاداملارنىڭىز
ماكام ، غۇمروڭىز اوزاق بۇلسون.

عاصىرلار بۇيى بو تۆركمىنىڭ تارىخىندا
بوغوجا زمىن، اۆز مۇھىرلى سالانچاغىندا
كۆپ ائىسان لارى بىگىلە دىپ يىتىشىدىرىپ
گلىشى. بىيىك و دانا ائىسان لار زاماناسى
نىڭ تاللاپلى دۇورۇندە اينىڭ تالانتلى آدم
لار بۇلۇپ المودام تارىخدا ائز غالدۇران
آدام لار. بوھىللى ائىسانلار تارىخنىڭ
مۇھىرلى غورساغىندا اورن آلىپ ساقلايان
آدمىلار دۇرلار. اۇلار حاضىركى و گىلجىك
عاصىرلارنىڭمۇ آنگىندا غالىپ ، اۆچمە جك
ائز غالدۇران اگىرت لىر، تۆركمىن خالقى مۇزىنىڭ
قادىمى تارىخىندا ادىل شوماھالچىلى
مۇزىك لىر چە يىلدۇزلار بىيىك دانالار، پۇھىملى
پاخالسى ائىسان لار گىچىدە بۇلسالار
اۇلارنىڭ آدى و شۇھراتى حاضىر بىزىنىڭ
اولى بويسانچىمىز؛ سىباب شۇھراتلى آدمىلار
ھىر اوغوردا بۇلسا - دا ھىرگىز اۇلمىز ، يىتمىز.
اۆز دورموشى بىلن تارىخ ياسان آدمىلار
اۆز دۇورۇنىنىڭ و گىلجە گىنىڭ يۆرگىرىندە
اۋرن تاپپار.

شىلە - قاھرىمان گىرچىك نەھىنلەر باي
تارىخىمىز المودام دۇواماتلى، دۇوامى
بۇلسون. بوغوجا زمىن كۆپ قاھرىمانلار -
عىلمى ائىسان لارى مثال اۋچىن گۇر اۋغلى
- خان جىنىد ، يىقىما سىردار و ماغىتم غولى



ھىكم قىلجە

ئويۇنچىلار غۇلجى بولسۇن



غۇلجى دېر، دۆرلى يازغى لارئىندان
پىدالانىلار.

دوغورسۇنى آيتسام مىراث شويىل
اۇن بىر ياشۇنا يىتىدى. دېمك اۇل اون بىر
ياشادى. گۇرۇنگ اۇل شىلە بىر ياش
بۇلسا- دا تاپان دۇستلار، غۇلجى
لارى، ناھىلى عاجايۇپ زاد. بىز مىراثىنگ
شىلە بىر آز واغۇتىنگ ايچىندە دېمك
ياشلىغۇندا بىر اولى شاختىيات بۇلۇپ
يىتىشە نىنە دېسنگ بگىيۇرىس. بلكم
سىزىنگم مىراث يالى ادرمن دۇغانىنگىز
- دۇستونىنگىز- يۇلداسىنگىز- وباللىغۇچى
نگىز بۇلسون. ايندى بۇلسا مىراثىنگ
ادن وادىك آيراتىللىق لارئىندان بىر آز
آيدايىن. مىراث اۇز ياشۇنا بارابار
هر يىلدا دىيىن يالى اۇن لارچا اولى
ايشلەرىنگ باشىنى توتىدى. اۇل اۇنلارچا
بايرامچىلىق، كىفرانس و بېلىكى اولى
شاخصىيات لار اۇتۇرۇشۇنى غوردى. و
اۇز دۇسلارنى نىنگ بىر ناچە سىنى ادرمن
خۇدماتلارنىنگ تانگىرى يالقاسى بۇلسىن
دېيىپ سىلاغلادى. وادىل شوگۇن هم يىنە
ايلاتىمۇزا آرتىندان قىزىق يىل دىل وادىيات
اوغروندا زاحمت چىكن دۇستلار
آنا دردى غىصرى، قىربان صحت
بدىخشانى وعۇمرۇنى تۆركىمىنىنگ ھالى
ھالچاسى نىنگ اوغروندا صارپ ادرمن
آتامىز نىياز جان محمد نىيازى نى بللۇپ
سىز حۇرماتلى ايلات بىلن بىلە لىكدە
سىلاماقچى بۇلۇپ شو يىرە سىزى
يىغىنادى. حورماتلى دۇغانلار گلىنگ
بىز هم مىراثىنگ ادرمن واتىك ايشلەرىنى
گۇزاۋىنگونە آلىپ اۇنى اۇن بىر ياشى
بىلن وادىلارنى آغزاپ گچن دۇسلارنى
هم سىلاغ تۇيى بىلن بىلە لىكدە يىنە بىر
گىزگ غوتلايلىنگ. سۇزىمىنگ سۇنگوندا
مىراثىنگ قىياماتلىق دۇغانلارنى منصور
طبرى، فرھاد قاضى، توى محمد ايازى،
حكىم قىزىلچە، سارا سىلەمە داز داغى لارا
تانگىرى يالقاھمدە آرما، الله قىوات دىمك
بىلن سىزە هم ساغ بولنىنگ جانىنگىز
ساغ باشىنگىز دىك قىلام لارنىنگىز يىتى
، گۇرچىكىز غۇلجى، آجاغىنگىز القىش
بۇلسون دېيىپ سۇزۇمى سۇنگىلارنى.

۱۳۷۷ نىچى يىلدا مىراث دۇنيا
گىلدى. اۇل بۇتىن كۆمىت شىهرىنىنگ
وتۇرە كىلكى اۇبالارنىنگ سايراق دىلى
بۇلۇپ آز واغۇتىنگ ايچىندە اۇزىنى
بار كىشىلارلىرىدى. اۇل دۇرت - باش
دۇغان بۇلۇپ هر ھايىسى بىر شىھردە،
ايلاتىنا خۇدمات ادياردى . اۇل اۇزى
كۆمىت دە ياشاپ يۇرسە - دە بىلە
كى شىھىرلە ياشايان دۇغانلارنى بىلن
مۇداما آغزى بىرلىكدە بۇلۇپ، ماھال
- ماھال حال ياغدايلىرىنى سۇراپ
دوراردى. كىلالە - دا «مختومقلى»،
آق قىلا- دا «آينا»، بندرتۆركىم دە
«چاوش صحرا»، مراوہ دىفە - دە
«دايان» دىيان دۇغانلارنى بىلن ياقىندان
آراغاتىناشۇق باغلاپ ھامراق لىللىغى بىلن
دېنگە تۆركىم صحراسىندا دالەدە ايسىم
اۇل داشارى يورت لردە - دە گىنگىشلە
يىن تانالان مىراث بۇلۇپ اۇزىنى
تاناندى. اۇنۇنگ اۇزى بىلن بىكىردىش
صحرا، ياپراق، فراغى، گىلستان اقتصادى
آدلى ياقىن غۇلجى لارى دا باردى.
قىيامات گۇن غۇلجى دان دىيىلن كۇنە
لرېنگ سۇزۇندىن ايلھام آلىپ مۇداما
غۇلجى لارى بىلن آرا غاتىناشۇقدا
بۇلۇپردى. غۇلجى لارى ھىچ ھاجان
مىراثى يىكە غۇيىمادىلار. نىرأ گىتسە
لر بىلە گىدىپ بىلە گىردىلر. اۇنۇنگ
حوسسارلارنى گۇن- گۇندىن، يىل يىلدىن
آرتىپ باشلادى. اۇل دىلە وارچا بۇلۇپ
يىتىشە نىسنگ شاھىرلار و يازىچى لارى
اۇزۇنە دۇست ادينىپ شۇلار بىلن
گىزىپردى. مەن هم مىراث بىلن ايچيان
سوۋىمۇز آيرى يردىن گىدمانى گىجە -
گۇندىز بىلە گىزىان دۇستلارنىنگ بىرى
، ھۇوا؛ اول مەنى وبىلە كى دۇستلارنى
اۋيۇنە چاغىرۇپ آرتىندان ھىپتە - دە بىر
گىزگ اۋتورشۇق اديار و دۇستلارنىنگ
برىان ماصلاخاتلارنىنگ دىگرلى
پىدالانۇپ اۇنى هم ايل ايچىندە ياپرادىپ
سوۋغات خۇكمۇندە خالقاقتىريار. ايلات
هم اۇز ايچىندە مىراث يالى ادرمن بىر
كىشىنگ باردىغىنا بگە نىپ توى لارنىندا
، تۇماشالارنىندا مىراثى دۇستلارنى بىلن
بىلە لىكدە چاغىرۇپ اۋتورشۇق غوراپ
اۋنۇنگ دۇستلارنىنگ اۋقاپ بىريان



عاشر محمد قولاق



اعضای انجمن شعر و ادب ترکمنی میراث گنبد کاووس

محمد آتابای	آنا دردی عنصری	شهرز آق آتابای
عبدالرحیم ایگدری	رجب راهدان	خدر کرمی اینچه برون
جمشید آچلی	محمد بردی توکلی	خانم آی ناز سخاوی
منصور طبری	قربان صحت بدخشان	عطا محمد فروز
مرحوم دردی جان الفت	کریم پورمحمدی	بهرز حاجی قادری
نورمحمد رجب پور	بهرز ایری	خانم سارابی بی خاکپور
عبدالقهار صوفی راد	یحیی یاری	نورقلیچ فداکار
تقان ویردی پورمند	امان دردی نساری	طواق ندیمی
خانم رحیمه قره سلخ	صفرمحمد آرخی	امانسلطان فرهادی توماچ
امانقلیچ شادمهر	عاشرمحمد قولاق	عبدالخالق آدمی
قادیر بک زاده	فرهاد قاضی	امانقلیچ آهمند
خانم زلیخا مسعودی	نورمحمد آخوند نژاد	عبدالناصر کلته
عرازمحمدارازنیازی	تاجی خان ایزدی نسب	حالت جرجانی
خداقلی نواری	احمد سارلی	خانم سلیمه داز
خانم منیژه توکلی	یوسف چپرلی	طاہر بهلکه غراوی
هادی خرمالی	عبدالحکیم مختومی	شریف محمد خجسته
حکیم قزلجه	ارازمحمد آهنگری	خانم فرحناز داز
خانم عافیه میرزاعلی	ناصر دیه جی	بهرز مفیدی
محمد طواق خوشکام	رجب مختوم نژاد	محمود عطاگزلی
عبداللطیف ایزدی	فریدون آخوند نژاد	نورمحمد بازیار
تاج دردی بخشنده	خانم بهاره بهلکه	قمرالدین سیدی
عبدالملک خرمالی	سیحان وردی داودی منش	تقان مراد هلاکویی
ارازمحمد بابایانی	عبدالخلیل سلاقی	حاجی امان حسین زاده
موسی جرجانی	امان محمد قولاق	نجف هیوه چی
توی محمد ایازی	اتوز فرهنگدیان	نظرمحمد مصطفایی
عبدالله آهنگری	حاجی محمد کر	بیرامقلیچ فرزام
حاج خلیل صیادی	تاج بردی آق	عبداللطیف مقدم قوجق
حاجی مراد آق	خانم طواق خدمتگزار	نورمحمد دربان
مراددردی قاضی	حاجی گلدی مختوم نژاد	صالح محمد شیخی
مدد مددی	حاج عبدالرحمن خزین	استاد نیازمحمد محمد نیازی
بای محمد چندری	خانم فرزانه بنی احمد	عیسی ارازلی
ارازدردی توکلی	صالح محرمی	آنه محمد بیات
مرحوم امان محمد خداشناس	رحیم مرادی	گنبددردی اعظمی راد
گلدی محمد امانی	خانم سارا نیکوانی	ملا عاشورقاضی
ابا حسین زاده	چرکز اونق	مرحوم قربانگلدی آهونبر
خانم فریده مختوم نژاد	خانم گزل قویدل	یعقوب رحیمی داشلی برون
بهمن مرادی	خانم بی بی سارا بهزاد	مرحوم حاجی ارازمحمد صحنه
آنه بای عطایی زاده	عبدالرحیم نیازی ساعی	سیحان بردی حاجی لی دوجی
تقاندوردی عطا سیدی	خانم امان بی بی موحد	حالت قلی آتابایی
		آنه مراد صفایی

مقالات





در دفتر زمانه فتد قامش از قلم هرملتی که مردم صاحب قلم نداشت



امانقلیچ شادمهر

۳۱

فرهنگی، ادبی پاسداشت و نکوداشت فرزندگان زنده ای باشد که عمرشان را وقف فرهنگ، هنر و ادب دیار و سرزمین خود کرده اند. انجمن ها و کانون ها شمع های نورانی ادب و حافظان فرهنگ و هنرند بی هیچ حب و بغض به معرفی و تجلیل از فرزندگان پرداخت، بی شک شعار پویندگان و کوشندگان ساحت ادب و فرهنگ آنقدر نیست که نتوان آنها را شناخت، حتی انعکاس نام آنان نیز می تواند چون پل ارتباطی معنوی میان مردم ایجاد کند و شعله ای هرچند کم سوز در دمد آن هم در عصری که عصر ارتباطات نام گرفته این حداقل کاری است که می توان کرد.

استاد نیازمحمد محمدنبازی؛ استاد هنرمند و خستگی ناپذیر قالی ترکمن، انسانی وارسته و متعهد. استاد قربان صحت بدخشان: فرهنگ شناسی آگاه و انسانی متعهد و فروتن. استاد آناردی عنصری؛ محقق سخت کوش و پرتلاش و انسانی با فراست و عاشق فرهنگ از جمله هنرمندان، محققان و نویسندگانی هستند که سال ها با تحمل سختی ها و موارث های زیاد در فراز و نشیب روزگار، بی هیچ منت و چشم داشتی با تحمل تمام مشکلات صادقانه کوشیده اند تا چراغ هویت و تاریخ این دیار به خاموشی نگراید و هریک به فراخور حال خود، سهم خود را در حفظ فرهنگ و زبان ادا کرده اند و باعث بالندگی فرهنگ دیار خود شده اند.

چرا که به قول سیدجمال الدین اسدآبادی هرملت و قومی که زبان خود را فراموش کند، تاریخ خود را گم کرده است و عظمت خویش را از دست داده است. امید است که بتوانیم یا حمایت های مسئولین و مردم شاهد شناسایی هرچه بیش تر مشاهیر و مفاخر تاریخ و فرهنگ ایران اسلامی خود باشیم.

گرخواهی که نامت بود جاودان
مکن نام نیک بزرگان نهان

سپاس و ستایش آن خدای را که با قلم قسم خورد و با آن آموخت (ن و القلم وما یسطرون) و از ظلمت تاریکی رهایی داد (عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَالَمْ یَعْلَمْ) و او را که اندکی از علم خود به انسان ارزانی داشت (رَبِّ زِدْنِی عِلْمًا) و سلام و صلوات بر سرور کائنات که درس ناخوانده تنها غمزه اش مدرس صدها مدرس شد.

نگارم که به مکتب نرفت و خط ننوشت

به غمزه مسئله آموز صد مدرس شد

و با ارج و سپاس از خادمان و صاحبان قلم که مشعل داران تاریخ و فرهنگ یک ملتند. شاعران، هنرمندان، نویسندگان و محققان هر قوم و ملتی، پاسداران واقعی میراث فرهنگی و افتخارات یک قوم و ملتند. این مشعلداران تاریخ و فرهنگ، کوشندگان خستگی ناپذیر با تحمل سختی ها و ورنج ها، پیونددهندگان نسل دیروز و امروز جامعه اند. اگر امروز زبان، فرهنگ و ادب ملتی نیمه نفسی می کشد، مدیون کوشش ها و وکشی های همین قشر فرزانه ماست، اینان که عمر پرپرکشان را در راه اعتلای فرهنگ و زبان و تاریخ ترکمن سپری کرده اند و عاشقانه کوشیده اند، شایسته ی قدردانی هستند. اما متأسفانه آفت جامعه شده است که باید مردگان اندیشمند که از افتخارات گذشته مابودند به صرف نکوداشت یابزرگداشت کنگره ها و سمینارهایی گرفته می شود اما چه سود. ماباید زندگان فرزانه مان را قبل از اینکه توفان حوادث و بلا طومارشان را بیچد، زنده نگهداریم.

بگذار تا پویندگان و عاشقان فرهنگ به هنگام زنده بودن، شادمانی هر چند اندک احساس کنند و بر آن راهی که رفته اند و روزنه ای که در نور دیده اند ببالند و سرخوش و سرمست از جهان برونند اما با تأسف باید گفت که فرزندگان مادرمیان ما یا غریب مانده اند و یا غریبانه می میرند. و باید گفت که یا مهجور بوده اند یا هجور افتاده اند و این چه دردناک است!

محافل فرهنگی - ادبی که در میان ما کم نیست، نباید با بی تفاوتی از کنار آنان بگذرند. وظیفه کانون ها، انجمن ها و محافل



نورقلیچ فداکار

جوان مردان، قوت و بقای ایل اند

باغشلقدا ایله اؤزۆن تانیدان
آلقش آلپ درجه سی زور بولار (مختومقلی)

وجود اینگونه شیر مردان و شیر زنان بی بهره بوده باشد. شاید بتوان گفت رمز ماندگاری اقوام و ملل صاحب تمدن و فرهنگ و هنر نیز مدیون همت و اراده چنین فرزندان همنمند و صاحب ذوق است.

اگر امروز نام مردانی چون مخدومقلی، گوراوغلی، چودیرخان، نور بردی خان و... زنده است و در سینه ها و دل های بی آرایش مردم قدرشناس جای دارد، به خاطر مردم دوستی و وفاداری آنان بوده است. و این یک سنت تخلف ناپذیر الهی است که در هر دوره و زمانه ای رواج داشته و دارد. اگر در فرهنگ و ادبیات غنی خویش به واژه ها و اصطلاحاتی چون: «مرد»، «غوج ییگیت»، «جومارد»، «آر»، «گورر گوزیمیز»، و «سایراق تیلیمیز» و «آرقا داغمتز» بر می خوریم خود گویای این حقیقت است که مردم به فرزندان غمخوار و حماسه آفرین و وفادار خویش بالیده و ارج نهاده است. اما در مقابل آن، مردم هیچگاه افراد خائن و خیانت پیشه را نپسندیده اند و با عناوینی چون: مخنث، نامرد و با تشبیه و تمثیل به روباه و شغال، آنان را سخت به باد انتقاد گرفته ، نه تنها بدیشان روی خوش نشان نداده اند بلکه به پوته فراموشی نیز سپرده اند.

اکنون فرزندان وفادار و اهل علم و فرهنگ و هنر، از سلاله ی مخدومقلی ها ، آزادی ها و گوراوغلی ها چون «قربان صحت بدخشان»، «آنا دردی عنصری» و «نیازجان نیازی»، با زحمات خستگی ناپذیر خود برای عزت و سربلندی مردم و اعتلای فرهنگ و هنر ترکمن کوشیده اند و روز به روز بر معرفت و شهرت خلق خود می افزایند و در این مسیر مقدس لیاقت و شایستگی خود را به عنوان فرزند ایل نشان داده اند، به پاس این فداکاری و مردم دوستی ، جا دارد این عزیزان و بزرگواران را بشناسیم و اینک که خود حی و حاضرند کمال امتنان خود را از صمیم قلب اعلام کنیم و برای سلامتی و طول عمر با عزت آنان دست به دعا برداریم و از خداوند منان عاجزانه بخواهیم که این فرزندان برومند و خدمتگزاران مخلص و بی غل و غش را برای ما محفوظ و مصون بدارند تا که صفحاتی زرین و افتخارآمیز بر تاریخ همیشه جاوید ترکمن های ساده و ترکانه، خلق نمایند. استادان و سروران گرامی آقایان کاکا بدخشان و کاکا عنصری و نیازجان نیازی یاد و خاطرتان در قلب های پر مهر ترکمن های اهل ایمان و ساده و بی ریا جاودانه بوده و خواهد ماند. زیرا از نیاکان خود آموخته ایم و وفادارانه می گوئیم:

«ایل اوغلی سیز، ایل دن آلارسئز آلقش
آلقش آلپ دره جانگیز زور بولسون»

هر قوم و ملتی در طول تاریخ پر فراز و نشیب خود، افرادی مؤثر و تأثیر گذار بر سرنوشت خود داشته است. شکر خدا تاریخ مردم ترکمن نیز چون دیگر ملل از این گونه انسانهای بلند همت و بزرگوار خالی نبوده و نخواهد بود؛ اگر چه شمار چنین انسان هایی از تعداد انگشتان یک دست فراتر نیستند. مردانی که در غم و شادی ایل خود شریک بودند. گاه گریستند و گاه خندیدند و با توانایی هایی که داشتند، تلاش کردند مرهمی بر جراحت دلها و جسم های رنجور آنان باشند. اما خود با هر گونه کم بودها و مشقت ها و گاه بی مهری ها سوختند و ساختند. و به قول شاعر شیرین سخن پروین اعتصامی:

«دانی که را سزد صفت پاکی؟

آن کاو وجود پاک نیالاید

تا خلق ازو رسند به آسایش

هر گز به عمر خویش نیاساید»

ملت های قدر شناس نیز در مقابل فداکاری ها، از خود گذشتگی ها و مردانگی های چنین زنان و مردانی با شهامت، همیشه قدردان بوده، یاد و خاطره آنان را نسل به نسل گرامی داشته اند و در طول تاریخ از هر گونه گزند و حوادث ناگوار روزگار حفظ کرده اند.

از این رهگذر ، در فرهنگ و باور ترکمن ها، کسانی که نسبت به مردم خویش وفادار بوده، و در خوشی ها و ناخوشی های روزگار شعار: «ایلیم گونوم بولماسا، آئیم گونوم دؤغماسون» (در نبود ایل، آفتابم نباشد) را سر لوحه خود قرار داده اند و برای عزت و سربلندی ایل، هر گونه فداکاری و جانبازی را به جان خریده اند، جایگاه والا و رفیعی دارند. و همیشه مایه فخر و مباهات بوده اند.

در مثل ها ، لالایی های مادران و اشعار شاعران بزرگ همچون یک آرزو و آرمان و یکی از آموزه های مهم تربیتی ما ترکمن ها مطرح بوده است از جمله: «ایلیمینگ قوواتی مردانا آرلر» (جوانمردان، قوت و بقای ایل اند) ، «مرد بولارمن دیسنگ مرده همرا بول» (اگر خواهی مرد باشی، همدم مردان باش!) و «مرد چتقار مئهمانا گولریوز بیل» (جوانمردان، با خوشرویی مهمان می پذیرند) و... از بخت و اقبال بلند ترکمن ها، مادران شیردل، همیشه چنین فرزندان برومند را در دامن و آغوش گرم و پر مهر خویش پرورانده و با دل و جان جهت اعتلای نام و شرافت ایل خویش، تقدیم کرده اند. از این رو هیچ دوره ای از تاریخ پر شکوه این ملت را نمی توان پیدا کرد که از فروغ



احمد گرگانی

از روستاهای مجاور مسافر می گرفتند، جوانان حیرت زده از مظاهر فرهنگ نوین، تغییر لباس ها، مدل موها، تقلید از هنرپیشه ها و به وجود آمدن نسل جدیدی از تحصیل کرده ها که غالباً در استخدام ادارات بودند، کارشان محاسبه حقوق و مزایای آخر ماه، زدن کراوات و سوار شدن بر اتومبیلی که اوایل فولکس واگن و بعدها پیکان شد، نمونه ای از چوخ بختیار که عنوانی بود برای آن قشر بوروکرات حقوق بگیر جامعه، از آن نویسنده جوانمرد داستان های کودکان که بر این قشر نهاد، در چنین زمانه ای چه کسانی به فکر فرهنگ ملی و قومی خود بودند؟ چه کسانی از خواندن اشعار مکتومقلی که دیوانش به ندرت پیدا می شد و فقط یک بار به همت استثنایی چون استاد مراد دردی قاضی چاپ شده بود، لذت می بردند؟ چه کسی هنگامی که دانش آموزی بیش نبوده موضوع انشایش در مورد ملانفس و معرفی آن به دیگر دانش آموزان بوده؟ دانش آموزانی که تا آن هنگام نامی از ملانفس نشنیده بودند.

آن ها که این کار را کردند، استثنا بودند. فریفته مظاهر فریبنده غربی نشدند. گام در راهی نهادند که هیچ ارج مادی برایشان نداشت. در زمانه ای که زبان و فرهنگ قومی هیچ جلوه ای نداشت و تنها مادیات بود که بی اندازه تبلیغ و ارزش محسوب می شد.

آری، آن ها استثنا بودند. بدون ذره ای چشم داشت مادی به کار خود ادامه دادند. تلاش کردند، کار کردند، به زندان افتادند، سختی کشیدند، اما به فعالیت خود ادامه دادند. رژیم ستمشاهی بر افتاد. نظامی دیگر بر سر کار آمد که در قانون اساسی اش، بر لزوم پرداختن به زبان و فرهنگ قوم ها تأکید می کرد. فریبندگی و پوچی عناصر مبتذل فرهنگ غرب بر ملا شد. نسل های جدید بر سر کار آمدند، فعالان فرهنگی جدید شروع به کار کردند، شاعران، محققان، نویسندگان که بر شانه های آن استثناها، کار آن ها را ادامه دادند و این گونه شد که استثنا قاعده شد.

پس، ای دوستان برخیزیم و بر این استثنای بی ادعا و فروتن، بر این اسوه های مقاومت و پایداری در راستای اشاعه فرهنگ قوم ترکمن سر تعظیم فرود آوریم. با آرزوی طول عمر و استدام فعالیت فرهنگی آن ها.

۳۰ / ۸ / ۱۳۸۸ . گرگان

در هر برهه ای از تاریخ، انسان هایی یافت می شوند که استثناء هستند. استثنائاتی که مطابق قاعده زمان و مکان عمل نمی کنند و اگر نوع فعالیتشان به حال عموم مفید باشد، در پروسه زمانی تبدیل به قاعده می شوند.

تا قبل از آن که آموزش و پرورش به شکل امروزی در جامعه اشاعه پیدا کند، یعنی قبل از ورود سرمایه داری به ایران، عموم مردم بی سواد بودند و تنها توسط بخشی ها بود که مردم ترکمن می توانستند اشعار شاعران را به صورت ترانه بشنوند و یا داستان ها توسط داستان چای بخشی ها برای مردم روایت می شد یعنی اشاعه فرهنگ به صورت شفاهی بود. از اوایل قرن معاصر هجری شمسی که از یک طرف با آغاز عصر گوتنبرگ، چاپخانه ها احداث شد و از طرف دیگر به همت و پایمردی استثنائاتی چون رشیدیه بنیانگذار آموزش و پرورش نوین در ایران، مدارس نوین به تدریج ایجاد شدند، ۴۰-۳۰ سال طول کشید تا نسل جدیدی از تحصیل کرده ها در ایران و بالطبع در بین ترکمن ها به وجود آمدند. تعداد دانشگاه رفته ها زیاد شد، نوع معیشت مردم تغییر کرد. دیگر دآمداری محور تولید نبود، ادوات کشاورزی نوین وارد شدند، کارخانه ها احداث شدند و تحولی در جامعه به وجود آمد. هم زمان با ورود صنایع جدید، ماشین آلات کشاورزی، حمل و نقل نوین، راه آهن، تلفن و غیره عناصر فرهنگی مثبت و منفی غرب نیز وارد شدند. سینما و تلویزیون با آن هنرپیشه های اغواگر غربی، انتشار مجلات گوناگون که گرچه مجلات سنگین چاپ می شد، اما در کنار آن چاپ مجله های آن چنانی یا رنگین نامه هایی که وظیفه شان تنها سرگرم کردن و به حیرت انداختن جوانانی بود که از روستاها به شهرها می آمدند و در برابر ویتترین سینماها به تماشا می ایستادند و مسحور جاذبه های آن ها می شدند و رژیم وقت هم علاقمند بود که جوانان این گونه فریفته جاذبه های فرهنگ مبتذل غربی شوند و البته باید جدا کرد عناصر مثبت فرهنگ غرب را که در آن زمان کمتر به چشم دیده می شد، و بودند هنرمندانی که هنر اصیل غربی را که مخاطب را به تفکر وامی داشت، اشاعه می دادند، که این بحثی است جدا.

جاده های اولیه که از روستاها به سمت مراکز بخش و از آن جا به شهرها کشیده می شد و اولین اتوبوس هایی که از روستاهای بزرگ صبح ها حرکت می کردند و در طول مسیر

باورها، سنت ها و فرهنگ آئینی ما، دست مایه پاس داشت بزرگان را به ما می آموزد



بهروز حاج قادری

(کارشناس ارشد مدیریت، فرهنگی و مدرس مراکز آموزش عالی)

۳۴

تمام ویژگیهای فرهنگ اصیل چون دژی گران بها پابرجا و استوار باشد. جوهران و مرکبان با لغزش بر روی صفحات سفید کاغذ رخ بنماید از چهره زیبا و دوست داشتنی مرد فرهنگ دوست و مردم داری، بدخشان عزیزمان که حضورش در هر مجلسی آدینه تمام نمای عاشقی و ارادت و نوع دوستی از قطار کلمات و کتاب خوانی ترکمنی چون شب برمهتاب نور افشانی می کند.

از فرشیان بگوئیم که با هنرشان ما را با عرش آشنا می کند پیرمردی خمیده پشت که حایت از تلاش قریب به نود ساله دارد. چهره ماندگار و پدر فرش ترکمن نازجان محمد نیازی که بافته های فرش را با تمام وجودش آمیخته به طوریکه رگ های بنش تار و پود قالی و قارچین و قطره، قطره خونش، رنگارنگی زیبایی بافته ها و پوست و استخوانش، تکیه گاه و پشتیبان فرش ترکمن و تمام ذکر و ذهنش پر برکتی سفره هر خانوار می باشد.

ضمن ارج نهادن به فعالیتهای یازده ساله انجمن شعر و ادب ترکمنی میراث که در راه حفظ فرهنگ و ادبیات ترکمن با حداقل های ممکن حضوری همه جانبه در عرصه های ملی دارد از آن جمله تقدیر نامه های ملی برادر منصور طبری مرد تلاشگر عرصه شعر و محمد گلدی نژاد افتخار ملی عرصه موسیقی و خوانندگی سنتی برادر نیازجان پدر فرش ترکمن و سایر گنجینه های فرهنگ و ادب و شعر و صنعت و هنر که این اندک نمایندگی از آن کثیر مبین موفقیت بس گران قدر می باشد.

امیدواریم شاهد حکایتهای وسیع مالی مسدولین در جهت آشنایی نشر ملی و منطقه ای و جهانی این انجمن باشیم.

ایران عزیز مهد اقوام گوناگون با فرهنگ ها، سنت ها و باورهای متفاوت اما یک دل، همسنگر و همیشه آماده در راه اعتلای وطن خویش هستند و هیچگاه در راه رسیدن به اهداف خود کاستی بروز نداده و همواره چون سدی پولادین کوچکترین راه رخنه اجانب را بسته اند و این نیست مگر با تکیه بر ارزشهایی که با آموزه های دینی در هم آمیخته و با پوست و خون ما اجین شده است.

باورها، سنت ها و فرهنگ آئینی ما، دست مایه پاس داشت بزرگان را به ما می آموزد اینک که در سی امین سال پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران جشن یازدهمین سال تأسیس یکی از نهال های نوپا و ماندگار یعنی انجمن شعر و ادب ترکمنی میراث را خواستگاهش یکی از اصول قانون اساسی و بر خواسته از نیاز سیری ناپذیر، فرهنگ دوستی و اصالت خواهی قوم ترکمن می باشد را پاس می داریم.

و این گرامی جشن با برپائی مراسم احترام و قدرشناسی از سه پیشکسوت عرصه فرهنگ و هنر برادران بدخشان، عنصری پیشکسوتان عشق به فرهنگ و ادبیات ترکمن، نازجان نیازی پدر مسلم فرش ترکمن و چهره ماندگار عرصه بافندگی در هم آمیخته است.

هر نفسی که بر می آید ممد حیات است. اما نفس گرم استادان تلاشگر چون بدخشان و عنصری که سال ها با اندوخته های سینه به سینه در قوام این فرهنگ غریب افتاده حتماً ممد حیات هر نفسی نیست بلکه کل یک نفس یک قوم با فرهنگ غنی، چون ترکمن می باشد.

قلم قاصر از زبان بیان ویژگی های بزرگان می باشد، چه بنویسد از عنصری که عناصر فرهنگ و ادب را همیشه محقق بوده تا با الهام از ترکیب ادبیات کهن و نیاز امروز، آلیاژی قوی بنماید تا عنصری درخشان در فرهنگ امروز با حفظ



بایرامقلیجی فرزام

در شعرهای: «بی خیال دان - جایی بولار- اؤتربوگون و داغ آرمان ایچینده، احساسات و اندیشه های شاعرانه خود را در قالب و فرم متناسب بیان می دارد. و آثاری چون: یا یارادان - یا جبار- نه بوگون دیر نه صباح که جنبه دینی و صوفستیک دارد. در آرشیو نسخ خطی دانشکده ادبیات مختومقلی فراغی نگهداری می شود. ماحصل کلام اینکه زبان شعر به زبانهای گفتاری نزدیک است و در گفتگوهای مختومقلی نگرش بر مسائل دنیوی را بخوبی بررسی و به نقد کشیده است.

منابع:

تاریخ ادبیات و دایره المعارف ترکمن و غیره

در پایان این مقاله یازدهمین سال فعالیت فرهنگی و هنری انجمن میراث را قدر می نهد و قدردانی از عزیزانی چون استاد نیازی و عنصری و بدخشان را گرامی می دارد.

دردی شاعر هم عصر دولت محمد آزادی و از دوستان نزدیک مختومقلی فراغی است که به صورت پرسش و پاسخ شعری و نظیره گوئی با فراغی در ارتباط بوده که اوست به مختومقلی می گوید: شعر مرا سیل و باد می برد و اما ترا ایل و خلق و به آثار مختومقلی بهما می دهد و بر این نظر است که او برای مردم ترکمن ادبیات تازه خلق کرده است.

این شاعر ترکمن از شاعران به نام قرن ۱۸ میلادی (قرن ۱۲ هجری قمری) محسوب می شود، که ۷۰ سال عمر خود را در منطقه بالقان، گرگان و قارری ملا گذرانده و سرانجام جهان فانی را وداع گفته و در گورستان اوغلانلی که در غرب بالقان قرار دارد به خاک سپرده می شود و بنا به تحقیقات به عمل آمده نبیره های او نیز هم اکنون در منطقه دارغان آتا در قید حیات هستند. متأسفانه میراث ادبی شاعر بصورت مطلوب و کامل در دسترس نیست و جمعاً بیش از ده شعر او در دسترس نمی باشد. با اینحال با این تعداد شعر شاعر استادی خود را با اثبات می رساند و مضامین و محتوای آثارش جنبه پند و نصیحت فلیسوفانه دارد و

در مسیر حرفه ای شدن



بای محمد قلیچی



یوسف بدراقی

فرهنگ ترکمن، جایزه ادبی مختومقلی را تعریف کنیم. اعطای این جایزه در هر سال به یکی از فعالان ادب و فرهنگ ترکمن، با توجه به ارزش مادی قابل توجهی که باید داشته باشد از جهتی حمایت مادی محسوب خواهد شد و ارزش معنوی آن بیش از بعد مادی به نویسنده یا شاعر مورد نظر انرژی کار و فرهنگ آفرین خواهد داد. برای تأمین بعد مادی جایزه نیز تکیه صرف به دولت ویا ادارات دولتی اشتباه بزرگی است. شما ببینید ما چقدر خیرمدرسه ساز و کسانی را داریم که در فعالیت های مثبت سرمایه گذاری می کنند. یقیناً با انجمن فعال، می توان ای افراد را در حوزه ادبی و هنری نیز فعال ساخت. پیگیری حق کپی رایت، حقوق استفاده از اشعار و موسیقی هنرمندان در صدا و سیمابزرگاری کلاس های نویسندگی و کارگاه های ادبی در جهت تقویت معنوی و ایجاد روح امید به آینده ادب و هنر قومی، از طرف انجمن قابل انجام خواهد بود.

در بخش جذب استعداد ها نیز قابل ذکر است امروز در پهنه وسیع ترکمن صحرا استعداد های بسیاری داریم که در دهات و مناطق دور افتاده دارند حیف می شوند، شناسایی و جذب این گروه از شاخص ترین وظایف انجمن هر منطقه است. آینده ادبی ما در دست همین استعدادهایی است که به افتراق از هم دارند ادبیات قومی را به نسل بعد انتقال می دهند. ما در انجمن باید جهت ادبیات راتعیین کنیم و نگذاریم این افتراق وجدایی امروزی، به تشکیل پیکره بی سر و شکل فرهنگ و ادب قومی منجر شود.

در پایان از تلاش های دوستان دلسوز در انجمن شعروادب میراث گنبد کاوس نهایت تشکروقدردانی را داریم. امیداست همیشه در پی یافتن تجربه راه هایی جدید برای پویایی بیشتر این انجمن باشند.

« حرفه ای » شدن، یکی از دغدغه های اهالی قلم در کشور ماست که خود مقدمه پیشرفت ها و گشایش فضاهای جدیدی در این حوزه است. وجود NGO ها و انجمن های شعر در اکثر شهرها و مناطق مؤید این واقعیت است.

بنده هر چند با ریز وظایف و دستورالعمل انجمن ها آشنایی ندارم اما این حرفه ای شدن در صورتی به تحقق خواهد رسید که در قالب انجمن ها، سه کار عمده صورت گیرد: تقویت مادی شاعران، تقویت معنوی شاعران، جذب استعداد ها.

در جهت تقویت مادی شاعران، انجمن می تواند در تعامل با بخش های فرهنگی، ادارات ارشاد، نمایندگان مجلس و ... بخش عمده ای از نیاز مادی شاعران را مرتفع سازد. به عنوان مثال رزمنده ای که در جبهه ها جنگیده و امروز به عنوان جانباز یا ایثارگر شناخته می شود، به پاس تلاش و ایثارش تسهیلاتی برایش قائل می شوند. یقیناً چنین تسهیلاتی می تواند و باید توسط جایی مثل انجمن شعر، برای شاعران که در حوزه زبان و قلم، ایثار و نثار کردند و هنوز هم در دوران تقابل های فرهنگی جهان معاصر، پشتوانه های سترگ فرهنگ این آب و خاک اند، پیگیری شود و یا تبدیل ارزش های هنری آنان به مزیت های اجتماعی از طریق اعطاء درجه ی علمی به شاعران و نویسندگان از وظایف انجمن های شعری می تواند تعریف شود. پیگیری امور بیمه این عزیزان نیز بسان برداشتن باری از دوش هنرمند خواهد بود.

در جهت تقویت معنوی شاعران کارهای متعددی را می توان اجرا کرد. من جمله، یکی از آرمان های نویسندگان این سطور که می تواند آرمان همگان باشد این است که با توجه به اینکه در حوزه ادبیات فارسی امروزه جوایز ادبی متعددی مثل جایزه ادبی کارنامه، یلدا و... اهداء می شوند، پس به جاست در حوزه ادب و

چگونگی پیدایش شعر و چیستی آن



ناصر رهنما

هم با ترنم شعرهای شاعران روح و روان خود را صیقل داده اند، حتی بعد از مرگ هم بازماندگان با کلمات آهنگین و شعرگونه او را راهی جایگاه ابدی می کنند.

حال، ببینیم این شعرچیست و تفاوت آن بانظم درکجاست و چگونه پیداشده است؟

درباره تاریخچه پیدایش شعر در بین عرب زبانها حکایتهای زیرانقل کرده اند.

پس از طوفان نوح، شخصی به نام یعرب بن قحطان که به زبان عربی صحبت می کرد، کلامی بسیار فصیح و زیبا داشته است، او روزی در مجلسی، دوبیت شعر می گوید. حاضران با تعجب می پرسند: «این چطور کلامی است و چگونه ترکیب یافته که ماهر گز مثل آن رانشنیده بودیم؟»

یعرب می گوی: «من نیز مثل این سخن را تاکنون نگفته بودم، اما امروز آن را گفتم.» پس از آن لحاظ که یعرب بدون آموختن از کسی به کلام موزون آگاهی یافته بود در واقع این شعور را پیدا کرده بود که کلام موزون بگوید، سخنان او را شعر و خودش را شاعر گفتند.

و باز می گویند، شخصی که پدر قبایل یمن بود و او را

یازدهمین سال تأسیس و شروع به کار انجمن ادبی میراث شهرستان گنبد را به شعر دوستان، خردمندان، ادب جویان و صاحبان معرفت ترکمن تبریک می گویم.

برای پیشکسوتان فرهنگ و شعر و هنر ترکمنی ترکمن صحرا، آقایان قربان صحت بدخشان، آنادردی عنصری و نیاز محمد محمدنیزی آرزوی موفقیت در تمام امور زندگی را دارم، عمرشان طولانی و سعادت مندیشان روز افزون باد! . بر این اعتقادیم که نهال خرد و گل اندیشه هر جامعه و ملت از « چشمه سار فرهنگ » همان جامعه آب می نوشد . به بیانی دیگر، فرهنگ حاکم بر یک جامعه و یک ملت، همچون ظرفی است که هر اندیشه را به قالب خویش در می آورد، درست به سان قدحی و تنگی که هر آبی، بناگزیر، به شکل آن در می آید.

ادبیات هر ملت یکی از ارکان اصلی فرهنگ آن را تشکیل می دهد. ادبیات هم یک رکن اساسی به نام شعر دارد . همه افراد بشر کم و بیش شعر را دوست دارند. زیرامی بینند که در کودکی با لالایی های مادر و در میان سالی با لذت بردن از اشعار و آهنگها بزرگ شده، زندگی کرده اند و در کهنسالی

اشعربن سبا می گفتند، زبان عربی را بسیار زیبا به کار می برد و بیشتر سخنانش موزون بود. سخنان او را از آن لحاظ که نامش اشعربود، شعر گفتند و چون اشخاص دیگری به تقلید از او سخنان موزون می گفتند آنها را شاعر می خواندند. شاعر بزرگ و معاصر ترکمن کریم قربان نفس درباره پیدایش اولین شعر در بین ترکمنها این چنین سروده است.

ایلکینجی غوشغی نینگ دؤره یشی

دانا گچیپ باریار دریانگ دوشوندان
یول دا سیراپ اوتیریر عاجاییپ غوش.
آوچی غوشی آتدی. دگدی دوشوندن
دانا کیشی آتدی شیله بیر غارغش،
اؤل غارغش شیله بیر یورگدن چئقادی -
اؤلدیردی آوچی نی، دیسرتدی غوشی.
دانانگ آوچا دن شول نالایتیندن
هم غوشا سینگدرن موحبتیندن
دؤره دی دوتیاده ایلکینجی غوشغی.

اولین شعر چگونه متولد شد

خردمندی از کنار دریا می گذشت.
پرونده زیبایی رامی بیند که در حال خواندن است.
صیادی سینه ی آن پرنده را نشانه میگیرد
خردمند روشن ضمیر و پارسا شکارچی را نفرین می کند
آن نفرین چنان از اعماق دل خردمند برآمده
شکارچی را از یاد می آورد، پرنده را دوباره زنده می کند
از لعنت و نفرین آن خردمند دل آگاه نسبت به صیاد
وازمهر و محبت و احساس پاک اوبه پرنده ی زیبا
اولین شعر در دنیا سروده می شود.

تفاوت نظم و شعر را با مثالهایی می توان به زیبایی تحلیل و تفسیر کرد و به راحتی فهمید که کدام نظم است و کدام شعر.
نظم کلامی است دارای وزن و قافیه باشد مانند:

گر کریمی به دولتی برسد
دشمنان راهمیشه بنواز
ور لئیمی سعادت یابد
دوستان رابه کل براندازد

(ابن یمین)
کؤپ ییگیت لر گلیب گچدی جهانندان
نیتینه گؤرا اقبال بولمادی
گردیشی کچ، قهیه پلک الیندن
ارتیری شادیولان، اویلاؤن گؤلمه دی
(مختومقلی)

هرکه داردامانتی موجود
بسپارد به بنده وقت ورود
نسپارد اگر شود مفقود
بنده مسئول آن نخواهم بود

جئداسادا دییمأنگ یسر دیر تۆرکمن
پدرلردن غالان اثر دیر تۆرکمن
بلکی یارانجانگلتق ادمه سین دییپ
ایتی نینگ غویروغئن کسندیر تۆرکمن
(آمان گلدن آمان)

از مثالهای بالا فهمیدیم که نظم: نوشته ای است دارای وزن و قافیه، اما خیال انگیزی ندارد و برای تبدیل به نثر آنها و معنی کردن، تحلیل و تفسیر نیاز به تخصص و اندیشه خاصی نیست اما شعر اینگونه به راحتی به نثر تبدیل نمی شود و نیاز به دانش و آگاهی دارد. زیرا معنی خود شعر دانش و آگاهی است. اکنون مثالهایی در این مورد ذکر می کنیم.

میان گره می خندم که چون شمع اندراین مجلس
زبان آتشینم هست، لیکن در نمی گیرد
(حافظ)
گۆن خانجاری گۆکدن یره اینه نده
گۆنه غارشى دوغان آبی گۆزل سن
(مختومقلی)

از این مثالها می توان نتیجه گرفت که شعر؛ نوشته ای است موزون، مقفّی و خیال انگیز، باید بدانیم که شرط خیال انگیزی باعث می شود که شعر از نظم جدا شود.
خیال انگیزی با خیال پردازی تفاوت دارد. وقتی می گوئیم شعر باید خیال انگیز باشد، منظور این است که خیال ما را برانگیزد و ما را به اندیشیدن وادارد. شاعر، شعر خود را با زبان خیالی می گوید تا بتواند بر فکر و اندیشه خواننده شعرش تأثیر بگذارد و در عالم خیال، وجود او را تسخیر کند، طبیعی است که خیال با فیهای بیهوده با خیال پردازی در شعر تفاوت دارد. می دانیم که شعر آن است که از دل برآید و بر دل نشیند. در چنین سخنی، عنصر خیال، حتماً وجود خواهد داشت، ملک الشعراى بهار در نظمی به شعر اشاره کرده و گفته است:

شعر آن باشد که خیزد از دل و جوشد ز لب
بازدر دلها نشیند، هر کجا گوشى شنف
ای بسا شاعر که او در عمر خود شعری نساخت
وی بسا ناظم که او در عمر خود شعری نگفت.

سراینده شعر را شاعر گویند.

فطرت شاعر سرا پا جست جوست
خالق و پروردگار آرزوست
شاعراندر سینه ی ملت چو دل
ملتی بی شاعری انبار گل
سوزومستی نقشبند عالمی است
شاعری بی سوزومستی ماتمی است
(ارمغان حجاز)

ملت هادرقلب و مغز شاعران متولد می شوند ولی در دست سیاست مداران، بزرگ شده، می میرند.
(اقبال لاهوری)

اوزان شعری در دیوان مختموقلی فراغی



دکتر حسین محمدزاده صدیق

(استاد بازنشسته‌ی دانشگاه و مترجم رسمی قوه‌ی قضائیه)

به‌ندرت یافت می‌شود و یا اصلاً یافت نمی‌شود. مثلاً یک شعر یازده هجایی اغلب شکل اول از قسم اول و شاخه‌ای از شکل اول از قسم سوم را داراست و دیگر اشکال و اقسام ابداً دیده نمی‌شوند. و در میان این اوزان، وزن هفت هجایی رایج‌تر و شناخته‌تر و معروف‌تر از دیگر اوزان است. تا جایی که در بسیاری موارد، اوزان رایج به این وزن تعدیل می‌شوند. لطیف‌ترین ترانه‌های بومی، لایلاها، ترانه‌های ایام مخصوص سال، تاپماجاها، ترانه‌های کودکان، کلمات قصار و ضرب‌المثل‌ها و غیره بیشتر در این وزن گنجانده شده‌اند. مختموقلی فراغی بیشترین اوزان ذکر شده در دو جدول فوق را در دیوان خود به کار برده است. از میان اوزان قوشوق‌های فرد به اوزان

در باب اوزان شعری در دیوان مختموقلی فراغی، نخست باید نظری به گونه‌های سروده‌ها و ترانه‌های شفاهی و مکتوب ترکمنی بیاندازیم: ترانه‌های بومی ترکمنی که به‌طور عموم «قوشوق» Qoşuğ آن‌ها اطلاق می‌شود، مانند ترانه‌های عامیانه‌ی دیگر، ساده، ملهم از طبیعت ملموس، عاری از تکلف و تصنع و در قالب‌های موزون هجایی ریتمیک سروده شده و سینه به سینه و نسل به نسل به یادگار، به ما رسیده است. کوتاه‌ترین قوشوق‌های جفت، چهارهجایی و بلندترین آن‌ها شانزده هجایی‌اند. و قوشوق‌های فرد هم میان ۳ تا ۱۵ هجایی قرار گرفته‌اند.

اگر هر خط شعر را در این قوشوق‌ها، از لحاظ تکیه و برش هجا، به دولنگه‌ی کلی تقسیم کنیم، در قوشوق‌های جفت دو حالت پیش خواهد آمد: (۱) آن دو لنگه با هم مساوی خواهند بود. (۲) دو هجا از هم بیشتر یا کمتر خواهند داشت. و در قوشوق‌های فرد، فرق میان دولنگه‌ی یک خط، ۵ هجا، ۳ هجا و یا یک هجا خواهد بود. در دو جدول ذیل، این اشکال و اقسام ترسیم شده است: گفتیم لنگه‌ی کلی، چرا که گاهی هر لنگه خودتکیه و برش پیدا می‌کند.

در قسم سوم، که در لنگه‌ای ۵ هجا بیشتر از لنگه‌ی دیگر دارد، لنگه بیشترین، پیوسته خود به دو لنگه‌ی فرعی تقسیم می‌شود. مثلاً یازده هجایی فرد در قسم چنین تقطیع می‌شود: (۳+۴+۴) که همان (۳+۸) باشد یا (۴+۴+۳) که همان (۸+۳) باشد.

هم‌چنین: (۴+۳+۴) که همان (۴+۷) یا (۷+۴) باشد و بقیه هم همین‌طور.

و همین‌گونه است قوشوق‌های جفت که در آن لنگه و یا لنگه‌ها مستعد بخش‌بندی هستند. مثلاً شانزده هجایی جفت اغلب چنین بریده می‌شود: (۴+۴+۴+۴) که همان (۸+۸) است.

و نیز یک خط چهارده هجایی ممکن است چنین تقطیع شود: (۵+۵+۴) یا (۵+۴+۵) و یا (۴+۵+۵). و لکن، اغلب چند برش شناخته و معروف هستند که به کار گرفته می‌شوند و دیگر شکل‌های تقطیع

وزن هر خط قوشوق	قسم اول شکل دارد	قسم اول شکل	قسم دوم شکل اول	قسم دوم شکل دوم	فرق میان دولنگه‌ی قسم دوم
۴ هجا	۲+۲	۰ (صفر)	۳+۱	۱+۳	۳ هجا
۶	۳+۳	"	۴+۲	۲+۴	"
۸	۴+۴	"	۵+۳	۳+۵	"
۱۰	۵+۵	"	۶+۴	۴+۶	"
۱۲	۶+۶	"	۷+۵	۵+۷	"
۱۴	۷+۷	"	۸+۶	۶+۸	"
۱۶	۷+۸	"	۹+۷	۷+۹	"

الف - جدول قوشوق‌های زوج شعر ترکمنی

وزن هر خط قوشوق	قسم اول شکل	قسم اول شکل	قسم اول شکل	قسم دوم شکل اول	قسم دوم شکل دوم	قسم سوم شکل	فرق میان دولنگه‌ی قسم سوم
۳ هجا	۱+۲	۲+۱	۱ هجا	۳+۰	۰+۳	۳ هجا	-
۵	۲+۳	۳+۲	"	۴+۱	۱+۴	"	۵ هجا
۷	۳+۴	۴+۳	"	۵+۲	۲+۵	"	"
۹	۴+۵	۵+۴	"	۶+۳	۳+۶	"	"
۱۱	۵+۶	۶+۵	"	۷+۴	۴+۷	"	"
۱۳	۶+۷	۷+۶	"	۸+۵	۵+۸	"	"
۱۵	۷+۸	۸+۷	"	۹+۶	۶+۹	"	"

ب - جدول قوشوق‌های فرد شعر ترکمنی

۷، ۱۱ و ۱۵ هجایی

رغبت بیشتری نشان داده است.

مثال برای قوشوق ۷ هجایی (با تقطیع ۳+۴):

ایلیندن آیرا دوشن،
آه اورار، ایلی گۆزلار.
یولوندان آیرا دوشن،
جهد ادیپ، یولی گۆزلار.

گۆکده پلک گِرداندئر،
خالق یرده سرگرداندئر.
نه بازیگار جاهاندئر،
گۆز آچان مالی گۆزلار.

مثال برای ۱۱ هجایی (با تقطیع ۴+۴+۳):

آقا- بگلر، عالم اۆزره معرفت،
گرک سینه سینده زاندى بیگیدینگ.
روزگاری بولسا دؤولتی زیاد،
شول گۆن یاقئن بولار یادی بیگیدینگ.

غۇچ بیگیدینگ اوغراسا گنجی نهانا،
بیر زینت یاراشماز ناھار مکانا،
مالی سیاپ بولسا، عاقلی دانا،
تارتتلار آسمانا بادی بیگیدینگ.

مثال برای ۱۵ هجایی (با تقطیع ۴+۴+۴+۳):

هرامیرینگ، گروزیرینگ، عقلی کوتاه، خام اولار،
اول امیرینگ آدی آخر، خالق ارا بدنام اولار.
بیر عاقل، صاحب کمالینگ غولی بیرله ایش توتان،
ایشینی داشدان اولار، ترپندیکچه، کام اولار.

در دیوان مختومقلی از میان اشعار جدول زوج، بیش از همه
به اشعار ۸ هجایی (تقطیع ۴+۴) و ۱۶ هجایی (تقطیع ۸+۸) بر
می‌خوریم. مانند:

یدی غات آسمانی، یری،
مأحکام ادن بیر الله دیر.
ایکی جهاننگ سروری،
دین محمد مصطفی دیر.

محمددن اول اؤتن،
الله نینگ سئوئنا یتن،
طور داغئندا مسکن توتان،
اول موسی کلیم الله دیر.

مثال برای ۱۶ هجایی (تقطیع ۸+۸):

درد دیر بو جاننگ نلتی، ساغلق آنتنگ سولطانی دئر،
تن مولکی نینگ سردولتی، دینماز اؤتر، میهمانی دیر.
نفس ایله ییپ سرکش لیگی، تن تاغتی ننگ میدانیدا،

روزازل روحونگ، یقین، شول عهدی، شول پیمانی دیر.

به لحاظ قالب شعری، دیوان مختومقلی دارای قالب‌های زیر است:
۱. دۆردلمه. گونه‌ای شعر است که در بند نخستین قوافی در
مصراع‌های دوم و چهارم می‌آید و در بندهای بازپسین قافیه در
مصراع چهارم تکرار می‌شود و سه مصراع نخست دارای قافیه‌های
داخلی است.

مانند شعر:

ای امرینگدن آسمان ایندی رکوعا،
ئناسی، سبجان ربی الاعلی.
بر دار اولوپ، یر هم باردی سجودا،
سجدهدن سر بوزمای آیدا «یا مولا!»

آغزئمغا گزه دیر، حی اسمینگ حلوا،
زمین سانگا دؤندی، آسمان هم دلوه،
اول سانگا ایله گچ جمالئنگ جلوه،
ذوق وصالئنگ سیلی دؤندردی دریا.^(۱)

۲. باشلمه. گونه‌ای شعر که در هر بند چهار مصراع نخست دارای
قافیه‌ی داخلی و مصراع پنجم با مصراع‌های بند نخست هم‌قافیه
باشد. مانند شعر:

«الف» - الله یولی دیر، دؤغری دوروپ گیتک گرک،
«بی» - بیر خدانئنگ بیرلیگین بر حق بیلپ بیتک گرک.
«تی» - تۇبا ایله ییپ، دۆنیانی اونوتماق گرک،
«شی» - ثبوت قادام غویوپ، حاق امرینی توتماق گرک.
«جیم» - جایز دیر خوجا- غول، غوللوغن اتمک گرک.

«حی» - حبیبین نورونی، سابق امکان ایله دی
«خی» - «خدا من، من» دیدی، ایکی جهانی ایله دی
«دال» - دلالت بیر دیبیبان، مصطفانی ایله دی
«زال» - ذلیل لیک چکمه سین دیپ، باصفانی ایله دی
«ری» - رحمت بحریندن اخلاص، امید اتمک گرک.^(۲)

۳. آلتیلاما. گونه‌ای شعر که در هر بند، پنج هزار مصراع نخست
دارای قافیه‌ی داخلی و مصراع ششم با مصراع‌های بند نخست
هم‌قافیه باشد. مانند شعر:

اویان خواب غافلاتدان، آجال سئز اولن کؤنگلوم،
اومید اوزوپ عالم دن، درگاهدان دیلن کؤنگلوم.
دویپ سیز دریاه دؤشدوم، دریادا اویلان کؤنگلوم،
مرد گرک دیر آلماعا، بو غارنپ غالان کؤنگلوم.
جان فانی، جهان فانی، کپنه چولان کؤنگلوم.
سؤز بیله ایچین اگسر، قابض اولوپ، دؤلان کؤنگلوم.

عالم‌لار سؤزؤن دینگله، نصیحاتن آل - گؤتر
تور، حاقئنگ درگاهینا مناجات قئل، غول گؤتر
ریاضت نینگ یوکونی آرقان، یوزؤن سال گؤتر
بو ایش مردینگ ایشی دیر، مردانا دور، غال گؤتر
کأمیل آیاغنا باش غوی، یالانچندان ال گؤتر.
تۇبا قئلپ، بیر پیرینگ تۇپراغنا بولان، کؤنگلوم.^(۳)

۴. پدی لمه. گونه‌ای شعر که در هر بند، شش مصراع نخست دارای قافیه‌ی داخلی و مصراع هفتم با مصراع‌های بند نخست، هم‌قافیه باشد. مانند شعر:

گلسه نوروز عالمه، رنگ قتلار جاهان پیدا،
ابرلر اوواز اوروپ، داغ قتلار دومان پیدا.
بی‌جان‌لار جانا گلیپ، آچارلار دهان پیدا،
گؤگرمه‌دیک گیاه‌لار، گؤگریپ رووان پیدا،
ادرلر حیوان‌تاغ هم سود و زیان پیدا،
یر یوزونه یاییلنپ، یوریرلر ناهان پیدا،
وابسته دهان غوشلار قتلارلار زئبان پیدا.

چؤل طاراپئن برک ادیب، در آچارسووا خرچنگ،
زمین سبزه‌زار اولوپ، تنیندن آیریلاز رنگ،
جۆنبنده‌لر مست اولوپ، گؤیا ایچمیش آراق، بنگ
هر اشیا‌ئننگ اؤزونه اؤز اووازی بولار گنگ
سبزه ایچره ساندیواچ یوز دیله قولار اهنک
زمین خضض‌ریوش اولوپ، گل بیتیرمیش رنگ به رنگ
خروشا گلیپ، عالم، قتلارلار پئغان پیدا.^(۴)

۵. دوقوزلاما. گونه‌ای شعر که در هر بند، هشت مصراع نخست دارای قافیه‌ی داخلی و مصراع نهم با مصراع‌های بند نخست هم‌قافیه باشد. مانند شعر:

سندواچ سرمستم، برگیمدن جودا بولدوم،
برگیمنی خازان چالدى، بی‌صوت و صدا بولدوم.
بیر گلچهره بؤلوندا، بی‌هوده پئدا بولدوم،
بد ایشلره باى بولدوم، خایر ایشه گدا بولدوم.
پئرقات وصلت هر نه کی، - اصلین از خدا بیلدیم،
دوئی‌آگه دورا گلگن، اگلنمه ی گدا بیلدیم.
بارچانی بیدار گؤردۆم، اؤزۆم اویقودا بیلدیم،
ایگانیم آوی ساندئم، گیگه نیم ردا بیلدیم،
کؤیدۆم، بیشدیم، یار دؤستلار، اؤرتندیم ادا بولدوم.

یارانلار یولداش بولدوم، نفس هوا ظالمغا
کییک دی غاچار، بارماز، نصیحات گوی عالمغا
سرکش‌لیگین سبحانا، مشهور اندی عالمغا
من نیله بین یا دؤستلار، اوغورسینز انقبائلئمغا
غؤیمادی اؤز حالئنا، یوریرگه مدارئمغا
نه غازانجا غووانجئم، نه خوشواقئلئق مالئمغا
جو مقدارئنا گچمز، بو جاهان خییالئمغا
بیلیم عالم نه کؤیده، من حایران اؤز حالئمغا
کؤیدۆم، بیشدیم، یار دؤستلار، اؤرتندیم ادا بولدوم.^(۵)

۶. اؤنلاما. گونه‌ای شعر که در هر بند، نه مصراع نخست دارای قافیه‌ی داخلی و مصراع دهم با مصراع‌های بند نخست هم‌قافیه باشد. مانند شعر:

یوقدان بارا گتیردینگ، من آندا قولونگ بولدوم
«الست بر بکم» دیینگده قولونگ بولدوم
اراده دیارئنذا، عدمده قولونگ بولدوم
گر فانی و گر باقی، هر قاندا قولونگ بولدوم

مشتی خاکه جان بردینگ، بیر زنده قولونگ بولدوم
جانی تندن آیترسانگ، بیر مرده قولونگ بولدوم
هر هیپده، هر ساغاتدا، هر دمده قولونگ بولدوم
هر یئلدا و هر آیدا، هر گؤنده قولونگ بولدوم
گر عشرت بیله یوردوم، گر غامدا قولونگ بولدوم
خدایا، من نه عاصی - شرمنده قولونگ بولدوم.

اوشبو دارالفنادا، یوقدور منیم دی بدکار،
بارچا سانگا عایاندئر، نه حاجات قتلان اظهار
یاغشندان یئراق غالئپ، یامان بیلن بولدوم یار
بارمی گؤنأ دردینده، یارب، من دی گرفتار
بو جُرم ایله گلیپ من، درگاهئنگا یا غفار
یوزۆم یوقدور آیدارغا، حالئمنی من شرمسار
سن بولماسانگ نگهدار، کیمدیر مانگا مددکار
سنینگ دی غفاریم بار، جاهاندا نه غامئم بار
نه یۆره‌گیمده آرام، نه کؤنگلوم ایچره قارار
خدایا، من نه عاصی - شرمنده قولونگ بولدوم.^(۶)

در کنار گونه‌های اوزان هجایی و قالب‌های شعری بومی، در دیوان پربرار مختومقلی فراغی از اوزان و قالب‌های عروضی نیز فراوان استفاده شده است. گونه‌ی قالب غزل و بحور هزج، رجز و رمل بیشتر مورد پسند مختومقلی بوده است و غزل‌هایی لطیف عرفانی فراوانی می‌توان در دیوان وی یافت. مانند غزل زیر:

سعی ایله قوتولمادئم من بو بلادان، یارب!
چئقا بیلیمن جَهد ادیب، عجب و ریادان، یارب!
طالعیم اتدی طلوع، آنکئم اختر بد،
سن بیراق ات منی بو باغِت سیادان، یارب!
یوم تشهد ادر حل مانگا، شاهدِ غیب،
قوتولارمی قهیه جان بیله گونادان، یارب!
تنی عبادتدا علیل هم دیوی شیطاندیر لعل،
یا آندا بو امر ازل حکمی حیادان، یارب!
درگاهینگا، ای کردگار، قیلسام عبادت یوق قرار،
اتگه‌نیمه یوق اعتبار- صومی صلالدان، یارب!
من ایستار من سندن سنی، سن هم ائراق مندن منی،
حاجات روا قئل، یاغنی، منی مُبتلادان، یارب!
ماغئتم غولی‌نی هر زمان باسدی بلا، آچدی زبان،
ایله‌مه‌سین هر مؤمنان محروم دعدان، یارب!

سخن خود درباره‌ی گونه‌های شعری در دیوان مختومقلی فراغی که بنیانگذار شعر مکتوب کلاسیک دوره‌ی اسلامی ترکمنی به شمار است، اینجا با بضاعت مزجات خود به پایان می‌برم و اطمینان دارم ابعاد گوناگون خلاقیت شعری وی که جزو ارزش‌های معنوی جهان اسلام است، به گستردگی مورد مذاقه قرار خواهد گرفت.

(۱). فراغی، مختومقلی. دیوان، به کوشش مراد دوردی قاضی، مشهد، گل نشر، ۱۳۸۳، ص ۷۲.
(۲). همان، ص ۳۹۱.
(۳). همان، ص ۴۲۱.
(۴). همان، ص ۴۲۴.
(۵). همان، ص ۴۳۳.
(۶). همان، ص ۴۳۷.

عنصری تاریخ پژوه و گلهایی با عطرهای متفاوت

دکتر اراز محمد سارلی

عضو هیات علمی دانشگاه
مدیر مسئول نشریه فراغی



انتشارات مختومقلی فراغی برگزار گردید ، امکان ارائه در کنفرانس مذکور را پیدا کرد. که البته استاد عنصری عضو هیأت رئیسه این کنفرانس نیز بود.

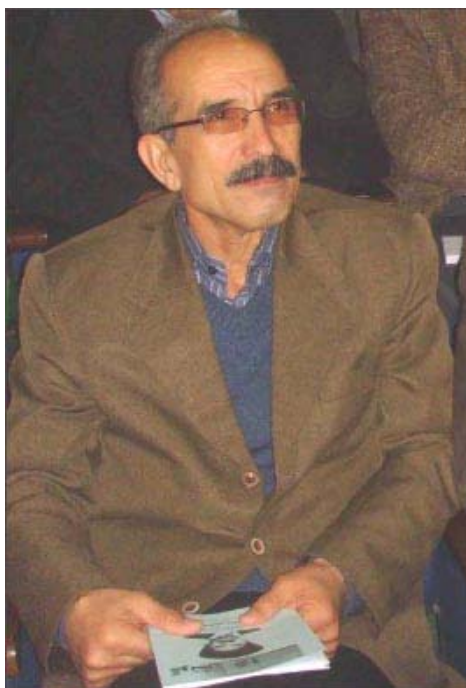
در سال ۱۳۸۵ در شماره ۲۲ و ۲۴ فصلنامه بین المللی فراغی مصاحبه ای همه جانبه و تخصصی درباره ی تاریخ ترکمن با این پژوهشگر تاریخ منتشر شد که بخش هایی از این گفتگو حاوی اطلاعات روشنگر و راهبردی درباره تاریخ ترکمن ، ادوار تاریخی و مهمتر از همه پاسخ به این سوال بود

که ترکمنان به مفهوم کنونی در کجا ساکن هستند؟! همچنین میزان تمرکز ایشان به تحقیق در دوره ی تاریخی سلجوقیان بیشتر می باشد. مقالات ارائه شده در سمینارها مخصوصاً این نکته را تأیید می کند. یکی از افراد تأثیرگذار در گرایش ایشان برای تحصیلات عالی در رشته های تاریخ (دانشگاه تهران) با مرحوم عبدالقادر آهنگری است.

استاد عنصری در این باره می نویسد :

از هنگام دانش آموزی در مقطع متوسطه به فراگیری تاریخ و ادبیات ترکمنی اشتیاق وافر داشتم. آتش این اشتیاق در

جوار گرم پدرم شعله می گرفت و در محضر استاد و دوست فرزانه ام مرحوم عبدالقادر آهنگری سمت و سوی علمی می گرفت. از فرصت استفاده می کنم و سپاسگزاری عمیق خود را نثار روح آن مرحوم می نمایم. بی راه نخواهد بود اگر بگویم که مرحوم عبدالقادر آهنگری نقشی بنیادی در شناخت ابعاد «ترکمن پژوهی» به ویژه در بعد تاریخی آن داشته است. با راهنمایی های ایشان بود که با هدف تدوین تاریخ این رشته را در دانشگاه انتخاب کردم. یاد و نامش همواره به خیر و نیکی باد. نباید فراموش کرد که مرحوم عبدالقادر آهنگری در عمر پربرت خود علاوه بر ترجمه کتاب ارزشمند و بسیار مهم «ده ده قورقوت» که اخیراً



با نگاهی به کارنامه علمی استاد آنا دردی عنصری متوجه نکته جالبی می شویم ایشان در یک دهه ی گذشته بطور مشخص در حوزه های مختلف فرهنگی فعالیت داشته است بگونه ای که تمایز وجه غالب تخصص علمی او قدری دشوار می گردد چرا که بازتاب فعالیت های فرهنگی استاد عنصری در رسانه های عمومی مانند هفته نامه ها و جرائد بویژه در هفته هامة صحرا و در فصلنامه ای فراغی و یا پراک حکایت از تنوع ورود ایشان در شاخه ها و زیر شاخه های

فرهنگی ادبی و هنری ترکمنان ایران دارد. این خود علاوه بر اینکه یک ویژگی تلقی می گردد و نشانه تلاش های چند بعدی او در اکثر رشته های مرتبط با تاریخ و ادبیات ترکمن بشمار می رود. بدین ترتیب اگر در مجالس شعر خوانی و نقد شعر، موسیقی ترکمنی ، نشست های ادبی تا مباحث فوق العاده ، تخصصی تاریخی می توان حضور فعال این پژوهشگر را شاهد بود. نکته شایان توجه دیگر حضور استاد عنصری در این مجالس غالباً همراه با اظهار نظر و دقت و کنکاش در روند برگزاری نشست ها بوده و جنبه ی تشریفاتی پیدا نکرده است. بنابراین اگر بخواهیم

بطور اخص درباره فعالیت اصلی ایشان نظر دهیم او را در حوزه ی ادبیات و تاریخ بیشترین آثار خود را منتشر نموده و قلم زده است. لیکن این شخصیت چند بعدی ، یک بعدی برجسته تر و آشکاری تر دارد.

به نظر نگارنده گرایش غالب استاد عنصری تاریخ بطور عموم و در حوزه ی تاریخ ترکمن بطور اخص می باشد. بنابراین مصادیق موجود و مکتوب در رسانه های محلی او در برگزاری کنفرانس بین المللی تاریخ ترکمن در شهریور ۱۳۸۴ عضو هیأت علمی به همراه سایر اعضا به بررسی و داوری مقالات واصله از داخل و خارج کشور پرداخته اند تا در نهایت خلاصه مقالات این کنفرانس که به همت مؤسسه

توسط نشر مخطومقلی به زیور منبع آراسته گردید.

کتاب « طرح تاریخ مردم ترکمن» اثر ترکشناس معروف روس بارتولد را نیز به فارسی برگردانیده بود که تاکنون اقبال نشر را نیافته است.

استاد عنصری با اشاره به اظهارات بارتولد چنین می نویسد: به سبب تشکیل امپراتوری سلجوقی، قوم اوغوز یا ترکمن آنچنان اهمیتی را در جهان اسلامی کسب کردند که هیچ قوم ترک دیگری در قرون وسطی از آن بهره مند نشد. این امر توجه کننده ی آن است که چرا به آنها توجه بیشتری شد.

عبارت بالا از ترکشناس معروف روسی . و . بارتولد است که در کتاب کم حجم اما ارزشمند خود به نام « طرح تاریخ مردم ترکمن» درباره ی نقش ترکمن ها در تاریخ جهان اسلام و تاریخ قرون میانه آمده است. بدون هیچ توضیح اضافی باید عرض کنم که ترکمن ها به ویژه با تأسیس امپراتوری سلجوقی آنچنان تحولی در تاریخ جهان اسلام و تاریخ قرون میانه ایجاد کردند که ریچارد فرای ایرانشناس معروف نیز در کتاب خود بنام «عصر زرین فرهنگ ایران»

نقش سلجوقیان را در این تحول اینگونه بیان می کند: « با سلجوقیان دورانی پایان گرفت و دورانی نو آغاز شد. طغرل بیگ و آلب ارسلان معماران این جهان نو بودند». از نظر استاد جایگاه تاریخی ترکمن ها تشکیل امپراتوری اغوزها، سلجوق ها و عثمانی های ترکمن تبار و دهها سلسله خرد و کلان ترکمن در پهنه ی ایران زمین بوده است.

او درباره ی منابع اساسی و قابل تکیه درخصوص تاریخ ترکمن ها اظهار می دارد:

سه کتاب با موضوع تاریخ ترکمن توسط تاریخ نگاران غیرترکمن خود نشان از

اهمیت جایگاه تاریخی قوم ترکمن دارد. کتاب های شجره تراکمه در قرن هفدهم میلادی توسط ابوالغازی بهادر خان و «طرح تاریخ ترکمن» توسط ترک شناس گراسنگ ولادیمیر واسیلیویچ بارتولد و...

بالاخره کتاب اوغوز ها (ترکمن ها) توسط پرفسور فاروق سومر ترک شناس معروف ترکیه اختصاصاً به موضوع تاریخ ترکمن می پردازد. دو کتاب اول و سوم توسط اینجانب به زبان فارسی ترجمه شده و در اختیار عموم قرار گرفته است. کتاب دوم نیز از متن انگلیسی توسط استاد فاضل جناب آقای محمد قجقی به فارسی ترجمه شده است که امیدواریم

توفیق چاپ آن دست دهد.

با این نگاه مقوله ی تمدن ساز بودن ترکمن ها مطرح می گردد و مراکز مدنی ترکمنستان بنابر تقسیم بندی معروف دوره ی پیش از اسلام و دوره ی تاریخی بعد از اسلام آقای عنصری دوره قبل از اسلام به حکومت گوگ ترکها اشاره می کند. حکومت اول اوغوزان (امپراتوری گوگ ترک غربی) یکی از سه قدرت مطرح جهان (در کنار امپراتوری روم شرقی و امپراتوری ساسانی) بوده است.

در این دوره موقعیت ترکمن ها در کناره های دریاچه بالخاش در منطقه سمیره چیه شکل می گیرد. شهرها و نظام اداری حکومتی و حتی خط ییغو مورد اشاره در شاهنامه بعنوان خط توراسیان مربوط به این دوره است. بنابر اظهار نر شخی در تاریخ بخارا شهر بخارای شریف که بعدها قبه الاسلام هم نام گرفت در این دوره پدید آمد.

دوره دوم از اواسط قرن هفتم میلادی تا ۸ میلادی با نام خاقان نشین تورگیش شناخته می شود. سپس دوره سوم از قرن نهم تا یازده میلادی به طول می انجامد. که با نام « دولت ییغوی اوغوز» شهرت دارد.

استاد عنصری درباره مراکز مدنی ترکمنان از شهر نام می برد که در منابع تاریخی شواهد روشنی بر آن دو به چشم می خورد. شهر «ینی کنت» که هم اکنون در محدوده جغرافیایی کشور قزاقستان به نام «جان کنت» قرار دارد.

مرکز مدنی دیگر « بار چنیلخ کنت » است که کاوش های باستان شناسی محل آن را در خاک جمهوری ازبکستان مشخص کرده است .

دوره پرشکوه ترکمنان از زمان تاسیس سلجوقیان آغاز می گردد که در تاریخ ایران زمین آثار بی نظیری در معماری، هنر و ادبیات و بطور عمده تمدن مشترک ترکمن - فارس بر جای نهاده است .

درخصوص سوال اساسی ملاک و مناط ترکمن بودن استاد عنصری توضیحی به شرح ذیل دارد که برای تاریخ پژوهان و نسل جوان فوق العاده حائز اهمیت فراوان است . عموماً در بین تاریخ نگاران قرون میانه این نظریه ای پذیرفته شده بود و آنها تمامی اقوام ترک را که از نظر وجه تاریخی و زبانی و جایگاه قومی مشترک بودند و در سرزمین های غربی و جنوب غربی مثل ایران، عراق، آذربایجان و اردن و آسیای صغیر می زیستند « ترکمن » خوانده می شدند.

براین اساس گروه های قومی ترک زبان را که در ترکمنستان، ایران، آذربایجان و اردن، عراق، ترکیه و



سوریه ساکن بودند و تا قرن هفدهم در این محدوده های جغرافیایی حکومت های قراقویون لو، آق قویون لو، عثمانی و بیگ نشین های متعدد در آناتولی را تشکیل داده بودند «ترکمن» نامیدند. اما این مربوط به چهره ی تاریخی «ترکمن» است. یعنی ترکمن در این فضای گسترده ی جمعیتی بیشتر حاصل بار معنایی تاریخی است که به نظر اینجانب کاملاً درست است. یعنی طبق مدارک و مستندات تاریخی اخلاف اوغوزان به ویژه از مقطع زمانی قرن سیزدهم میلادی/هفتم ه.ق نام عمومی «ترکمن» را پذیرفتند. علیرغم

اینکه در محدوده های جغرافیایی بسیار گسترده ای پراکنده بودند و از نظر شرایط زیستی سیاسی نیز کاملاً متفاوت بودند. اما این «ترکمن» خصلتی تاریخی و عمومی دارد.

استاد عنصری سپس می افزاید: معتقدم نام «ترکمن» به عنوان یک اسم خاص قومی از قرن شانزدهم

بازمعنایی جدیدی پیدا کرده است و نه به عنوان نامی متعلق به اخلاف اوغوزان، بل که به عنوان یک نام یک گروه قومی ترک زبان اوغوزی ساکن در محدوده ترکمنستان فعلی شمال ایران و شمال افغانستان کاربرد دارد. این «ترکمن» ها به لحاظ تاریخی با سایر ترکمن های ساکن در سرزمین های غربی دارای موارث مشترک هستند. اما از قرن شانزدهم به بعد به عنوان یک «ملت» در محدوده جغرافیایی خود از سایر هم قومان خود منتزع شده و در طول زمان از جهات آمیخته گی نژادی، تیپ، زبان و عادت اجتماعی هویتی مستقل کسب کردند. به همین دلایل نیز پروفیسور فاروق سومر این ترکمن ها را با عنوان جدید «ترکمن های ماوراء خزر» می نامد. ترکمن های ماوراء خزر گونه ای جدید از «ترکمن تاریخی» است که با «ترکمن» های غرب فقط مشترکات تاریخی، نژادی، زبانی دارد اما به لحاظ آمیخته گی نژادی، تیپ شناسی گویش و عادات اجتماعی متفاوت است.

استاد عنصری اینگونه جمع بندی می نماید: من خودم این فرایند تطور قومی را در سه مرحله می بینم: ما ترکمن های ماوراء خزر ابتدا اوغوز هستیم، در مرحله دوم ترکمن هستیم و در مرحله سوم که اکنون باشد ترکمن ماوراء خزری هستیم با تمام ویژگی های مختص به خود. استاد عنصری در جدیدترین اثر خود مقوله برآمدن

سلجوقیان را در دست کار دارند. او می افزاید که در حال حاضر پژوهشی با موضوع «برآمدن سلجوقیان» در دست دارد. این پژوهش درباره ی مسائل مربوط به ابتدای ظهور خاندان سلجوقی است و با اتکا به منابع و تحقیقات داخلی و خارجی سعی دارد به برخی ابهامات درباره ی ابتدای کار سلجوقیان پاسخ دهد. چون تاکنون در ایران درباره ی جزئیات ابتدای کار سلجوقیان کار جامعی صورت نگرفته است لذا انجام کار مشکلات و پیچیده گی های خاص خود را دارد. پژوهش در دو بخش ساختاربندی شده است که کار فیش برداری و تدوین اولیه ی بخش اول باتمام رسیده است. در بخش دوم نیز کار فیش برداری به میزان زیادی پیشرفت داشته است. او امیدوار است با عنایت ذات باری توفیق اتمام کار را داشته باشد.



در مجموع باید استاد عنصری را فردی محقق در سطح آکادمیسین های جدی در نبود یک آکادمی مرتبط با رشته کاری ایشان دانست. این

بنده نیز به دوست و همکار محقق و پرتلاشم ضمن آرزوی توفیق در انجام پروژه های تحقیقاتی، سلامتی و صحت ایشان و استاد فرزانه و سخت کوش جناب آقای قربان صحت بدخشان (که ارادت خالصانه ای نسبت به تلاش های بی سر و صدا و همچنان مسکوت ایشان ابراز می دارم) از خداوند منان مسئلت می کنیم.

همچنین صمیمانه ترین سپاس و آرزوهایم را به پای پدر فرش ترکمن استاد نیازمحمد نیازمحمدی نثار می نمایم. همچنین از زحمات انجمن شعروادب ترکمنی در یازدهمین سال تاسیس آن به مناسبت تولی برگزاری این همایش باشکوه بی نهایت سپاسگزار هستیم.

_____ منابع و ماخذ

- ۱- مجله بین المللی فراغی شماره ۲۲ و ۲۴
- ۲- خلاصه مقالات کنفرانس بین المللی تاریخ ترکمن شهریور ۱۳۸۴ گرگان
- ۳- ابوالغازی بهادرخان - شجره نامه تراکمه/ترجمه انادردی عنصری/نشر ایل آرمان

۴- سومر فاروق - اغوزلار، ترجمه انا دودی عنصری، نشر طلایی

شاهنگری، عبدالقادر، ده ده قورقوت، نشر «مختومقلی فراغی»



قربان بدخشان

«غۇشغى، سۆز دىگىزى نىڭ اورتاراسىندا اولى گۆيچ بىلەن ايت سىس بىلەن گۆگە غالىقايان گۆزل ھەم عاجايىپ تۇلقون دىر.»

ابراھىم بدخشان

شاھئىرلار، يازىچى لار ھەر بىر ھالقىنىڭ اۋنىڭدە بارىچى ادام لارى ھاساپلاپلار. اگر - دە اولار الله نىڭ بىر اوقتىنىڭدان، يىتتى ھىيىنىڭدەن دۇغرى پىدا لانتىپ چىر اۋىلانماغى باشارسالار، اۋندا اولار مەرجىن سۆزلەردىن دۇرەن عاجايىپ اثر لىرى بىلەن اوزاق و اغتلاپ ايل - ھالقى نىڭ يۈرە گىندە، آنگىندا ياشاپ بىلەر. يۈنە بىلە باغىت ھەر كىمە مەيىسسىر بۇلۇپ دورانۇق بولار يالى باغىتلى ادام اۋرۇن سىپىر ك دۇغوليار، اولار نىڭ سانى عاصىرلار اچىپىندە بارماق باسنىپ ساناردان كۆپ دال ھەر نىچىك ھەم بۇلسا ايل چىلىك دىر مەن ھەم:

«ياغىشى نىيەت يارنىم دۇولت دىيىن لىرى» دۇويدىش ياش يازىچى، شاھئىرلار مۇزا شونونگ يالى بىيىك باغىت آرزوو اديپ، ناھىلى يازىچى - شاھئىر بۇلمالى و اولارا نامە زات لار گىرك دىيىن سۇراغا اۋز پىكرىمى غىيىسغاچا اورتا آتماقچى.

(۱) ايشلى بۇلماق:

شاھئىرام ايل يالى يالانگاچ دۇغىار، اۋنسۇنگ اۋنگا كۆيىك گىرك، دۇن گىرك اۋلام ايل لىر يالى اميار آغلایار اممە گىرك، امزىك گىرك نان گىرك

شاھئىر كىرىم قوربان نىس بو بىر بىند غۇشغوسىندا شاھئىر لارا ھەم بىرىنچى دن اينىڭ اساسى گىرك زات نان دىغىتى اۋران دۇغرى بللە يار. ھەر كىم نان غازانماق اۋچىن، ھالال غازانچ اۋچىن بىر ايش اديار. شاھئىرلارام شىلە، اگر - دە مەختومقلى يۇناچى يۇنا دىكن بۇلسا، بىيىك پىراغى كۆمۈش اوسساچىللىغى و سىد نظر سىدى دايخان چىللىق بىلەن مەشغول لانتىدۇر دىيىن ماغىلومات بار. تۆركمەن شاھئىرلارنىڭ غۇشغىنى

غازانچ چىشمە سى ادىن يۇقدور دىيىپ دوشۇنىان، اۋلاردان كۆشك شاھئىرى بۇلۇپ شالار، بگ لره يارانجانگ لىق اديپ غازانچ ادىن لىرى يۇق بۇلسا گىرك دىيىپ بويىسانچ بىلەن آيدىپ بۇلار، اۋنسۇنگام تۆركمەن لىر آراسىندا نان دىيىلەن زات موقادىس بۇلۇپ دىر، تۆركمەن لىر اۋنى بىر يۈزۈنىڭ سۇلطانى ھاساپلاپ دىر. شاھئىر غارا سىيىد لى تۆركمەن ھالقى دۇرە دىچى لىگىندىن اوغورلىپ بومىسلانى بىر بىند غۇشغوسىندا شىلە صوراتلاندۇرۇپ دىر.

بىرە اوردوم پالتانى،
آغزى غىزىل ھالتانى،
بىردىن بىر اۋغلان چىقىدى
اولى ايلىڭ سۇلطانى،

اولى ايلىڭ سۇلطانى دىر آق بوغدايىڭ آق نانى
بوسۇلطانا ھۇرمات غۇيماق ائىسانىيات پىرمانى.

(۲) عىللىم لى بۇلماق:

۱۸-۱۹ عاصىر دا تۆركمەن ادبىياتى رال لىق (Real)، ھالقى لىق بابا تدان اۋزال گۇرۇلمە دىك بىلەن لىگە گۇتريلىدى. بو ايكى عاصىر دا ائلايتا - دا شىغىرىت اۋسدى، تۆركمەن ھالقى نىڭ قادم دان گىليان غۇوى ادىبى داپ لىرىنى دۇوام ائدىرىمك ۋە اۋنى اۋسدىرىمك بىلەن ۱۸ عاصىر تۆركمەن ادبىياتى انچمە گۇر نۆكلى سۆز اوسسادلارى نىڭ دۇرە دن يۇقارى ايدە يا چىر چىلىك لى تازە - تازە اثر لىرىڭ ھاسابىنا باي لاشدى، بو دۇويدىرە دۇولت محمد آزادى، نورمحمد عىندىلپ، ماغىتەم غولى پىراغى، عبدالله شابىندە، غايىي، شىيدايى، ماغروپى، محمد ولى كىمىنە و ملانفس يالى اۋن لارچا اگىرت لىرياشاپ گىچىپ دىر، بولارىڭ ياشايىشى بارادا تۇپلانان ماغىلوماتلار سىرە دىنىڭدە، بار زات تدان اۋنگۇرتى بىزىڭ اۋنسۇمىزى اۋزۈنە چىكىان زات، اولار شۇل واقتىڭ مەشھور مەكتەب - مەدرىسە لىرىندە اۋقاپ اينىڭ

يۇقار درجه ده عىلىم تېربيه سىنى آلاندىق لارى دىر. شۇنۇنڭ اۆچىن ھىم اۇلار اۆز دۇورۇنىڭ اۇنگدە بارىچى عالم لارى حۇكمۇندە اورتا چىقىپ اۆز دۇورۇلرى نىڭ اساسى طالاپ لارنى بىيان اىتماگە چاللىشلار.

بو مىسىلە البتە بىزىڭ دۇورۇمىزدە ھىم شىلە ياغنى اگىدە يازىچى - شىھىر بۇلۇپ اۆز دۇورۇنڭ اۇنگدە بارىچى آدماسى حاساپلانچاق بۇلسانڭ اۇندا سن حۇكىمان عالم بۇلمالى. يۇنە عىلىم دىيلىان زات ال يىتمز قىممات باھالى گۇوھر داش، اۇنى ھىر اۇنگى يىتن آلايار يالى تېپ - تىكىز پىردە غۇيولماندىر، اۇل ادىل غارا دومانى باسۇرلۇپ اۇتوران پىلد داغۇنڭ چۆر باشىندا غۇيولان مىثاللى، اۇنى اىلگىرىمك اۆچىن شۇل پىلد داغا چىقىملى! اىلگىرى دىم - دىك يۇرۇپ داغا يارماشۇپ اوغىرار سىنىڭ، اسلى وقت يۇرۇسىنىڭ ولىن اۇل سانگا اى گىرتىز، داغۇنڭ غۇيىلچاقلى داش لارى آياق لارنىڭ غارا غانا يووار، سۇنڭ اىمە دىكلاپ گىتمە لى بۇرسىنىڭ اىلىڭ آياسىنىدان، دىنۇنڭدان غان جۇرۇلاپ آقۇپ باشلار، پىتدىم - پىتدىم دىير سىنىڭ ولىن ھىنيز پىتائىن دالىسىنىڭ، آخىر سۇنڭى باغۇرۇنڭ بىلىن سۇيىشىپ گىتمە لى بۇرسىنىڭ، ھاپچان دا عىلىمىڭ اوغۇرىندا باغۇرۇنڭ غارا غان بۇلسا دىپانگە بىر سىرات، شۇل گۇوھر داشا لىنىڭ يىتر.

عالم بۇلماق اۆچىن غول بۇلماق گىرك
عاصىرلاپ كىتا با اىگىلىك گىرك
شىھىر بۇلماق ولىن بارىسىنىدان قىن
اۇنڭ اۆچىن يۇرىتە دۇغولماق گىرك

تالانتلى مرحوم شىھىر آمان گىلدى آماننىڭ آيدىشى يالى، عاصىرلاپ كىتاپ اۇقاسانڭ، عىلىم اوغۇرىندا اىگك بارىنى گۇرسىنىڭ عالم بۇلماغۇنڭ مۇمكىن يۇنە شىھىر بۇلۇپ بىلمىسىنىڭ سىبابى ھىر بىر شىھىر عالم بولۇپ بىلر يۇنە ھىر بىر عالم شىھىر بۇلۇپ بىلمە يار. اۇنسۇنڭام بىزىڭ ياشايان عاصىرۇمۇندا، عىلىم غاتى اۇسۇن آنگۇرسى - بارىسى ناپىللى اوچ - غىراقسىز، پىدى اقلېم، پىدى دريا حاساپلانان گىنىڭ جاھانى چاقلا نىڭا اۇبا اۇوورن ائىسان، اۇل اىندى ھىر گۇن آسماننىڭ، گۇگىنىڭ پىدى غات پىرىنڭ تازە تازە سىرۇنى آچىار. اۇنسۇنڭام بىزىڭ دۇورۇمىزدە عىلىم ھىر دۇرلى شاخالارا بۇلۇنىار.

اۇنۇنڭ بارىنى اۇورنىمك مۇمكىن دال، يۇنە يازىچى - شىھىر بۇلچاق آدم ھىچ بۇلماندا اۆز اوغۇرىنا دىگىشلى عىلمى ھىمە طاراپلايىن و چىنئالاقى اۇورنىمە لى اۇل ھىر گۇن اۇقاماسا ھىرگۇن اۇورنمە سە حۇكىمان دۇورۇندىن ائىزدا غالار.

(۳) اوقۇپلى بۇلماق :

عىلىمىڭ ھىر ناپچە كۇپ بۇلسا - دا، عىلىمىڭ

يانىنىدان شىھىر چىلىق اوقۇبىنىڭ بۇلماسا، سىن شىھىر بۇلۇپ بىلمىسىنىڭ. اساسان ھىر بىر ايشىدە شىلە، اوسساچىلىق، موغاللىم چىلىق، سازاندا چىلىق سۇودا گۇرچىلىك و ... بولارنىڭ ھىر غايىسى آدمالار دان آيراتىن اوقۇپ طالاپ ادىار.

يۇنە شىھىر چىلىق ولىن بارىسىنىدان قىن
اۇنڭ اۆچىن يۇرىتە دۇغولماق گىرك

يۇرىتە دۇغولماق گىرە كىدىگى نىڭ دۇپ
مانىسى، الله تعالى سىنى ياراداندا، شىھىر چىلىغا اوقۇپلى يارادان بۇلمالى. اوقۇپ سىز آدم شىھىر بۇلۇپ بىلمىز.

كأته شىلە بىر ياغدايا غابات گىلارىس: «من ساز- غورال لارنىڭ ھايىسى - دا بۇلسا بىرىنى، تۆيدۇك دىر، غىچاق، يا دوتارى جانىم بىلىن اۇورە نسىم گىلار يۇنە باشلار مۇق سىبابى بوغورال لار بىر- بىرىدىن بىر باخىل بۇلار، اۇلار ھىر كىمىنىڭ اىلىدە سايىسى گىلە نۇق» دىيىپ تۆركىم ساز غورال لارنىدان ناگىلە بۇلغان ھىم بار. يۇنە حاقىقاتدان بو بىلە دال. ساز - غورال لارنىڭ ھىچ بىرىدە گۇنا يۇق دا، گۇنا بىزىڭ بو كاره اوقۇپ سىز - لىغىزدان گىلپ چىقىار ھىر بىر ايشە اخلاص زاحمت حۇكىمانى گىرك زات ولىن پىتر لىك، دالىگىنە دۇشۇنمىگىز گىرك.

(۴) چىر اۇيلانماق «دويغۇرلى لىلىق» :

شىھىر چىلىق دا، يازىچى لىقدا، دويغۇرلى لىغۇنڭ آيراتىن اۇرنى بار، شىھىر ھىر گۇن داش - تۇوھ رگىندە گىچيان واقىلالارى يۇنە كى آدمالاردان باشغاچا سىراپىپ، اۇل بارا دا چىر اۇيلانمانى باشارمالى. مىثال اۆچىن سۇنڭى داغۇنڭ اىتە گىندە، كۆرن اوبالار دا ياشاپ گىچىن و ھىر گۇن تىلىم گىرك اۇنڭا ناظارى دۇشۇن، آباسارنىڭ گۇزۇنڭ ياشى يالى دورى ھىم سۇيىچى سۇوندان غانا - غانا اىچىن، ناي باداى دان آشۇپ بىك كىمىر لىرىدە كاكىلىك قۇوالان تۆركىم آرمى اىسىم؟ يۇنە اۇلار دان دىنگە ماغىتىم غولى سۇنڭى داغى بارادا اۇلمىز - يىتىمىز عاجاپىپ مىرات بىزە غۇيۇپ گىدىپ دىر :

اى سۇيدۇگىم سۇنڭى داغى
داغدانلى دىر بىلىنىڭ سە نىڭ
دوشمان گۇرسە دودولە شىر
يۇموت - گۇكلىڭ اىلىنىڭ سە نىڭ

يا - دا شىھىر غارا سىيىدلى حۇولى لارنىدا ياشايان عاشىق قۇمىرى لارنىڭ پاك سۇيىگى نىڭ شايادى، گۇرۇنڭ: اۇل بو سۇيىگىنى ناھىلى شىھىرانا، ائىنسا پلى ھىم بويسانچلى واصىپ ادىپ بىلىپ دىر.

حۇولىمىزدا ھىمرا بۇلۇپ اىكى قۇمىرى ياشايار

شرطی سن حۇكمۇن سۆزە باي بۇلمالى . سۆز دىيلىان زات اساسان چپر ادبىياتىنگ ايلكىنجى الېمىنتى(element/عنصر) حاساپلانىار .

مشهور يازنجى تولستوى : «مَنْ پاتيشا بۇلان بۇلسام ، اۆز اولانيان سۆزۈنىنگ مانئىستى دۆشۈندىرىپ بىلمە يان يازنجىنى يازماق حوقوغىندان ماحروم ادبيان وۇنگا غامچى اورمالى دىين قانۇن چنقارداردىم » دىيىار .

تۇلستويىنگ شوآيدانلارئىندان اۇنونگ چپر ادبىياتىنگ دىليىنە ناھىلى اهميت برە نلىكى اۆز - اۆزۈندىن مالىم بۇلۇپ دورىار .

بىيك يازنجى ادبى اثرلىرىنگ چپرچىلىك درجە سىنى اۆچۈن ادبان سۆز و سۆزلر بىر يىكمە سى حاقىندا اۆزۈنىنگ پىكرىنى جىملۇپ شىلە يازىار : « بىزىنگ اۇنگات يازماغى اۆرە نمە گمىز گرە كدىر ، اگر اۇنى اۇنگارماساق يازنجى دالدىرىس . » دىيىار .

۱۹۶۵- نچى يىللىنگ نوبىلبرىندا ياش اولى يازنجى بردى كىربايف چپر اثر دۆرە تمك اۆچىن اۆز انه دىلىنى اۇنگات بىلىك حاقىندا باشلانغۇچ يازنجى لارا يۈزلە نىپ شىلە دىيدى : «مىلىنگ سىرە سى گۈچ بۇلىشى يالى ، چپر چىلىگىنگ ، اوسادلىغىنگ اساسى دىلە باغلى .

يازنجى نىنگ ياراغى ، دىلى ، كۆتك ياراغىنگ دىنگە ال كىسىشى يالى ،ياراماز دىل اوقىنجى نىنگ لاپىنى كچ ادبار ... دىل سىز يازنجى آيتچاق زادىنا دىلى اۆرۈلمە يان ساقاوى يادىنگا سالىار . » بو سۆزلر اۇران دۇغرى ، چپردىل بۇلمادىق يرىندە چپر ادبىيات دا يۇقدور امما ولين دىنگە دىلىنگ اۆزى اۇل ناچە باي - دا بۇلسا ، ناچە چپردە بۇلسا ادبى اثرىنگ صىپاتىنى اۇنونگ قىمماتىنى وجمىعت چىلىك اهمىيە تىنى كىسىگىتلاپ بىلمز . دىل چپر اثر داكى واقعا لارى بىيان اتمە گىنگ ، اۇنداقتى ماضىمۇنى بايلاشدۇر ماغىنگ سىرىشىدە سى بۇلۇپ دورىار .

چپر اثر دۇرتمىكە اساسى اۇرنى يازنجى نىنگ اۇبرازلى اۇيلانماسى دۆرە دىجىلكى فانتازىياسى (حىيال گۈچى /fantasy) توتىار .

بىز بو بارا دا ياغنى اۇبرازلى اۇيلانماق ، دۆرە دىجىلكى فانتازىيا و يازنجى شاھرىنگ اخلاقى حاقدى نصىب بۇلسا گلە چكدە گۆرۈنگ ادە رىس .

گۆرسىنگ اۇلار اوزاق گۆنلۇپ بىر - بىرىنى اۇغشايار بىر بىرىنە باقاندى - دا ، اۇغشاپ - اۇغشاپ باقىار لار سۇووق سوودان ياقاندى - دا ، اۇغشاپ - اۇغشاپ باقىارلار ياتاندى - دا لىلر بىر بىرى نىنگ لىبىندە

ناچە يىل دىرشوسۇيىكى نىنگ شايدى من هر گۆندە يا - دا اوروش دۇورۈندە ياد اولكە لردە ، هۇسسارسىز غالان مازار لار ، شاھىر سىتار سوقى نىنگ هم شاھىرانا يۆرە گىنى داغلايار . سىتار شاھىر يۆرە گىنە يارا سىلان بو واقعا دا اۆز يۆرك ياندۇرچى آغى سىنى ، داغلارنىنگ داشلارنىنگ ، بولوت هم ياغمىرنىنگ آغى سىنا غۇشۇپ شىلە سىس لىنيار .

ياد اولكە دە غالىدى سە نىنگ مازارنىنگ داغلار آغلاپ شىمال سىنى هۇدۇدلۇر آق داش لارا تاغما غويان غاننىكى بولوت آغلاپ ياغمىر آغلاپ يودولار

يا - دا اينىا گىند شىرى نىنگ كۆچە لر نىنگ بىرى اۇل كۆچانگ اچىندە هر هىلى آدم ياشايار ، بوغداى رنگك ، آق ، غارا ، گلىشك لى ، گلىشك سىز ، سىمىز ، هۇر ، يۆرە گى آچىق ، اچى پىكىرلى ، آلچاق ، كچىك و ... عالم دۇستوم آنا دردى عنصرى هر گۆن اۇلارا سىن سالىار و بىيك دور موشىنگ آجى سى نىنگ سۈيىچى سى نىنگ بولاردا غۇييان تائىرى بارادا شاھىرانا اۇيلانىار .

اۇل ائىسان لارا ادبان بىيك آرزووينى شۇل كۆچانگ اوغروندان گۆزلە يار . عاشىق لارنىنگ يۆرك نالاسى ، گۆزل لالە سى اۇنونگ بىنى سىندە شول يانگلانئىپ دور ، يانگلانئىپ دور اول ، كۆچانگ اوغرونداقتى لار بىلن بىلە لىكدە آينىغىتلى ادىم لره ، آراسىسا آدمالارا غاراشىار ...

پىنھان كۆچە ، پىنھان كۆچە

نىچە عاشىق

دۇكدى مىكان

سندە يۆرك نالاسىن

نىچە گۆزل قاقدى مىقان

سندە يۆرە ك لالە سىن .

يا - دا

پال اوستوندى اۇتۇرئىن

گۆزىم دىكىپ كۆچاندىگ

كۆچە ياتىر اوزانئىپ

غاراشىار ادىم لره

غاراشىار آدمالارا

(۵) دىلە ، سۆزە باي بۇلماق (دىل چپر چىلىگى):

شاھىر يازنجى بۇلماغىنگ ينە دە بىر اهميت لى



غۇشغى ، غۇشما ، شۇغۇر



ستار سۇقى

۱- دورى بۇلمالى، سحرىنگ چىغى يالى.

۲- سادا بۇلمالى ھم چونگىگور.

۳- سۇى دىلدىن حايئرلانمالي.

۴- تازە بۇلمالى، حىالى تازە دويغولى بۇلمالى.

۵- انديشە يا پىكىر تايىدان غۇوى بۇلمالى.

بۇلىپ بىلمىز! ايلكى شاھىرئىنگ اۆزىندە الله نىگ برن
عئلمى يا عئلم آلان يا غويما غورساق دىيىليان باى لئق
ھم بۇلماغى اۆزگە لردن سايلانماغنا سىباپ بۇلۇپ
بىلر ، شۇل سىباپدىن اۆچ ھىل لى شاھىر، اۆچ ھىل لى
شۇغىر و اۆچ ھىل لى سۇيگى دۇرۇپ دىر:
اۆچ ھىل لى شاھىر:

۱-ياماغچى(بديحه سرا)

۲-الهامى(خدادادى)

۳-ادىپ (عئلم لى و بىلىم لى شاھىر)

۱-ياماغچى لار: بيسواد و سۇز اۇيناغى دىليىنە گلن
سۇزلردان ياماپ غۇشغى غوشيارلار و بولار ھم
شاھىر تاناليار.

۲-الهامى يا اوقىپلى،غويما غورساق شاھىرلار بولار.
۱۴-۱۳ ياشاندان بىلاک بىر سۇيگى اۇدونا
ساتاشيارلار و توتاشيارلار و غۇشغى ھمدە شۇغىر
سۇزلرى اۇلارئىنگ يۆرە گلرینه غويوليار . اۇلار ھم
شۇغىرصوراتئندا يازيارلار. اگر الهام بۇلماسا اۇلار
شۇغىر يازمايارلار... دىمک اۇلارى شۇغىر يازيار نه
اۇلار شۇغىرى!

حافظ، مولانا ، موللا نىس - پىراغى ائلهام شاھىر
دىرلار.

۳-ادىپ:ادىب شاھىرلار

شۇغىر يازمايارلار بلكى ياسايارلار(شعرامى سازند
نه مى سرايند) شۇغىر ياسايارلار! يازمايارلار. عئلمى و
بىلمى كآن بۇلان سۇنگ، بولار شۇغىرئىنگ اھلى تىكنىك

غۇشغى يا غۇشمالارئىنگ حىيال و سۇزلرى ترىنگ
بۇليار.مىثال اۆچىن اينىگ يۆرەگە سىنگن آيدىم بندلرى
، ۱۹۵۰- نجى يىل لاردان سونگرا دۇران آيدىم بندلردە
كآن گۇرۇنىار. «تشنه من تشنه» ، «ماخمال باگول»،
«منىگ يگىت واغئىم، سنىگ غىز واغئىنگ» شونگا
منگىز غۇشغى لاردا يۇقارى خيال ھم سۇز چىرلىگى
گۇرۇنىار. امما شۇغىر بولاردان پارحلى مىكا دىيارىن
شۇغىر- دا انتيشە يا پىكىر تايى غاتى ترىنگ بۇليار.
آنگسادئنا سىرى آچئلمايان شۇغىر كۇپلنچ سىرلى
بۇليار . سادالئقدان چىقىار، سىرئنى آچمايار.

حافظ، مولانا و يىنە - يىنە لرىنگ شۇغىرلارى يالى
پىراغئىنگ عرفان بندلرى يالى . شۇل سىباپدىن بىر آيدىم
يا غۇشغى بند لرىنى يازيان شاھىر ، كآن سىرلى
سپىرلىرى شۇغىر قالىپلارنا گىرە سى گلە نۇق.
تۆركمن نىنگ گچن كلاسىك دۇنياسى نىنگ كۇپى
سى لىرىك ياغنايى يا غۇشما قالىپ لاردا بۇلۇپ دىر.
اۆز بىلە نىمە گۇرا شاھىرلارا دىچك بۇليارئىن. غۇشغى
لارئىنى سادا و سۇى سۇزدن و خيال دان و قايتىم پوغتا
پىكىرلردن بايلاشدىرچاق بۇلسون لار. امما بو زادلار
ھم اۇزلرىندە شۇغىر يا غۇشغى اوقىپ لارى بۇلماسا

شاهنر بۇليار يا معتاد بۇليار يا اۆزىنى اۆلدير يار يا دالى
يا- دا واطاندان چنقىار. غاراض شۇل دردى بيرزاد بيلن
كۆشتملى بۇليار و ايندى شاهنر بۇلارلارنىڭ «خۇش
به حالينا»

غووشان لار بير ياسسئق - دا اوقلايار
غووشمادئغا ايكي ياسسئق آز بوليار.

(قربان نظر عزيزف)

غووشغى نئنگ دردى و سئرى كان . بار شاهنرلارا الله
قووات برسين.

لريندن خابارلى بۇلان سۇنگ شئغير هم غوشغى هم
ياساپ بيلرلر. بو هيل لى شاهير و يازئجى لار قئرق
ياشدان سۇنگرا شاهنر يا يازئجى بۇليارلار. قئرق دان
سۇنگرا باش لارئندا عقل ماخول جمع لىشيار و شاهنر
لئق يا- دا يازئجى لئق يۇل لارئنى باشلاپ بيليارلر.

اۆچ هيل لى سۇيگى هم شولاردان جودا دال دير .
مثال اۆچين:

۱- يالان سويگى يا مجاز سويگى سى

۲- پاك سويگى

۳- حق سويگى

مجاز سۇيگى نى، حورماتلاپ ساقلان شاهنر حاق
سۇيگا غوشوپ بيلر. هر بير شاهنر ايلكى ۱۴-۱۳
ياش لارئندا حۇكمان مجاز سۇيگا دوشان دئر. اۇنى هر
بير شاهنرئنگ بيوگرافى سىنى اۇقان بۇلسانگيز گۇرن
سىنگيز. ماغتئم غولى نينگ منگلى سى، مأتأجىنگ انه
گۆلى، كميناڭ گۆل جمالى؛

كمينه يارينگ اسمى «گ» بيلن لاما گلىدى
جيم بيلن ميم اوقيديم الف و لاما گلىدى.

يا هر بير الهامى شاهنردا حۇكمان عشق اثرى بۇلان
دئر. مۇللا نفس عشق اۆلكه سى نينگ سۇلطانى بۇلوپ
دير.

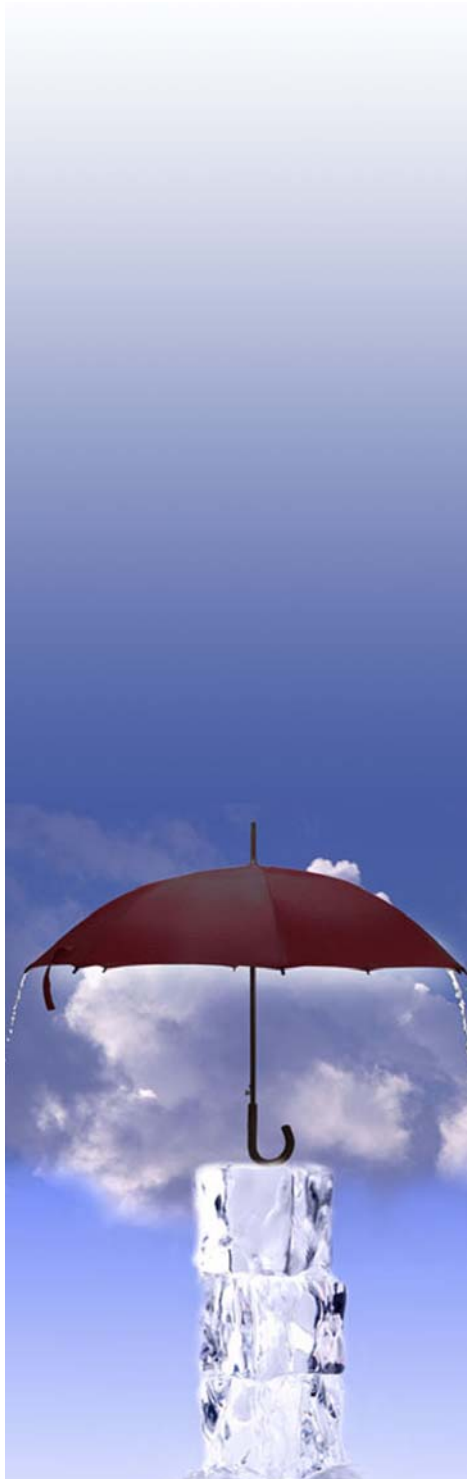
پارس شاهنرلارى يا هر بير غايرى ديلده بۇلسون
حافظ ، مولانا، عراقى اهلى سى عشق مجازى نى پاك
عشقا و پاك عشقى حق عشقئنا چاتئپ ديرلار.
عاصئرداش شاهنرلارمئزدان استاد شهربار، شاملو،
نيماء عشق مجاز سۇيگى اليندن آمانا گليب شاهنر
بۇلوپ ديرلار. بو بير حاقىقات دير.

گۇوۆن جوشا گلمز ديل هم سۇزله مز
يۆره گده عشقدان گۇزهم بولماسا
عقل جوشا گلمز ديل هم سۇزله مز
يۆره گده عشق دان كۇزهم بولماسا

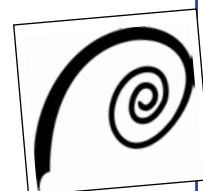
(پئراغى)

عشق پاك لرينى يۇقارى درجه ده ساقلان شاهنرلار
عشق حاقا چاتئپ بيليب ديرلر و عرفان ، عاريپ
بيكىرلرئنه يتئپ ديرلر.

شيله بۇلسا بير الهامى شاهنردا حۇكمان عشق
اثرى بۇلمالى، اگر بۇلماسا اۇل شاهنر بۇلوپ بيلمز
هم دىيىپ بيليارين ماحصوصاً شكست ليين بۇلسا،
اگر بير ائنسان نوجووانلئق ياده يتگينجك يئل لارئندا
عشق اثرى غاتى اوران بۇلسا و اۇندان هم شكست يا-
دا ينگيلن بۇلسا، اولى اۇدى يا- دا دردى گۇتريپ بيلمه
يار؛ اۇنى حۇكمان بير زاد بيلن چالئشمالى بۇليار يا



شا ئىگىز شۇھرات



كلالاننىڭ ماغىنىم غولى آدنداقى
مدنى و صونغات جمعيتى

۵۰

دۆينە لىيۇن اۇجاق دئر
بو تۇپراق
اۇنگىن گىليان آدىلى چاولى
سان لى شان لى
اۆلكە بو
دۇغدوق دپام بوديار .
آيدى شاھىر

غىسغاچا گىريش :

« چاقماق داشدان ياسالان چاپغىچ لار ، توممە يلى
تايلاق لار ، اوجى يىتىلدىلن سىرتق لار ۳۰۰ مۆنگ يىلا
غۇلاى موندان اۇزال ياشان ايلكى دورموش آدم
لارنىڭ يالنگىز زأحمت غورال لارى بۇلۇپ دئر . اۇنگ
قادىمى آدم لار اۇزلىرى نىڭ يۇنە كى غورال لارى
بىلن البتدە اۆزىنگە لىك دە ياشاپ بىلجك دألدىلر ، اۇلار
اولى بۇلمادىق تۇپارلار (ايلكى دورموش سۆرۈلرى)
بۇلۇپ تۇقاي لارنىڭ ، كۇل لرىنڭ وە باتغالىق لارنىڭ
آرالارنىدا ائغىشپ ايبلىان اۇسۇم لىك لرى يىغىناپ
دئرلار ، حايوان لارى آولاپ دئرلار ، يىرتىجى حايوان
لاردان - غاپلانگ لاردان ، بارس لاردان وە مۇجك
لردن غۇرانتىپ دئر لار .
باش دورموش ائىسان لارى زأحمت و غۇرانماق

غورال لارنى ياساسادا ، ايمىت و مكان گۇزلە سە
دە ، ھۇنار وە صونغات ايش لرىنە دە ال اورياردى ،
ال چارپىپ اۇينا ياردى ، ھىنگلىياردى وە ھىكل دۇرە
تىياردى ... »
وہ امما ھۇنارنىڭ قادىمى لىغىندا گۆرۈنگ يۇق ،
يۇنە سرگزدان ، غاھارجانگ و غارىپ ياشان ايلكى
دورموشى آدم نامە اۆچون مۆنگ لىچە يىل تارىخ
دان اۇنگ ، ھۇنار دۆرتمە سىنە اۆنس برىپ دىر؟
ھۇنار شىناس لار و فىلسوف لارنىڭ اينگ مۆھۈم و
عئلمى نوقطاي ناظار لارنىا گۇرا ، ھۇنار دىيىنى آدم
لارنىڭ ياشايىشىنىدا ، ايسلگ لرىنى قاناغات لاندۇرماق
اۆچون ، دۇران چونگىگور دويغى لارى دئر . يۇقارقى
آغزالان عئلمى ناظارلارنىا گۇزدىكىپ تۆركىمى خالقى
نىڭ تارىخىنا سر سالاننىڭدا اۇران كۇپ واقالارا
دوش گليار سىنگ . يرشارنىدا عملە گليپ تۇغىتاشىپ
يايران ايلاتلار يالى تۆركىمى لردە اۆزىچە ياشاماغى
تجربىيە اديب دىرلر . كۇپ زأحمت لرى چكىپ گۇرگى
لرى گۇرىپ دىرلر . آسياننىڭ بۇيدان باشىنا دىين
يالى گۇوون لى و گۇوون سىز گۇچە - گۇچلىگە سىزە
وار بۇلۇپ دئر لار ، اۇرخون جۆلگە لرى يىنداكى تاپىلان
يازغىت لارنىدان تا آسياننىڭ گۆن باتار يورت لارنىا
چىلى غۇيان ايز غالىدۇرما تائىر لرى ، اۇنونگ چارە

سىز اديان تاغاللارنىڭ ئىشلىرى .

ايكى مۇنگە غۇلاي يىل - دا بۆتىن آسيانى سۇكوپ ايه لاپ ، اينىڭ سۇنگوندا كۆپ يىر لىرىلە شىپ اوتوران تۆركىم خالقى اۆزىنە دگىشلى دورموش ياشايشىندا خالق دۆرە دىجى ليگى ھۇنار، صونغات و مدە نى چارە لىرىلە غاپىل غالىماندۇر . سىبىبى اۇلار جانلى ، دىرى و كۆكلى خالق لارنىڭ حاسابىندا دورىلار .

ناچە مۇنگ يىل موندان اۇزال دۇقالان پازىرىك ھالى سى ، اۇنونىڭ يۆزۈندەكى عاجايبىپ ناقش لار تۆركىم خالقى نىڭ ياشايشىندا مد نى سىرىشتە لىرە باش غۇشاندۇغىنى دۇلى صورىدا گۆركىزىار . ساز صونغاتى - دا اۇنونىڭ ياشايشىندا اينىڭ مۇھوم چارە لىرىنىڭ بىرى بۇلۇپ، تۆركىم خالقنى كۆكلى و آصللى خالقارنىڭ بىرى ھۇكمۇندە دورموشدا اۇنگات آلىپ بارماغىنا و اۆستونلىك غازانما غىنا ياردام بىرىپ دىر . سۆز صونغاتى دىمىك خالق دۆرە دىجى ليگى يازوو ادە بىياتى ھم خالقى مۇزنىڭ اينىڭ اولى و گۆچلى اوغورلارنى نىڭ بىرى بۇلۇپ ، اۇنى اۆسمە گىندە و اۇنگە گىدىشلىكە ياغىنى ياردام بىرىپ دىر .

تۆركىم خالقى نىڭ ناچە مۇنگ يىل تارىخىندا ومدىنىيە تىندە گۆزە گۆرنى چارە لىرى نىڭ اوغرىندا دۇران اگىرت اولى حاللىپا لارى اۇران كۆپ ، سانار دان كان ، اينچە صونغات ، خالق دۆرە دىجى ليگى و ادىبىيات ، شاي - سىپ و ھالى - ھالچا صونغاتى نىڭ آدى و آدىنىز قاهرىمان گرچك يىلدۇز لارى، اۇنونىڭ گىنىڭ آسمانىدا اۆلمىز - يىتىمىز پارلاق لارى ھۇكمۇندە يىلدۇرپ شۇھلە سالىاندۇر . بوگۆنكى تۆركىم خالقى نىڭ بويسانچ لى و غىنانچ لى ياغداي لارنىدا گۆزە گۆرۈنىان اولى و قاهرىمان گرچك لىرى ، حاللىپا لارى ، آقالارى ، اوسسات لارى و دىمىك غايراتلى يىگىت لىرى يە بىرگىزك گۆزە اىيلىپ ، صاحنا گىرىپ ، خالقنىڭ گۆز اۇنگۇندە گۆرۈنمىك لىرى اۇلى بىر پورصات دىر ، سىبىبى خالقنىڭ مىللى و مدنى بايلىق لارى اوغرىندا گىجە گۆندىز آرمان، يادامان ادن تاغاللار لارى ، غايتادان خالقنىڭ حوزورىنا گىلىپ اۇنى اۆز اۆنسىنە چكىار، حۇرمات سىنلاغ دىيلىاننى اۇران ماھال - ماھال بۇلۇپ دورمالى ، ايل - گۆن اۆز قاهرىمان اۇغول لارى بىلن غايتا - غايتا دان دوشوشىپ، اۇلارنى اۆز باغرىنا باسىپ روھى غالقنىش لارنى سىبىپ بۇلمالى .

بوگۆن بىزە حاللىپا اوسسات نازجان دأدە نىيازى تۆركىم خالقى نىڭ مىللى ھالى - ھالچا ھۇنارى نىڭ ناي باش سىردارى ، تۆركىم گۆل لىرى و ناقش لارى نىڭ تىرىمە ھالى بۇلان سىركردانى سىزىڭ

دۇققا تىنگىزما يىتىرمىك دن دىلمىز غىسغا ، اۇنونىڭ لىرى يىلنىڭ اىچىندە ادن اولى و اگىرت ايش لىرى ، ھالى - ھالچا سىنىڭ تۆركىم ناقش لارى نىڭ پىسىپ سىنى اۇورىن اوسسات حاقنىدا سۆز آچماق غاتى قىن و اۇران آغىر .

تۆركىم خالقى نىڭ خالق دۆرە دىجى ليگى دىمىك شىفاھى ادىبىياتى نىڭ تارىخى موغاللىمى، اوسسات قاقا بدخشاننىڭ حاقنى بو غىسغا سىطىر لىر بىلن بىيان اتمىك ، غاتى قىن . سىبىبى اۇل ايل - خالقى ناھىلى عامىيانە و فۇلكورىك چىشمە لىرىندىن غاننىپ ، دم آلىپ ياشايشىدا اۇل ادىبىياتا سىغىنىپ گۆچ آلتشى يالى ، غانان ، دم آلان ، گۆچ آلان سىردار حاقنىدا يازماق اۇران آغىر .

غىرق ئىلدىن اۆتەر اۆك تۆركىم اىلىنىڭ مىللى و روھى بايلىق لارى اوغرىندا ، چىن يۆركىن ائخلاص گۆركىزىپ ، خالق دۆرە دىجى ليگىنى ايل اىچىندىن يىكان - يىكان يىغىناپ دىترە گۆچىرىن ياش اولى قاقامىز قوربان صحت بدخشان نىڭ حاقنىدا ناچە آيتىساقدا ھىنىز آزدىر . تۆركىم صحرانگ چاركونجۇندە ، غالىبرىسە - دە خوراسان تۆركىم لىرى نىڭ آراسىندا اۇنونىڭ ماخمال اۆكچە لىرى نىڭ ايزى ھىچ ھاجان اۆچمىز . بوگۆن صحرانمۇزنىڭ توتوش مدنى اۇچاق لارى بىر آغىزدان قاقامۇزنىڭ شاننىا شۇھرات دىيىان دىرلر .

قاهرىمان اوسسادىمىز ، گرچك حاللىپامىز ، سارسماز قالايمىز ، شانلى شۇھراتىمىز ، تۆركىم خالقى نىڭ بىيىك سىردارى آنا دوردى عنصرى حاقدا كلام آغىز سۆز آچماق بىزە غاتى قىن . اۇل تۆركىم خالقى نىڭ تارىخى آقنىم لارى نىڭ اۆرەنجى اوسسادى و ھمدە اجتماعى بىيىك موغاللىمى دۇر . قىرق ئىلدىن غۇووراق اۇنونىڭ مدنى اوغرىدا ادن آلا دالارى تۆركىم خالقى نىڭ تارىخىدا اولى بىر حادثادۇر .

سىردار آنا دوردى عنصرى ايران تۆركىم لىرى نىڭ آراسىندا يىلش فرھنگى و مدنى اۇچاق لارى نىڭ اولى ھۇوندارى و عالمى تىرىپە چى سى و اگىرت موغاللىمى دۇر .

كلالە - دا يىلش ماغىتلى غولى جمىعتى اۇنونىڭ و قوربان صحت بدخشاننىڭ ادن كىم دىر ياردام لارنى ھىچ ھاجان - دا بۇلسا اونوتمازلار .

حاللىپا نازجان دأدە نىيازى ، حاللىپا قوربان صحت بدخشان ، حاللىپا آنا دوردى عنصرى شاننىڭ شۇھرات ، شۇھرات ، شۇھرات .

يۇلتۇزىڭىز يۇرتىڭىز ۋە يۇلتۇزىڭىزنىڭ يۇلتۇزىڭىز



عید محمد اونیق

(آیدی شاھەر)

جانكۆيلىرىڭىز تانگىرى يالقا بىرماڭە - دە الى دىگىار. اۇل اۇنگ ھەم استاد لار عبدالله آھنگىرى، مرحوم اراز محمد صحنە و سۆيگۈلى قالامداشئىمىز اراز محمد اراز نيازى يالى صونغات استادلارنى سىلاپ، توى توتۇپدى.

اينە، يەنە دە بو انجمن اوچ سانى حالئىپا مىزى سىلامغا تاييارلانئىپ دور. شونىڭ اوچىن، « اى مىراث چى لار! غۇلئىڭىز بايراق » دىە سىمىز گلىار. بولارنىڭ اۆستە سىنە - دە، تۆركمەن صحرا- دا بىيىك پىراغى اوچىن بۇلگە درجە سىندە توتوليان يىل سايىن تۇيلاردا و گۇرۇلىان چارە لردە مىراثنىڭ غىزىقلى غاتناشنىغى و آيغىت لى غاتانچى بار. بولار دان باشغا- دا بو انجمن تۆركمەنىڭ مدنىت و صونغات بويىسانچ لارنىڭ شۇل ساندان مىرعالى شىرىن، كىمىن ئىن، موللا نىسنىڭ و يەنە - دە شونىڭ يالى سۆز اوستاد لارنىڭ غۇمىرى و دورە دىجىلىگىنى اۋورنىمك ، اۋورنىمك و دوشۇندىرمك اوچىن كىفرانس گچىرمىگىن و سىمىنار غورناماڭىڭىز ھەم كىمىنى غۇيانوق. بولارنىڭ بارىنى - دا بالدېر گۆچۈنە دىيىن يالى، آلتن دىلرنى سچىپ بىتيرىارلار. يۇغسا ايلىڭ تانگىرى يالقاسى دىياماسانگ، مالىە جاھىتىندەن ھۇندارلىق ادیان اداملارنىڭ سانى - دا شىلە بىر كۆپ دال، شۇندان گىل بو قالامداشلار اىگنە بىلن غوبى غازسا لار- دا، روح دان دوشمۇن ايشلە يارلار و جاھاننىڭ گىن دىگىنە و چىندان بىلە نىڭ ھەم تاپىلجاقدىغى دۇلى اينانيارلار. غوبى اۇلارنىڭ بو سۆيىچى اينانچ لارى ، اوچارا غاناتلار و يۇررىگە قىواتلار بۇلۇپ دوشسۇن. يۇل لارى يۇرتىڭىز لى و يۇلتۇزىڭىز لى بولسىن.

حاق سنى ساقلاش ھىجران يىلىندە،
آزاشماغىن يۇلتۇزىڭىز لارنىڭ يۇلتۇزىڭىز،
مىحاببەت جام لارى دۇستۇڭىز غۇلۇندەن
خۇسۇس بۇل، اىچىلار چاغ دور بو چاغلار.
(مختومقلى)

داما- داما گۇل بۇلار دامانلارنىڭ ياغىشى سى دورا- دورا بال بۇلار طاغام لارنىڭ ياغىشى سى دوران لارنىڭ ياغىشى سى دىنچىندەن سۇڭ ھايدادار توران سۇڭ يۇلا دوشىر ياتان لارنىڭ ياغىشى سى.

بىلگىڭ چارخى يامان تىز آيلانيار. ماغىت غولى آيتىش لايىن دىر سىڭ :

« بارىق اورار آسماندا باران اگلەنمىز »

شىلە چاللىق بىلن گچىپ بارىان دورموشنىڭ چىلىغىغا گۇرا چىلىشماق كىر دىسك ، ادىل ذىلى نىڭ آيدىشى دىك :

« دىم شۇ دىر موندان اۋزىگە دىم بۇلماز. »

دىيىمىز بۇلار.

گچىپ بارىان دورموشنىڭ ھەر دىمى نى ھەر سالامى نى سىڭىدىرمان توتماق، اۋونىڭ ھەر اىنىمىنە ھەر چىقىمىغا گۇرا ايشلەمك دورموشنىڭ مانى آغداريان اداملارنىڭ خۇسۇسىيەتلىرىدىن دىر. شىلە ياشاپ بىلىان اداملار پىراغى نىڭ:

« ماغىت غولى عاجاپ اۋنگار دى ايشىڭ

قىزىق دان آغىپ جاھىل بۇلسا ادام زاد »

دىيىپ آخىرلاپ دىن آرزوسىنى دورموشا گچىرىان لىرىڭ خاتىرىدە دىر.

اينە بىزىڭ مىراث آدنى گۇتلىپ ايشلە يان سۆز صونغاتى انجمنى مىز ھەم دۇوردان ، دورموشدان انزدا غالىمان اۋونىڭ طالابىنا لايىق لىق دا كىرەك دىيىپ ايشلە يان انجمن دىر و بىزىڭ يۇقاردا آغزان، بۇلسا دىيىپ آرزولان خۇسۇسىيەتلىرىمىزە بىلەن دىر. يۇغسا اۋن بىر يىل دىيىن لىرى بىر اوزاق واقت خاساپ لانمايار. اۋونىڭ ياشى خۇسۇس بىر مۇچە - دە بۇلان زادى يۇق. شۇندان گىل مىراث شۇ آز واقتنىڭ اچىندە اىيۇم ادىلمە لى ايش لىرىڭ غالاپاسىنى اۋز كىرىشە يۇكلاپ ارايشىنى بىتيرىپ يۇر.

انجمنىڭ اۋز آغزالارنىڭ آنگى نى، دوشۇنچە - سىنى اۋسۇرەمك اوچىن غورىان ھىپتە اۋتورشىق لارنىڭ داشغارى اۋونىڭ ادبىيات و صونغات

۱. ایران تۆركمن لرنىڭ غۇشى دورموشى



حميد كمى

۵۳

ادىبىياتىمىزىڭ اۇسۇش يۇلۇنداقى بۇوت لرىنگ اللى گۇترىمنى (۵۰%) اۇزۇنە خاسلان بۇلسا بىلىكى سىباپ لىر، بىرىنجى دىن شاھىرلارنىڭ كۇپى شىغرىت اوغروندا سۇنگى تۇرىيالاردان پىدالانۇپ اۇز عىلۇم لارنى آرتدىرمايان لارى و پنه بىر طاراپدان اثرلرنى غارامايلاق عامى آدام لار اوچىن غۇشيانلارى دىيىپ دۇشۇنيارىن.

اۇزگريش و تازه لىمىك ياشايۇشنىڭ اساسى شىرطى بۇلسا- دا ھىچ ھاجان آنگسات ىله گىلمان دىر. خاص ھىم ادبىياتدا، ائلايتا ھىم شىغىردا، اۇنگا غارشى بۇلان لار بىر دوروپ دىرلار، سىباپى ائىسان اوورنىش حاضىركى ياغدايتا بىركىشىپ اۇندان آنگساد آيۇرلاسى گله نوق، شۇنىڭ اوچىن ھىم يۇنە كى آدام لار ھىمىشە اۇزگرتىمە دىين مىسلا غارشى بۇلۇپ دىرلار. دۇنيە، طىبعى و جىمىيت چىلىك گۇرۇشىندە اۇزگريش بىلن تازه لىنىپ و پوغتالانۇپ گىليان دىر. اگرده ائىساننىڭ دورموش ياغدايى روى و ماددى تايىدان اۇزگريپ دورماسا، اۇندا ياشامىغى غىئالار.

اۇزگريشە حۇكىمان مىئاسىپ شىرط لىر دۇره مىلى. من بو زادا غارشى دال، يۇنە شىلە شىرط لىر تاييارلانان ماھالى پىترلىك لى پىدالانۇپ بۇلۇپمى؟ يا- دا تازه دىن اويتىگە دىپ دۇرتىمە گىنگىر كىر دىگىن دىيولۇپمى ؟ غۇشى لارمىزدا، اۇز غۇمرومىزىڭ دۇوامىندا

غۇشى آدامزات بىلن دىنگ ياشاشىپ اۇنونگ دويغى بىيانى بۇلۇپ، تارىخنىڭ آقئىمىندا اۇزۇنە ماخسوص دىلىنى و بىياننى تاپىپ، دورموشا گۇرا اويتىگاپ غايدۇپ دىر.

ادبىيات غۇشغودان باشلانۇپ، غۇشى بۇلسا ائانىڭ ماھىرلى ھۇدۇسىندىن يا- دا آجى اۇلۇم لىرە دىن تۇوشوندىن باشلانار. شۇنىڭ اوچىن ھىم ادبىيات تارىخىندا سۇز آچمالى بۇلۇندا غۇشغودان باشلامالى بۇليار. من بو يردە ادبىيات تارىخىن آغتارۇپ دورچاق بۇلاموق، اۇنى اۇز آرايىچى لارنا غۇيولمالى دۇغنا بىر ائىنارنى. يۇنە بىزىڭ تۆركىم صحرامىزدە غۇشى دۇنياسى نىرا گىلىپ چاتان دۇغى و اۇنونگ اۇسۇش يۇلۇندا نۇمە لىر بۇوت بۇليان دۇغنا چالاجا سىر سالاسىم گىليار.

مىنگ پىكرىمچە شو وقت تۆركىم صحرا ادبىياتى سنت بىلن مۇدرىتۇنگ ادىل سىبگىدىندە دارۇپ يۇر. شاھىرلارنىڭ كۇپى فورما و مۇحتوا تايىدان كلاسىك اصول لاردان آيرىلشماغا يۆرك لىنىپ بىلمان دورلار، غىئاناساق ھىم شو اوغوردا كلاسىكى شاھىرلاردان اۇزۇپ ھىم بىلە نۇق لار. بىزىڭ كلاسىك شاھىرلارمىز، بوگۇنكى كلاسىكى غۇشيان شاھىرلارنىڭ كۇپىدىن اپ- اسلى اۇنگە دورلار. ايران تۆركىم لرنىڭ دىلى و ادبىياتى رىسمى صووراتدا اوقادىلمايانى بىزىڭ

تۆركمن سۆزلىرىنە ايچگين دۆشۈنۈپ جايىندا پيدالانئپ
اۈز حالقئ نئنگ روحوئنا جيبس چپر اثرلر دۇرتمە
لى.

شيله كمچىلىك لره غارامازدان حاضىركى زامان تازە
اوصول لارا و تازە ماضمون لارا ايه رىپ غۇشيان
شاهنرلارمئز اۈرآن سىرك هم بۇلسا، بار تالاش لارى
گۇرنگدە گلجك ياقئندا چپر اثرلره دوش گلىپ چئن
شاهنرلارمئزئنگ سانى بارماق باسئپ ساناردان اۈزار
ديپپ ائنانيارئن.



مانى - ماضمونئنى ساداجا چۇزۇپ بريآن بۇلسا، تازە
كى غۇشغولار اۈيلانما حاقي اۇقئجى سئنا بريآن دير.
بيله ياغدايا اۈورنئش لر آنگسات هم اۈندان آيئرلاسى
گلمه يآن ديگى دۆشونكلى. امما بيله زادا بۇيون بۇلۇپ
دورولسا اۈندا دوران يرمىز دىن اۈيئنگه مآن ايسم
اىزا غايئتماغمئز هم مۆمكىن. بو گۆن بيزىنگ دۇره
ديجىلىك لى آدم لارمئز بيرآز عموم حالقدان اۈنگرآك
- ده دورمالى. بيله ديدىگمىز كلاسيك غۇشغولارى
و يادىگارلىك لرى اونوتمالى ديدىگمىز دأل، ايسم
گچمىش دىن اوغور آلئپ ، تازە يۇل لار ائزارلامالى
ديدىگمىز دير. گچمىشى بۇلمادئغئنگ گلجكى بۇلماز.
گچمئش گله چگىنگ ياغتى سالتئپ دوران چئراسى دئر.
اۈسۈش دىبليانى «مرتبه تام» اۈرن يالى دئر. كرپىچى
اۈنگكى كرپىچىنگ اۈستۈنه غۇيۇپ گيدىلىشى يالى
ادىلن ايش لرىنگ اۈستۈن دۇلدورئپ دورمالى دئر.
تازە غۇشغئ آيئتجاق شاهنر حۇكمآن كۇنه غۇشغا
دۆشۈنمه لى. چپر اثرلرى، گچمىشىنى اۈنگات تاناپ
و بىلكى حالق لارئنگ اۈسۈش يۇل لارئنا بلد بۇلان
عالم لار، يازئجى لار ، شاهنرلار و صونغات كارلر
دۇردىن ديرلر.

شۈنۈنگ اۈچىن هم بو اوغوردا اۈزگرىشه قادام
غۇيجاق لارا ياردام اتمك حۇكمآننى ميسال اۈورىلىپ
دور. بولاراكىم لر ياردام اتمه لى؟ بيرىنجى دىن نقد دىين
ميسله سى چئنلاقاي آرالاشمالى و بى طاراپ تانقئت
چى لار عئلمى متود لارا (Method - يۇرلگه لره) ايه
رىپ، بىيلن غوشاپ اۈرتا چئنقالى. غئناساق هم بيزده
نقدىنگ و يۈرك لى تانقئت چىنگ جايى اۈران بۇش
دور. هممايمىز كله آغىرسئز آنگسات يۇلى توتيارئس،
اۈل هم، هر بير غۇشغئنى دىنگلامىز دىن سۇنگ بركللا
ساغ بۇل دىمك دير . بيله زات گرک هم بولسا، اۈته
دۆشمك لىك بير حالقئنگ ادبىياتئنا و مدنىيه تينه زپر
يتىرمه سى هم مۆمكىن. اۈسۈشه اۈوگىنگ گرک
بۇلشى يالى تانقئت - ام گرک دير. اۈل بير طاراپ دان
هم دۇردىجىلىك لى آدم لار بۇلان تانقئت لارى اينگ
مدنىيت لى غاتلاغ حۇكمۈنده پس پاللىك بىلن غارشئ
آلئپ، بللن كمچىلىك لرى گلجكدە دۆزىلتىلى، شىديپ -
ام بيرك - بيرگه ياردام اديپ دورموش اۈسمه لى.

ايكىنجى - دىن بۇلسا ادبى و فرهنگى غوراملار
بيزده بولمادئق مكذب لرىنگ و يۇقار اۈقوو جايلاارئنگ
اۈرنۈن توتۇپ ادبىياتچى عالم لاردان پيدالانئپ ادبى
اۈتورشتق لار گچىرىپ، شاهنرلارى و ادبىياتئنگ
بىلكى پوداق لارئندا ايشله يانلرى سۇنگقى يتىلن
تئورىالاردان و نۇقدائى ناظارلاردان خابارلى اتمه لى.
دىمك شاهنرلارئنگ عئلم لارى و دۆشۈنجه لرى
زامانا گۇرأ تازە لىنپ دورمالى. تۆركمىنگ دىل بايلىق
لارى عئلمى صوراتدا آچئق لانئپ يازئجى - شاهنرلار

« میراث » اوساساحاڭا دال!



غفور خوجە

۵۶

اۇن يىللىق - دا «NGO» لار آرقالى بىترن ايشى نى گۆزدن دۆشۈرۈپ بولماز. البت ھەر بىر حرەكت دە ، تئۈرىك ايدە آل لار بىر مەسلە ، امما اۇنى عامالا آشئرماق باشغا بىرمەسلە. بىلە زادا بىر تئدە ، بىر گىيم بىچىلمە سە ، ھەر بىر حرەكتى گۆزغىئىلغا سالئپ دورماغىئا شك - شۈبھە يۇق. اجتماعى تۇپلوم لارا بىر - بىرى بىلن گۆيچ سئنانشغى حۇكمۇندە دال ايسم شۇل غورامالارنىڭ اىچكى گۆيچۈنى نأھىلىلى داياندئرماق گۆزى بىلن غارالمالى. بىلە زادى دىنگە گۆورأنى اۇنگە برن اغضالار ايشجنگ ھەم حاقئقى (Actual) اۇنگە سۈرۈپ باشارار.

تۆركمەن NGO لار آراسىندا «ميراث» آدىلى يۇرپتە تۆركمەن غۇشغى سى نىنگ گۆيچۈنە - گۆيچ غوشجاق غوراما اۇز دۆزگۆنناماسىئا لايئق لئقدا بىتيرن ايشى كۆپ. بو ۱۱ يىللىق - دا، ميراث اۇز توتانيرلى (Persevere) ماقصادنى اىكى جأحتدن اۇنگە سۈردى:

- ۱- شاھئرلارى غۇشغى وروحي بلىند ليگدە اۇسدۆرمك
- ۲- عموم حالق ادبى و اجتماعى يئغناق لارا دگيشلى حرەكت لر .

ميراث بىرىنجى طاراپدان اۇز شاھئر آغضالارنى ائلايتا تۆركمەن غۇشغى بىلن چمە لشيآن اغضالارئ نئنگ، دىل غازناسىنى بايلاشدئرماق ھەم سۆز صونغاتئ نئنگ تكنيك لرى بىلن آرالاشدئرماقا و غۇشغى دۇنياسىندە روحى بلىنت ليك و ائلهام چشمە لرىنى اۇسدۆرمك اساسىندا حرەكت اتدى . بىلكى بىر تاراپدان عموم حالق آراسىندا، تۆركمەن

بۆتىن دۇنيا حالق لارنىڭ لايئقلى غاتناشغى بو گۆنكى اجتماعى دۆزگۆنلرىنگ انە سى حۇكمۇندە حاساپلانىار . بو اويغون لئغنىڭ اساسىندا عامالا آشئرلان زادلار غاتى كآن. ائىساننىڭ گۆرۈش ھەم دىنگە يىش سئناسىندا دۆرەدىجىلىگە سبأپ بۇلان زادلار كۆپ. حأضيركى عاصئردا حالق لارنىڭ مدنى دۆرلى ليگى نىنگ كۆپديگى ، شۇل موقداردا باى دئغى، ائىسانلانگ يۆركدش ليگى، دۇغانلئغى و حۇكمانى ، بىر دىلدە دالەد ايسم بىر يۆرك دە گۆرلأپ بولجاغىئا، اوغروق دوريجى مەسلە حۇكمۇندە غارالمالى دئغىئا گۆوآ گچيار.

سۇنىقلى دۇورلردە ، بىلە اويغونلئغنىڭ آنگئرسىندا فولكلور، آيدئم ، ساز ، غۇشغى و حكايلار ھەم باى مدنىتىنگ اۆزىن ساياسى نىنگ اوزاپ گىتمگى بىلن بىر حاطاردا ، بۆتىن دۇنيا حالق لارى بىر- بىرىنە ياقئن لاماغى ماقصات ادىنيپ حرەكتە دۇشدى . بو اساسدا NGO لار اينگ يۇقارى ايشجنگ (Active) غۇلداو حۇكمۇندە تاناليار.

بىزىنگ واطانئمز ايران قومى كۆپ يورت بۇلانى اۆچىن ، دورلى - دورلى ليگى بىر يۆرگىنگ گۆرپۆلدۆسىنە سالماغى باشارار. سبأبى حالق لار آراسىندا ائلايتا ھەم دىلى ياقئن حالق لار- دا ، سازلاشئقلى مدنىت بىر - بىرىنى دوز- امكلى غاتناشدئرىپ ھەم بىليپ دىر. بىلە زات اۆزىنۆكسىز ھەم گىنگ مەسلأنى اۇز اىچىنە آليار. دىمك گلجە كدە ائىسان، يۆرك بىرلىگى نى دىنگە اجتماعى و لايئق لى غاتناشئق لاردان تاما اتملى بۇليار.

بو آراچاك دە، ايران تۆركمەن لرى نىنگ سۇنىقلى

مېنىڭ آراجاق مېسئالۇم ھەر شاھىرئىڭ خۇد ئۆزۈڭنىڭ
روھى تاييارلىق لارى، ھەر بىر غۇشغۇسىڭدا گىرک
روھى پورصات لارى . بوزادلارى ھېچ كېم بىر
غورامدان تاما اديبىم بېلىم. بو يالڭىش دۆشۈنچە .
اساسان من غۇشغى ھاقدا ھېچ بىر اوسساحانا
ائىنناميان . مېراث اوسسا خانا دال! بو غارايىش
دۆيۈندىن يالڭىش.مېراثنىڭ بو گۈنكى غاپىسىڭدان
بىر يىگىنچك اديبات سۇيرى گېرىپ، ارتىر شۇل
غاپىسىڭدان بىر شاھىر چىققان. امما دانتي شاھىر بولانى
غۇلداماق ئۇل باشغا بىر مېسئەلە. ھەر بىر شاھىر، بو
روھى باشلانغۇچ حالات لارى ئۆز ايچكى ياغدايى
بېلىن چۆزمە لى. ئۇل روھلايىن ئۆزۈنى آزاد دويمالى.
سببى دۇرە دىجىلىك اوچوشا ، آزادلىغا وھالاص
لگارىگە طاراپ گۇنۈكلى. شاھىر ھەر بىر دۇرە
دىجىلىگىدىن سۇڭ، ايليىدىن آلان گۇز باشىنى ، ئۆز
ھالقتىدان آلان نوسغالارنى ادېل كۆيزانگ پالچىنى
يالى ايلاپ ، يەنە ئۆز ايليىنە دۆلەندىرماقلىقى دويمالى.
شاھىر- لار آراسىندا پىكىر آلتىشماق
و شاھىرانا ھەم ائىسناشنىق لى
غاتناشنىق لار ئۇلارنىڭ روھى
باشلانغۇچ پورصات لارنى
اۋدە ماگە پيدالى دىر. غورامالار
بىلە پورصات لارى دۇرە دىپ،
مۆمكىن لىدىرىپ ، ھمايات و تاغلىم
برىپ ، روھى آزادلىق لارا طاراپ
اوغروق-دوروپ، ائىسان پرورلىق،
اخلاق، سۇيگى، آدامكارچىلىق و
ائىساننىڭ الدن گىتدىر و غازنامالى
ھوقوق لارى ھاقدا، ھاتتا دارىغىلى
ياغدايدىدا روھى اركىن لىك لار بېلىن
دويولىان ، گۇرۇلىان زادلار ھاقدا ناھىلى آچىق و
آيدىنىڭ پىكىر بىلىن دۇرە دىپ بۇلىانلىغىنا ايتىرگى
برىپ بىلر، دىمك بىرغوراما اوڭىلىغا و آيدىنىڭ
پىكىرلى لىگە (Intellectual) ، باشارنىقلىغا ، ايلايىتا
اۋندىرماگە دال - دە ايسم دۇرتما گە غۇلداو بۇلۇپ
بىلر.
ايكىنچى طاراپدان مېراث عوموم ھالق ادبى و
اجتماعى يىغىناق لارا دىگىشلى ھركت ائىدى. مېراثنىڭ
كۆپ يىغىناقلار غۇوى. امما بىرلەن پورصاتدان موندان
كانراك پيدالانپ بۇلجاغىنا گۇز يىتىردىم.
مېراث ھەر بىر يىغىناغىندا بادلى تائىرلر ھاقدا غۇوى
اۋىلانمالي، دىمك يىغىناق لارا بىرلەن روغصاتدان
اۋنگات ھابىرلانمالي. ايليىڭ اۋنگۇندە چىققىش اتچك
شاخصنىڭ گۇۋنى اوچىن صاحنا چاغىرئلمان ، ايسم
ماضمون تايىدان يىتىرچك تائىرىنە باھا بىرلەم لى. ادبى
يىغىناق لار شۇوھونە اۋورولمە لى دال. اينىڭ اساسى
زات ھەر بىر مۇناسىبات اوچىن غورنالان يىغىناق اۋز
ماضمونىندان داش دۆشمە لى دال.
يوقاردا بىللاپ كىچىشىمە گۇرۇ مېراثنىڭ بىرىنچى



دېلىنى يايىانگاندۇرماغى ماقصات ادنلرى، سىلاپ
اۋلانگ شاننىا ھۇرمات تۇى لار توتدولار ، تۆركمىن
- تۆرك دىلى نىڭ اولى سىمىنارنى گىچىردىلر. عوموم
كۆپچۈلىكدە گىچىرىلىان بايرام چىللىق لارا غۇشۇلدۇلار
ھەم سىياحت ماقصادى بىلەن باشغا شىھىرلەدە ياشايان
شاھىرلار بىلەن تاننىشلىق و دۇستلىق غورادۇلار.
يۇقاردىقى آغزالان مېراثنىڭ بىرىنچى
ھركىتىنە نۇدرجە - دە باھا بىر مەك مەك
بۇرجومىدان آغىر. اۋنگا ھالق اۋز بىر مە لى
باھاسىنى بىر. امما بو يردە اۋنىڭ آلتىپ بارىان
آيدىنىڭ ماقصادىنى غۇلداماق ھەم تاننىقت لاما ق و
پىكىرىمە گەن تىكلىپ لرى (بېشىنەد) نىغىتاماق مەك
بۇرجوم دىر. البت مېراثنىڭ بىرىنچى اۋنگە سۆرمە
لى مېسئەلە سى ، تۆركمىن غۇشغى سىنى اۋسۇر مەك
دىمك تۆركمىن غۇشغى سىنى نىڭ ايچكى روھى
دۆنىاسىنى - پىكىر يۇرتىمە سىنى ، پىلىپە سىنى دۆنىا
درجە سىندە و دۆنىا اۋلچك لرىنە لائىق لاشىدۇرماق
دىر. بو ماقصاد اساسىندا مېراث اۋز
آغزالارنى نىڭ دىل غازناسىنى
بايلاشىدۇرماغا ھەم سۆز صونغاتى
نىڭ تىكىك لرى بىلەن آراشىدۇرماغا
چمە لە شىپ بىلىپ مى؟
اساسان ھەر بىر اۋسۇشنىڭ
بارىشىندا (Process) چىققىشىنى
ھەم شاھىر بۇلىشونى اۋلچە گە آلمالى
بۇلسا ، اۋندا من مېراثنىڭ چىققىچى
لارنىا درك بو گىرىدىچى لرى
آزگۇرىان! ناھىلى آز ؟ شاھىر ايلكى
گىرک زاد سۆز و دىل بايلىقى . ايكى
ادىياتچى يا شاھىر بىر- بىرى بىلەن
دوشاندا آزاد- كاندە سۆز غازناسىندا گۇمانىسنىرئىنى
و سۆز قىچىقلىقىنى اينىڭ بۇلمان، ايكى - دە اوچ دە
آرا ايتار. ھاتتا سۆزلۈك لردە تاپىلمايان سۆزلەردىن،
شىوھ سۆزلەردىن ماغنى آغىتارىار، امما من بىلە
قىچىقلىقى مېراث آغىتارىندا آز گۇرىان. دىلىڭ قادا
- دىسۇرلارنى اۋورنىمك - دە بو غوراما - دا اۋز آرا
چىققىش ادىلەن و چاپ بۇلان تىكىست لىر بارمى؟ اۋسۇش
ناھىلى ؟ اۋنگا بىرلىان باھا چىندان ھەم دۆنىا درجە
سىندە و دۆنىا اۋلچك لرىنە لائىق مى ؟ بو اۋن بىر
يىللىق دا ايليىڭ گۇۋونى اۋلاچاق و غوبىسۇندۇرچاق
ماضمون لارا دىگىشلى كىتاپ لار توپارلايىن مېراث
آرقالى اۋز آغىتارىندا چاپدان چىققىپ مى؟ بو سۇراغ
لارا سىنگە دن سىرادىلمە لى.
ھەر بىر شاھىر سۆز بايلىغىندا باشغا روھى
باشلانغۇچ لار گىرک . روھى آزادلىق لار گىرک . البت
مېراث روھى باشلانغۇچ لارى اۋدە ماگە توپولملايىن
كان زامەت چىكىدى . دىنگە دىل باباتىندان دال ايسم
ھاتتا تارىخى و گىچىشى بىلەمكە سىمىنارلار و
يىغىناقلار گىچىردى . بولار توپولملايىن ھركت لىر. امما

اۇنگە سۆرمە لى زادى تۆركمەن غۇشىغى سى نى حاص - دا تۆركمەن دىلى نى اۇسدۆرمەك . ھەر بىر غوراما اۋز اۋسۇشى نىنگ بارشنى اۋل غوراماننىڭ آغزالارى نىنگ تازە چىل لىگى ومودام ايسلاپ دورماغى و گرک زادى نىغتاپ دورماقلىغى بىلن اۇنگە سۆرمە لى . گۇرشۆمىز يالى مىراث « تۆركمەن غۇشىغى سى » اۋچىن غورنالان غوراما . من بو ىردە بىر تىكلىبى آرا آتاسىم گلىار نامە اۋچىن بو غورامانگ دۆزگون ناماسى تۆركمەن غۇشىغى سى باراسىندا بۇلۇپ ،حاتتا برىلن روغصات ناماسى تۆركمەن غۇشىغى سى حاقتا بۇلانى اۋچىن بو غوراما تۆركمەن دىلىندە ادبى و مدنى ژورنال طالاپ اتملى دال؟ اۋزىم آيلىق ژورنال بىلە پورصاتى دىمك تۆركمەن دىلىندە بىر ژورنالنىڭ روغصات ناما برىلمە گىنى باشغا غورامالار- دا گۇزۇم ىتمە سە دە ، دىنگە مىراث انجمنىنە برىلر تامام بار. سىبأبى « آدى اۆستۆندە» دىين لرى. ايسم مىراثا روغصات نامالايىن برىلن آت « تۆركمەن غۇشىغى » حاقتا ايشىجىڭ بۇلماق دالمى؟ ايسم بو اۋن بىر يىللۇقتا اۋنونگ اجتماعى و مدنى سىئناغىندا باھاسى اولى دالمى ؟ كۇنە لرىمىز « آت بۇلماسا يۇل بۇلماز، دىل بۇلماسا ايل بۇلماز» دىيار. گلچك ياقىندا «مىراث» غوراماننىڭ بو تىكلىپ اۋغروندا ادىم اتمە گىنى و بو روغصات نامانى غازانماغا ارچىلىك گۇركىزىمگىنى اۋمىد ادباىن . بىلكى غورامالارنىڭ ھم بو ژورنالى اۋچىنۇلشدىرىمك دە بىر كىمسىز تاقاللا اتمك لرى گرکلى دىر.

ايل - گۆن سىنىڭ آغلاننىڭى ئايىلىسىن
ايل - گۆن سىنىڭ ياداننىڭى ئايىلىسىن
ايل - گۆنە بىر زاتلار غۇيۇپ گىتمە سىڭ
ايل - گۆن سىنىڭ ياشاننىڭى ئايىلىسىن.
(غوم ساغات / آ. آتاباى)

سۇزۆمىڭ سۇنگوندا «مىراث» تۆركمەن غۇشىغى غوراماسى نى اۋن بىر ياشى بىلن غوتلايان ھم بو يىغىناقتا قادىرلانچاق عارضىلى شاحصىيت لىر، اوسسادلار نىازجان نىازى - قربان صحت بدخشان - آنا دوردى غىنصرى نىڭ حوضورۇنا تۆيس يۆركىن غوتلاپ، ايلىڭ اۋلارا لايىق گۇرن حۇرمات تۇيونا بويىسانيان. بو يۇنە كى بىر بويىسانچ دال ، سىبأبى بو قادىرلانماڭ آنگۇرسىندا اۋلارنىڭ اۋن ايكى سۇنگىكى بىلن ايله بۇلان اىخلاصى، يورت مرتبە سى ،دىل غۇرانماسى و خالقنىڭ اولى مىراثى ، چاندى بىل تىك قايتىم غالالارنىڭ برىك غاتلاغلارى گۇرۇنىار.



غۇشغولار





ستار سۇقى

توتاشدى گيتىدى



غارا باشلار آغاردى،
زامان اۇتیشدى گيتىدى.
كركاوئنگ كۆزى يالى،
دۇوران توتاشدى گيتىدى .

اۇغلانلق بير آقئش دا،
يگيت ليك يۆز آچئش دا،
اتوز،قئرق هم آتئش دا،
گچدى قاتئشدى گيتىدى.

آرى لار شيره سۇردى،
غورچوق لار پيله ياردى،
گيجه لرینگ يارى دى
دانگ لار آتئش دى گيتىدى.

ايشلاپ گچدى بير انتك،
الده قالام،گۆز عاينك،
نه دۇن آلدى، نه كۆينك،
«يۇق دا» اۇنگوشدى گيتىدى.

ايل لر آلدى اۇن ماشين،
جاي سالدئلار، ياز - غئشن.

اۇلار كيم كا ايل اوچين؟
يۇل لارى آچدى گيتىدى.

غئش، توموس، گۆيز، باهارد،
چئغلى، اۇدلى، سحرده.
ساوا دى چاي ناهاردا!
ايش باشا دوشدى گيتىدى.

مردانا بۇلدى اۇلار،
پايحاس باشلى اويالار.
داغ لار، باغ لار، غايالار،
سس لندى جۇشدى گيتىدى.

يوك لرى كيتاپ بۇلوپ،
كيتاپ لار اۇوقاپ بۇلوپ،
حكمت لرى چاپ بۇلوپ
ايله يتيشدى گيتىدى.

ساوچى دبير خۇش باشئم،
گۇردوم كى قالام داشئم،
شادلئغئنا قوياشئم
دنگيزه غاچدى گيتىدى.

ایته بومن تۆرکمن



عید محمد اونق



بولوت لار غامسئغئپ آغلاندا قئرق گۆن،
داغلانگ بیلند باشی سووا باتان دا،
آیاق باسارا یر غالمانی یرده،
تولقون لار غومییپ غوم لار آتان دا،
نوح کاکامئنگ توپان لارئن ینگن من.

گۆن دن اوزاق دوشوپ بیر سبأپ بیلن،
بوز آسغئرئپ دمیر قازئق دؤنگان دا،
پازیریکیگ بوز - غارلارئن ینگن من.

گۆنی لیک، دؤغری لئق بازارا گیرپ،
تایاق تانگری لئلار ادن ده سؤدا،
سیاست اؤرنونی آلان دا آلاو
ختتایئنگ هونگار لری نی ینگن من.

آمی نی ، سیبری نی آرقادا تاشلاپ،
گۆن باتارا طاراپ سیل بؤلپ سورئپ،
تورانی دؤره دیپ، ایرانی غورئپ،
خلاپاتئنگ حالال لئغی نی برن من.
اینه بومن
تۆرکمن.

منگ بارمادئق یریم یوق،
منگ گۆرمدیک گۆنوم یوق.
«باشا گلسه گۆز گۆرر»
منگ دورمادئق یریم یوق
اینه بومن
تۆرکمن.

منگ بارمادئق یریم یوق.
منگ گۆرمه دیک یریم یوق.
ایل خانلئغی نی غورئپ،
منگ سورمه دیک یریم یوق.
اینه بو من
تۆرکمن!

تارئخئنگ آشلغاسئندان آشان،
حاکیم لیگی هججیک لئن.
یکه بؤلمان ایل بؤلپ،
یاغی بؤلمان ایل بؤلپ.
آغزی بیرلیک لردن
بارلئغا غووشان.
اینه بو من
تۆرکمن.

اردم لی لیک بیلن اردم لر یایان،
گۆنه سالام برپ الی نی چویان.
منلیگی غورساغئنگ چئغرئندان قوؤپ
یامان نیت لری دوزاقلاپ غویان.
اینه بو من
تۆرکمن.

تارئخئم یوق هیجرت غوپالی باری،
تارئخئم یوق عیسی دؤغالی باری،
منگ تارئخئم آدمیت تارئخی،
ابدیت تارئخی.



رحمانقۇلى توماچ

خازان



بوغۇشغى ازچ اوسسادىنگ شانتنا باغۇشلانىار

اووف ...

هاووپ هاووپ

الینگ ایسانۇق.

آياقلارنىڭدا - دا

ايچىنگە - دە اۇرناپ بارىار بو سۇووق.

دوملى دوشونگ خازان!

كىم مونى يازان.

سارى ساچلى اويام بولودا بوقوب

شاخالانگ ايچىندىن سره تيار اۇغرئىن.

چوپان پاخرام - آ بوياى بۇرا چم

اۇزۇندىن گچىب دىر يىتيرىپ اوغرون.

ائزغىت سىز يىل لىر

يۇزۇنگ يالايار.

گۇزۇنگ آلئىنا

آچ بۇرۇلر گلىار،

سورى تالايار.

انه دن آزاشان گۇنا سىز غوزى

يىلە غۇشوپ سسىن

چىركىن ماله يار.

گىل دۇست ، غۇلايراق گىل!

چۇپلان اۇدون لارمىز

اۆشۈرۈپ بىلە

يىلپايلى...

انتك انتك سۇندۇرمالى بو اۇدى.

يىلئىنچاق بۇلايلى

ارتيره ساغ امان چىقار يالى بىز.



قاپشۇرغى



حاجى مراد آق

شۇنداق چىلى رۇگم كىمسۇن گۇرە مۇق
آلسا غۇشوم اۇنگا باشىم اگىرىن.

يىنە تابشۇرۇن يۇرگ ائىسى سۇن
باش اوجدا اۇتۇران غامغۇن چىراما.
اۇلام يوقا يۇرگ، اۇلام يوقا گۇز
آخ اجىندانمايا - دا آغۇر ياراما.

ياغۇن - دا ياغۇن دور، ياغۇن دور ياغۇن
سۈرچە لىردە ايوانىما دۇلۇپ دور.
آز سۇنگرا آجىغۇن تىتۇر اۇلار
شۇ - دا بىر آز مانگا غايغى بۇلۇپ دور.

يۇغسا - دا شۇل دۇستوم گىلچك شو گىجە،
غايغى اتيان ، كۇچام بۇتىن ائىشۇق سىز.
سۇنگى سالىم لار - دا بىلە ايش لرى
غايغى اتمىگىم - ام بىر آز گىلشيك سىز.

آخ - آخ ! سىندە مەنى دۇشۇنمىسىنگ دە ،
مىنىگ يۇق واقتىما دۇشۇر گىلىشىنگ،
دور - دور، اۇنگا يازغارماغا حاقتىگ يۇق
هەي يۇرگ هەي، ناھىل سىنىگ بۇلۇشۇنگ.

يۇق، يۇق بىر آز هوولۇغمايىن اۇزۇمە،
گىلىشىنگە كۇكلايىن ساغادىنگ كىرشىن،
دور آز سالىم ، گۇللە كىمىن يۇرە گىم
يا گۇچىك مەي ؟ گۇچىن يالى بىر غورشون.

بىرگىچە گىتمىلى بۇلسام خۇشلاشۇپ
كىمە تابشۇرايىن غالان ايشلە مەي ؟
كىمە تابشۇرايىن قادىرنى بىلىپ
غارشۇلاسۇن ارتىر گىلچك دۇيشلە مەي ؟

كىمە تابشۇرايىن ؟ قۇرقى - اۇركۇسىز
يىتتىرمان ساقلاسۇن يازى، دۇرت پاصىل.
ماقصادىم ياپ - ياشىل گۇوين حاقدادىر
داشقى پاصىل گۇرىنگىم دال اصىل.

كىمە ؟ ھايىسى بىر شاھىرا تابشۇرسام،
تۇكىندىك غۇشغى لارمى غوتارسۇن.
اۇز دويغوسۇن مىنگ دويغۇما غارۇپ - دا
يىلدۇزلارى دىنگلە تماگە گىتىرسىن.

ياراوسىز غۇنگىشى مىنگ گۇنلىك درمانىن
كىم بارۇپ آتدۇرار ھەر گۇن واقتىندا.
اى خدائى چاغۇران يالبارغى دۇغام
ياردامىنگ غايغۇرما بارغۇن واقتىندا.

شو گىجە اۇل اوشان چاغانى گۇرسىم
الل لرىنى ال لرىمدە غۇيارىن.
آيالارمىنگ ايسسى سىنى سىنگىرىپ
» بۇليار اۇندا مەن بارىان » دىيرىن.

آلارمىقا، آلمان مىقا تابشۇرغۇم
بىلر مىكا بو يۇكلرىنگ دىگرىن ؟



منصور طبری

موغاللىم



« موغاللىم چىلىق ايشىدىن دىنچ لىق دره جه سینه يتن
حورماتلى آتاما هۇدۇرله يارىن »

ياغىلى لىق ماقصادىنگ اۇنگۇندە دومان،
غاباسا پاىخاسىنگ، قودراتىنگ دويىمان.
پوزارسىنگ گىجانى، ايمانىنگ بۇلمان،
باشىمىز تاج دىر سۇزۇنگ موغاللىم،
اولكأميزمات تاج دىر سىزە موغاللىم.

يۆرك باغلار ساپاق آلمالى بولسا،
سرچه يالى ايردىن تورمالي بولسا،
واطانىم آبادان بۇلمالي بولسا،
باشىمىز تاج دىر سۇزۇنگ موغاللىم،
اولكأميزمات تاج دىر سىزە موغاللىم .

عئلىم آچار عاقلنىنگ، باغلى غولپونى،
بىلىم آيدىنگ يازار، گۆنش حارپى نى.
بىلبىل سايرار، گۆرسە ، گۆلۇنگ گۆركونى،
باشىمىز تاج دىر سۇزۇنگ موغاللىم،
اولكأميزمات تاج دىر سىزە موغاللىم .

غارانگقى - دا آچدىنگ گۆل مكىپ لرى،
غولتوغا آلپ سن اۆزىن دپتى،
بىندىن آزاد ايلاپ آقجا كپدى،
باشىمىز تاج دىر سۇزۇنگ موغاللىم،
اولكأميزمات تاج دىر سىزە موغاللىم.

عئلىم بايداغىنا باشلار انگسىن لر،
تۆم گىجانى آچىپ ياغىلى اتسىن لر،
گلجك دۇوره باشدىر گلجك نىسلى لر،
باشىمىز تاج دىر سۇزۇنگ موغاللىم،
اولكأميزمات تاج دىر سىزە موغاللىم.

چاغلار باغىندا، ائسىنگ سايلانار،
بىلبىل لرسايراشار، گۆل لر پايلانار،
يالقۇمنىنگ سچىنگده، آى هم پاى آلار،
باشىمىز تاج دىر سۇزۇنگ موغاللىم،
اولكأميزمات تاج دىر سىزە موغاللىم.

يرشارىندان كۆپرى غوردونگ آسمانا،
گۆنش بۇلدونگ، يالقۇم ساچدىنگ ائىسانا.
«تۆركمن اوغلى» آلقۇش ات، يۇل ياسانا،
باشىمىز تاج دىر سۇزۇنگ موغاللىم،
اولكأميزمات تاج دىر سىزە موغاللىم.

ياغتا سالغى بردينگ اومىد سىزغوشى،
يازگۆلۇندىن يىغدى، اۆتوردى غىشى.
ائىسانلىق دان يازدى، پۇزدى يالنگىشى،
باشىمىز تاج دىر سۇزۇنگ موغاللىم،
اولكأميزمات تاج دىر سىزە موغاللىم.

سن بولماسانگ



حكيم قزلجه



۶۶

سن بولماسانگ بو دونيانینگ، يۇق گۆنشىنىڭ يالقۇنى
سن بولماسانگ بو دونيانینگ، يۇق ائىسىسى سى، سالقۇنى
سن بولماسانگ بو دريائىنىڭ يۇق، لمبرى، تۇلقونى
بو دونيانىڭ، گۆنشى، سالقۇنى، يالقۇنى سن سىنىڭ.

سن بولماسانگ، بو زمنىڭ يۇق گرديشى، دۇورى
سن بولماسانگ، بو دورموشنىڭ يۇق گۆنگى، اوغرى
سن بولماسانگ، بو آسماننىڭ يۇق، پاتراق يىلدۇزى
دېنگە سن دۇور، اوغور، پاتراق يىلدۇزىم سن سىنىڭ.

سن بولماسانگ، بو دورموشىنىڭ يۇق عاشىغى، عشقى
سن بولماسانگ، عاشىق لاردا، يۇق آيدىم ھم غۇشى
سن بولماسانگ، مندە ھېچ يۇق، سۇيگى جۇشغونى
دېنگە سۇيگىم، دويغۇم، ماغشوغۇم سن سىنىڭ.

سن بولماسانگ، عاشىق يورگلىرىنىڭ يۇق قاھارى، نازى
سن بولماسانگ، دوتارنىڭ يۇق ھىنگى، اوۋازى
سن بولماسانگ، ھى چالئشارمى چار پاصىل؟!
دېنگە بو دورموشنىڭ، گۆيزى، يازى، باھارى سن سىنىڭ.



عبدالقہار صوفی راد

پاشا سُن لار



اوسسات لار «قربان صحت بدخشان ، آنا دوردی عنصری
و نیازجان نیازی» داغی لاری قادیلاپ توتولیان تویا:

صَحرام دا دِرک لنگ ، شوکۆر سانئ بار،
کۆپ گۆرمه سین تانگرنم دانگنم ساز بردی.
غوانئپ الیمه آلدئم قالامئم ،
تارئپ اِسم دییب انچمه مردی .

سۆزی شاهئرانا شیرین لابیئلئ،
دویغئ ننگ اوجاغئ پایخاسئنگ کانی.
شوم ائقبال ایلیمه آبانا بیلمز،
چۆن جۇمارت لار یاغتئلپ دور آسمانی.

ائسانیتیه اویان پریشته صئپات،
مأهیر یۆره گینه ، نورانا یۆزی.
صأحرائنگ سادالئغئنگ، صَحرائنگ گینگ لیگینگ
گۆیأکی دییرسینگ مئثالئ اۆزی .

دیده لری اوممان، دۇستلوق مۇچ اوریار،
ال لری قالام لی ، هانجار یرینه .
سۆزلری اِردیأر، داغ لارئنگ داشئن،
بویروق اِدیأر ، کچ پلگینگ پرینه .

بوشلوق برپ ، گیدن - بیر دۆنیأ دانگئ،
یئلدنزلارا آرقا بۇلیار آسمان چا.
اویانارلار ! آذائنگئ یانگلالت دییب،
شاهئرلارا غۇلتغوبریأر درمان چا.

دۇغام بودور، یاشاسئن لار ، ایل اۆچین،
سایا بۇلۇپ، چشمه بۇلۇپ، چۆغ بۇلۇپ.
کۆپی گۆرن، ساچ آغاردان آقالار
یاشاسئن لار ، مئدام واغتی چاغ بۇلۇپ .



باقمادئق بولسا

باي محمدقليچى



۶۸

اسماعيل غانئنى دۇكردى پۇچاق
جبرائيل غانائتن توتماق بولسا.

فرزند دىيىپ بال غۇشدولار حۇره گنه،
ايكى ليك غالمادى ايىن چۇره گنه.
حيا يئرتتلاردى كۇيىنگ درگنه
يوسف زليخا دان غاچمادئق بولسا.

تانگرم اۋزى دۇوسا منليگ قاپاسئن،
آيئرمق آنگسات دئر يورگ چاپاسئن.
على گۇترمزدى خيبرغايى سئن
رسول خيردعا اتمه ديگ بولسا.

هرهيللى يارانمئش آدم اۋولادى،
كىمسه لرسوو پايلاركيم ياقار اۋدى.
كربلا بيرچۇل ديرغالمازدى آدى
حسين قانى شۇندا آقمادئق بولسا.

هركيم قادام غۇيسا تۆركمن دۆزۆنه،
ايلكى ماغتئم غولى گۇرنر گۇزۆنه.
پئراغى دىيىپ آد غۇيارمى اۋزۆنه
عشق هجران اۋدونى ياقمادئق بولسا.

قليچى چاغئرار يدى ولى نى،
ابوبكر، عمر، عثمان، على نى
همده شفاعاتچى ايسلار نبى نى
هركيم من دى يۇلون تاپمادئق بولسا.

تۇپراق جانلانمازدى تانگرى نئنگ اۋزى
قودرات ناظارييلن باقمادئق بولسا.

عزازيله طوق نعلت دۆشمزدى
حاقئنگ بوپروغئندان چئقمادئق بولسا.

مدام عارشئنگ ساياسئندابۇلاردى،
ايسله گن زادئنى ال سيز آلاردى.

بى گۆمان جنت ده باقى غالاردى
آدام نفس اۋنگۆنده چۆكمه ديگ بولسا.

دۇنياده كۆپ گزدى آقدئرئپ ياشى،
آتا بۇلدى تاپاندان سۇنگ سئرداشى.
اۋلديرى بيلمزدى غارداش، غارداشى
قابئل، هابيل غانئن دۇكمه ديگ بولسا.

حاقا ائنام بۇلماسادى ديلينده،
ابراهيم يتردى نمرود كۆلۆنده.
موسى اولالمازدى غانئم الينده
انه سى درياغا آتمادئق بولسا.

هركيمه يتيشمز حاقئنگ عطاسى،
اخلاصه بريلر ايمان مئتاسى،
اصلا گچيلمزدى يونس خاطاسى
قئرق گۆن بالئق ايچره ياتمادق بولسا.

حاق امرينه مريم آچان سۇنگ غوجاق،
عيسى اۋچين عارشندان گۆندردى ساچاق.



ملھم سیز غارادی، ال سیز سارادی



گلدی محمد (کاکا) محمد امانی

حورماتلی : نیاز محمد محمد نیاز، قربان محمد بدخشان و آنا دردی عنصری
اولی ایلینگ اولی سیلاغنی تویس یۆره گدن غوتلاپ، سیزه هؤدورلنیار.

کۆپ یئلاپ اۆزۆمی ایل ده ییتیردیم،
غام چینآب گیجانی دانگا ییتیردیم،
ایلیمدن اۆزۆلمان ایله سۆیه نیپ،
ینه اۆزۆم تاپنیپ یرنه گتیردیم.

پارخی یوق غنمئنگ، داغ یالی اؤغلون،
یئل لاردان - یئل لارا کۆپ گزک تۇغلان،
اوللاقان کۆپ گۆردوم، گۆرمدم ولی
ایلیندن غانمالی آقتلی دۇغلان.

بیر دۇغومدان غان آغلادی دۇغوران،
چتریمه دی ییلیگیندن سۇغوران،
ملھم سیز غارادی، ال سیز سارادی
آجی نی، سۆیجی نی بیله یوغوران.

دورموشدا هر پیکیر بۇلسا- دا سِردە.
ایل بیله یالانگاچ یاتمالی یرده.
حاسراتلی غۇچماسئن عزیز تۇپراغئم.
درمان بۇل بار واغتئنگ یکە جه درده.

بۇلسادا قارون - دا قئرق دۆیه حؤکۆم،
دۇزماندیر ایلینه کیچی جیک چکیم.
یکە جه اشگنی برن کمینأ
دیماندیر «اشگیم بار دورموش یۆکۆم».

گچیپ باریار عۇمور غارالئپ دۆیت - ده
اوندولیار بیله جه امیلن سۆیت - ده
گچی بر دۇوۆر اۆز اوغرونک بیلن
آنکانی، آنگمانی بیر دملی ایت ده.

گچمە لی



رجب مختوم



اِسسى آيئلان اى ، ائسغىن سىز دويغىم،
سن كۆپ سىناغ سىقۇمىندان گچمە لى.
آيدىنگىلغا يىتمەك اوچىن، بار غايغىم
ايلينگ ائنام ، اقۇمىندان گچمە لى.

سۇيگىم ساز لاشمالى، سالقۇن سايانگدا،
اومىدىم اۇنگمالى ، يوشاق آيانگدا.
حارمان - حارمان هامراقلىغا بايانگدا
اۇنسۇنگ ائىنصاپ، حۇكۇمىندن گچمە لى.

يۇره مىلى يۇلونگ چوقۇر، چاناقلى،
دالجنقما بۇل، مودام آرماز دالاقلى.
بۇلسانگ - دا سن نوردان، يىندام غاناتلى
يىلدۇرئىمىنگ چاقۇمىندان گچمە لى.

انتك زادا، غارچاشماسىن اجه كانگ
جانگى بۇلغون، تۇي - بايراملى كجه بانگ
نالاسىنى حالا، سالىپ گۆجى لآن
غۇزلانگ داراق ، قاقۇمىندان گچمە لى.

آغتارپ تۆركمىنىگ ، كۆپ - كۆپ مۇچه سىن،
سۇنلاپ سۇرلى، باش اىمىز يىكلى كه چه سىن.
سىران اديب كۆچه - باغنىگ كۆچه سىن
كۆنه گۆذر، چكىمىندن گچمە لى.

ماغنتم غولى

عبدالخالق آدمى



سنى ياتلار، گزن داغئنگ، دۆزلرينگ ماغنتم غولى،
باقى نوسغا بۇلۇپ غالان سۆزلرينگ ماغنتم غولى،
تۇپراغئندا اصل يېتىم، ئىزلارئنگ ماغنتم غولى،
يېتىن لىر ئىزىندا غالىدى گۆزلرينگ ماغنتم غولى،
هيچ اونوتمان، غئشا دۇنن يىزلارئنگ ماغنتم غولى.

حاق عشقئندان جۇشا يىتدى، غورساغئنگدا چشمه لىر،
چشمه لنگدن غايناپ ايچدى، حاق عشقئندا تشنه لىر.
پايخاسئنگدان ظالئم لارئنگ، تاغتى لىرزانه گلر،
غۇشغى لارئنگ خاطار-خاطار، عادالات هنگين چالار
عادالاتئنگ عاشغى دور، سازلارئنگ ماغنتم غولى.

عارىپ بۇلدونگ، كامىل بۇلدونگ، گۆزيتيردينگ سىرلاره،
غۇلونگ توتوپ چارىارلار، ييتيردى كۆثر لىر.
همراه بۇلدونگ، رسول الله همدم بۇلغان اره لىر
اۇزونگ نى عارشا چىقاردى، آدئنگ نى عاصىرلارا،
ارنلر پاتا برن، پرواز لارئنگ ماغنتم غولى.

ايل خاريدار سۆزلرينگ، دۆرلى خالعات ياپئلدى،
يۇنه آرمان، انقبالتئنگا غارا دومان تاپئلدى.
اۇردا غۇراپ، هۆجۆم ايلاپ، غايغى، حاسرات دۇپولدى،
يامان فئرقات، آجى آجال، غارشىسئندا اپيلدى
خان اۇنگۇندە اپيلمە دىك دئزلارئنگ ماغنتم غولى.

اويات بيلن غاراب غالىدى، يىنگين ديشلأب منگلى خان،
آرزولارئنگ غارشى سئندا، ظولموني ساچدى زامان.
اهلى ايلينگ غورساغئندا، دىرى سينگ سن بى گۆمأن،
سنگ يادئنگا توى توتوليار، ايل - اولوس لار شاديان
يازا دۇندى غئش، توموس هم گۆيز لرينگ ماغنتم غولى.



اونوتما



ملاتاجی ایزدی نسب

- آخون آقا مئثقال سله اوراندئنگ،
رسول سنتی دیییپ ساقغال داراندئنگ،
دیزدان اتگ اوزین دونا بوره ندینگ
ایله یوزلگ گپلاپ حاقی اونوتما.
- موللا بولسانگ، موللا صئیپات دان غاچما،
عامال باشارماسانگ عاوام دان گچمه.
عئلمئنگ برتوپنگ دور، عئلمئنگ سچمه
ایله یوزلگ گپلاپ حاقی اونوتما.
- غارری بولسانگ ایمانئنگی غایئم توت،
حاق کلامی دارغورساق - دا دایئم توت.
بلند بولما بای - غاریپ مولایئم توت
ایله یوزلگ گپلاپ حاقی اونوتما.
- صوپی بولسانگ بوش گچیرمه نفسی،
غیبات دان دولدورما اول دار قاپاسی.
صوپی لانگ - دا کان ایچنده حاپاسی
ایله یوزلگ گپلاپ حاقی اونوتما.
- حوجه من دیییپ تکبر لیگ بیلدیرمه،
سوئیچک سوزون آیدئپ ایللی گولدورمه.
من غارغاق دیییپ غارغاپ یورگ اولدورمه
ایله یوزلگ گپلاپ حاقی اونوتما.
- ایشان من دیییپ ایل ایچینده آیلانئپ،
مأره کده اوز باش یکه سایلانئپ.
آلا تلپگ گییپ دونا شایلانئپ
ایله یوزلگ گپلاپ حاقی اونوتما.
- یاش اولی من دیییپ ایله باش بولما،
اگر باش بولسانگ - دا حاقدان داش بولما.
هونارئنگه پاحئرلانیپ خوش بولما
ایله یوزلگ گپلاپ حاقی اونوتما.
- بارلی من دیییپ بلند توتما پالینگ،
غازئپ غویاندئرلار دوشچک کالئنگی.
نامشروغا صارپ ایله ییپ مالئنگی
ایله یوزلگ گپلاپ حاقی اونوتما.
- شیخ من دیییپ کیچه لئتمگین سن شیخی،
شیخ لیگی غاوشاتسانگ دورترلر سیخی.
مئدام لئقدا اوسمر یالانچئنگ ریخی
ایله یوزلگ گپلاپ حاقی اونوتما.
- یوزلگ بولوپ اونوداسانگ سن حاقی،
بیلسین سس سیز دگر تانگری نینگ اوقی.
مسلمان آدلی نینگ بولماسون شکی
ایله یوزلگ گپلاپ حاقی اونوتما.
- ملا تاجی یایدئم باشدان آیاغا،
صیپات بریپ بولماز غارامایاغا.
مؤمن بولسانگ اشدیپ گل سن غویاغا
ایله یوزلگ گپلاپ حاقی اونوتما.



طواق خدمتگزار

اوپان



اللايرين بيليمه سريپ گيدن كان
اونسونگ ننه نگ ياتماقلىغى كار اتجك؟
قن ايش لرده تايئن بولما عار اتجك؟

اوسوشينگ دؤورى دىيپ ايمانى ياقچاق؟
دوغرى اوسوش دؤورى اوسمه كليك حؤكمآن
يؤنه اوسمك دؤغرى كان زادى يئقمان.
كان حاقى ايمان، كان يوكى يئقماق
اوسمك ليگينگ دؤغرى بير يورك چاقمان
اۇندا اۇيان ادام ياتما قلىغىنگ عار
ميليون لارچا ادام سانگا انتتظار!

بيليان اوسوش دؤورى، راحت لئق دؤورى،
راحت ياشاما قلىق، ياتماق لئق دؤورى.
ياسالئپ دئر، اولى اؤوادان جاي لار
آپارتمان - ويلا - ينه ساراي لار.
ينه ياسالئپ دئر شيك جه ماشئن لار
دوؤ لار - پژو لار موي جا ماشئن لار.
جت ياسالئپ ائنسان گؤنگه چئقئپ دئر،
سفينه غورولوپ آيا چئقئپ دئر.
يئلدئز لانگ اؤنگينى - سؤنگينى بيليارلر
سئرلارئنگ چونغوردان چونغينى بيليارلر.

آنگئنا گلمه يان زادلار بجرليپ
اوستونگده آبانيار دونيا گؤله ييپ،

يؤنه اوزاغا هم سراتمه ادام،
بوزاد لارى دونيا گؤز اتمه ادام.
غولايئنگدا سئينگ هنيىز - هنيىزم.

طاغا مئنگ ناھيل بشيريلشين بيلمآن،
گه يمينگ ناھيل ديكيلشين بيلمآن.
ھالى نينگ ناھيل دوقولشون بيلمآن،
اوقوونئنگ ناھيل اوقولشئن بيلمآن.
دورموشئنگ ناھيل دويولشئن بيلمآن
هنيىزم كان زادلار بيلمآنى بيلمآن.
يؤره گنى درد باسئپ يئلغريپ گولمآن،
آرزوسى يؤره گده كؤيؤپ گيدن كان



غوشلار - غوشلار



تۇي محمد ايازى

«پارحالتلىق اۆچىن»

يۇل لار كىمە غاراشىيار؟
 بلكى دە مانگا.
 غايغۇم يۇق گىدىسم - دە اگر
 نأزىك بارماق لار بىلن
 دأنە سچىك بىرىسى بار غوش لارا.
 آياز دۆشمان گىجە لردە
 دۇنگان واغتى دامار غان،
 غوشجاقازلانگ غانلارى نىنگ
 دۇنگمايشىنا بگنيان.

من بير سحر،
 پوداقلاردان ساللانئپ دورقا نابات
 غورشون لارئنگ حاكيم ليگىنى آسماندان
 غوشلار ايه بۇلجاغۇنا اينانيان.

دۇلى سالام دورموشا،
 يۇل لار مانگا غاراشىيار،
 آ - غوشلار سانگا.
 انسانۇق اللر،
 اللر ايسانۇق، دىل لر.
 تۆكە نىك سىز دۇنگاقلاردا دوچار چاريانئم
 بورجى باغلانئپ دىر.
 جپاكش ايليمينگ گۇزدە گۇز ياشلارئندان.

هۇولئقما بير آن،
 واغتى دال انتك،
 سرچه غايراتلانئپ
 سچمه لره غانات گريلن زامان
 دۇنگاقلارى اره دىپ،
 حىيال لاردا گۆچرگأن، دۇولر دۇويلن زامان
 تآزه بير نسلينگ دۇغارئنا
 ائنان مهربان!



باي محمدچندري

سئالغ



ھۇدۇرلە يان شائىنگىزا غۇشغىمى،
اينامىنگىز يۈرە ماگە گۆيچ بىر.
غاشىنگىزدا باشىن انگسە سىطىرلم
بىلكى سىزە بىر آزاچىق دىنچ بىر.

اولئنى سئالنى دىيىرلر بگ بۇلار،
بىلە اۇنگات آرامىزدا سۆننت بار.
جۇشا گلدى بوگۈن يىگىت يۈرە گىم،
گۈل تۇپراغىم صأحرام سىزە منت دار.

دگىرىمىندە آغارماندۇر ساچىنگىز،
بو بو سۆزۈمە اولى - كىچى شايات دىر.
ھربىرىندە موشاقاتدان نئشان بار
شونونگ اوچىن يۈرە گىنگىز آباد دىر.

غاررادىق دىيىپ كۇنگلە غايغى كىتىرمأنگ،
دۇغوپ دورقا آق يۈرە گلى غۇچاق لار،
گۈنبە - گۈندىن آرتىار سىزىنگ سائىنگىز
اگسىلمە سىن صأحرامىزدا ساچاقلار.



غوانیان



اوتوز فرهمندیان

آل و - یاشئل اؤسۆپ غونچا گۆل آچان،
گۆزل اولکام غونچا گۆلۆنگه غوانیان.
سۆیجی - سۆیجی سۆزلر بیلن دیل آچان
گۆزل اولکام سۆیجی دیلینگه غوانیان.

سایلاپ سچیب آزاد ارکین یول لاری،
بو یول لاردا برک دن غوشاپ بیل لری،
ارکین لیگه سن چاغریپ ایل لری
گۆزل اولکام من یولونگا غوانیان.

تاریخا سر اتسم بلند انقبالننگ،
بلند انقبال بیلن گچندیر سالننگ.
آلقش دیر آلانننگ، آق بولوپ آلننگ
گۆزل اولکام انقبالننگا غوانیان.

مشهور دیر ساچاغننگ مئهمان اؤنگۆنده،
عاقئل حایران بولوپ غالار گنگینده.
ساحاواتلی الینگ حاتئم دنگینده
گۆزل اولکام من الینگه غوانیان.

فرهمند دیر اولکام سن گلیپ جوشا،
سۆرمه دیر تۇپراغننگ گۆز بیلن غاشا.
ایلینگه غوانیپ سر بلند یاشا
گۆزل اولکام من ایلینگه غوانیان.



خازار شمالی

رحمان بردی میناگر



۷۷

خازار ئىگ اۆستۆندىن اۆسن شىمالىم،
تبسىرگان يۆرگ لىگ تاراسى بۇلغون.
چاشغۇن حىيالىمىنىڭ مۇدارى بۇلۇپ
عالاچ سىز دىرلىرىنىڭ دۇۋاسى بۇلغون.

آق بولوت دى گۆن دۇغارا كىچ شىمال،
توتان يۆرگ لىرە سىرپاي دالىمى سىنىگ.
آرزوۋلانگ دامجاسىن سىپە لە دىنمان
غۇۋشورسىن مۇھىرلى سىنىگ چۇغۇشنىڭ.

دوام ات اۆسۈشنىڭ غوران چۇل لىرە،
دۇلانماغۇن بىك - بىك داغ گۇرىپ.
داغ دۇشۇنىڭ ادىل آق غارى يالى
سىنىگىپ اوغرا غايتا گۆن دۇغار دىيپ.

يىلغۇرانلانگ ساغ بۇل لارنى دىنگلە مان،
سىرپىلمە ئىزنىڭ خازار شىمالى.
اينىڭ سۇنىڭقى گۆزلىر غاراجا گۇزە
باش انكىپ دۇلانغۇن كىدىشىڭ يالى.

يىنە دۇلان شىمال خازار اۆستۆنە،
دۇوام اتلى سىنىگ شىلە گۇرە شى.
مۇھرىنىڭ پايلاپ دۇرت كۆنجۈنە صۇھرامنىڭ
غۇۋشورمالى سىنىڭ سىن بىيىك يىڭشىنى.

شادلىق



اراز محمد آهنگرى

هايسى ناكس غايغى نى بۇلدوردى؟
 هايسى شادلىق آدمى نى گۆلدوردى؟
 بىز بىلىپ - آيتماساق - گپلە مە سك
 شۇل شادلىغۇن سە پە لمسك
 شۇل - شادلىغۇن يادلاماساق دىلدن
 غامدان باسۇلۇپ دورساق ايلدن
 بلىنگ - دۇغانلار، بىزهم ناكس دن
 آدئۇمۇز - اويتگان يالى، سۇزهم، پسدن.

گلىنگ دانمان غايتالاپ گلە يلىنگ،
 شادلىق تۇپلاپ آيلاپ آلايلىنگ.
 شادلىق شايد بىر پارا سۇزدندىر،
 شايد سالام بىر يارا گۆزدندىر.
 گلىنگ شادلىغۇن شايلاپ گلە يلىنگ
 سۇزدن سايلاپ جايلاپ غالايلىنگ
 غاملار كۆپدور غاملار يۇقىپ گۆلە يلىنگ
 سۇزدن آشۇپ اۇوشن بۇلايلىنگ.



آدامكار چىلىكى



حاجى قربان كر

حاقلى دىرىن دىيپ گچمه گىن آشا،
غارشئنگداكى دوران داش دال، يورك دىر.
آغئرما يوره گى باشارسانگ آولا
مرد بولارا نپسىنگ آغئرتماق گرک.

گچرىم لى بول، هوپ لى بولوپ گزمه گىن،
شىدسنگ ياغشى لئغا تئمثال بولارسئنگ.
«بىر» دىينه «ايكى» دىيپ چنله سنگ
اؤزونگ ايىپ تىز سارغارئپ سولارسئنگ.

تورشوتماغئن يوزونگ آچ يازا منگزه،
شو- بادا يوره گىنگ آچئلار دورار.
كىر - كىمسى لر حاپالارئنگ يرينه
يوره گىنگ - ده آدامكارلىك كوك اورار.

غالا بولوپ يوزلئغا، بدليگه
ايل - گونونگه اول- كيچا ياراپ دور.
جان - تئىنگ دن چوغوپ دورسون غوى لئق
ساياسئندا ميوه سینه غاراپ دور.

پارخ غويماغئن بارلى بيلن بارسئزا،
بارى سىنى بىر گوز بيله گوزله گىن.
اولا، اولى بولوپ كيچا، كيچه لىپ
هر هايسى نئنگ اؤز دىلينده سوزله گىن.

ايشين بيتير الدن گلسه هر كيشىنگ،
ساغ بولى ساتماغئن، كوموشه، زره .
كاتّه اجيز بوليار آدام دىيه نى
شوندا دركار اتمز كوموش - ده، سىره .

قائما



ابراهيم بدخشان

من ياپلاندىم ياپراغا ،
 سن غوشاندنىڭ غورشوندان،
 من ياغمىرا سۇيە ندېم،
 سن يىرتدىڭ دا بولوت لارنىڭ ياشماغىن
 ياغى لىغىنىڭ ماساسىن
 اوردۇڭ گۆنۈڭ ارشىندىن،
 غاپى - غاپى آيلاندنىڭ ،
 ھۇدۇر اتدىڭ اولوس ايله گۆن نوروڭ
 آل اسماننىڭ عارشىندىن.

دۆردانە دى سۆزلىرىڭ.
 شۇ گۆنلەر من آق غاناتلى آق غوشدوم،
 اوچدوم، اوچدوم
 آسمان لارا،
 آلس لارا،
 دىگىزىلەر،
 داغ لارا،
 چانگا ،
 تۆمە،
 بوغ لارا،
 اوچدوم چاغ لارا .

« آل آسمان - آل آسمان
 يىلدۇزلاردان دۇل آسمان
 اۇيمۇز چىراسىز غالىدى
 بىز اۇبا بىر گل آسمان.»

سن سايرادىڭ،
 من دىمدىم
 تاس بۇلماقچى اوچورمىم اداملارنىڭ تۇقايىنا
 سن مانگا
 دىنگلە مگى اۋورتىدىڭ،
 واغىتىدا دىمماغى ،
 اۋيا چۆمە گى،
 سن مانگا
 غۇشىغى دان اۋنگ دىنگلە مگى اۋورتىدىڭ.

چۇل لىر آشدىم،
 غوم - غوبارى غالىدى غاراقلارىمدا.
 تۇلقون ياداۋلىغىن دىگىزدىن آلدىم.
 داغ لانگ يارالارى دىرنىق لارنىمدا
 يادلانگ تىكىن لىر آياقلارىمدا
 تۇز يىلە كلىمدە.

آلس لار آيلاندى
 يىنە گلىدىم دۇلانىپ:
 - « مەھرىلى گرشىنگە باشىمى غۇيدوم
 گۆز ياش ادىپ آغلاماسام يار- يار،
 غاناتلارنىڭ يىنجىگىن
 الىڭ بىلەن باغلاماسانگ يار- يار،
 سۇكۇر گۆزىمۈڭ غاراسىن
 دىمىڭ بىلەن چىغلاماسانگ يار- يار.»
 دىيىپ غۇنسام ياننىڭغا
 ياداۋانغما دىنچ بۇلۇپ

سۇڭ غۇلوما غانات بىردىڭ سۇيگۇدۇن،
 يىكۇن - يىكۇن يىلە كلىم آغارتىدىڭ .
 مىڭ ائزىمدا آلالى گۆزلىرىڭ،
 حاقتۇم دا

غوتارسىنىڭ سىن دىدىمى،
شىلە الى املىگى
سانگا تانگىرى بىردىمى؟

ھۇز آغاچا، ھۇز آغاچ
چالئىپ برأى سازجاغاش.
صحراما غارغۇش دۆشدى
توقايلارا غۇش دۆشدى
سنگ غوجاغۇنك ياز آغاچ.

توت آغاچا تودوم بار،
سلىنگ - سايا يوردوم بار.
جىنگىلگە غورچوق دۆشدى
منىڭ تودوم ساغدۇن بار.

توت آغاچىم پايرادىنك،
دوتار بۇلۇپ سايرادىنك.
تۆركمىلرىنك قابىئنا
گىنك صحراما پايرادىنك.

من بۇلسا اۋز تۇسساقتا
آداملاردان آيرادىم.

من ياپلاندىم ياپراغا
سىن سۇيە ندىنك تۇپراغا
يكە ليگمە غاچدىم من
سىن داياندىنك كۇپلۆگە.

من ساز چالدىم،
سازلاشقى سىن اۋزۇنكەن اۋورە ندىم،
سۇز چالامدا
سۇيگۈلرىمى سنگ گۇزۇنكەن اۋورندىم.

يۇنۇپ يۇردۇنك، يۇنۇپ يۇرشۇنك روھومى،
يالىنكشامدا آنگمىسام دا آھنىگى.

سپىرلىرىمىنك پلىك دىلىن چۇلامدا،
غۇشغولارمىنك كۆتك دىلىن چالدىنك سىن،
شۇغرىيە تى سنگ سۇزۇنكەن اۋورندىم.

آلىس لارى آيلاندىم
بوگۇن دۇلانىپ گلدىم.
يۇنە يىنە ياداۋو من،
يىنە چۇلانىق دىلىم.

سپىرلىرمە غۇش دۆشدى
يۆرگمە غارغۇش دۆشدى
بىر دۆشمە سىز دۆشۈندى
گۇزۇمە يالىنكشۇ دۆشدى.

سۇيىگى سۇيىگى سىز غالان،
اىلىم ايه سىز غالان،
تۇلقون يۇلون يىتيرىپ
درىا غاياسىز غالان.

يۇۋىز غالدى دۇورانىم،
يالىنكشۇ بۇلدى زامانىم
اۋى سىز - ايدە گسىز غالدى
خاطاسى كآن ائىسان - ام.

سالغى بر ائىسانىنك اۋيۇنى مانگا،
سالغى بر زامانىنك تە يىنى مانگا،
كۇچە - كۇچە سۇيىگى گۇزلۇپ تاپمادىم
سالغى بر سۇيىگى نىنك كۇيۇنى مانگا.

منك غارانگى قابىئما،
منك غارانگى اۋيوما،
منك غارانگى روھوما،
منك غارانگى اۋيۇمە
يىنە
ساچسانا يالقۇم،
ساچسانا يالقۇم
قاقام.

۱۳۸۴/۷/۷

گىنبد

شاھىر پورگى



غفور خوجە

«چاى باشتىدا بىر صۇحبت دىشلىك دە»

بىرىنچى شاھىر: واخ! آدامدا ايكي يۆرك بولسادى ، بىرىسى بىلن غوى ياشاپ ؛

اۇل بىرىسى غوى غوصصانگى بولسون دىيرىم .

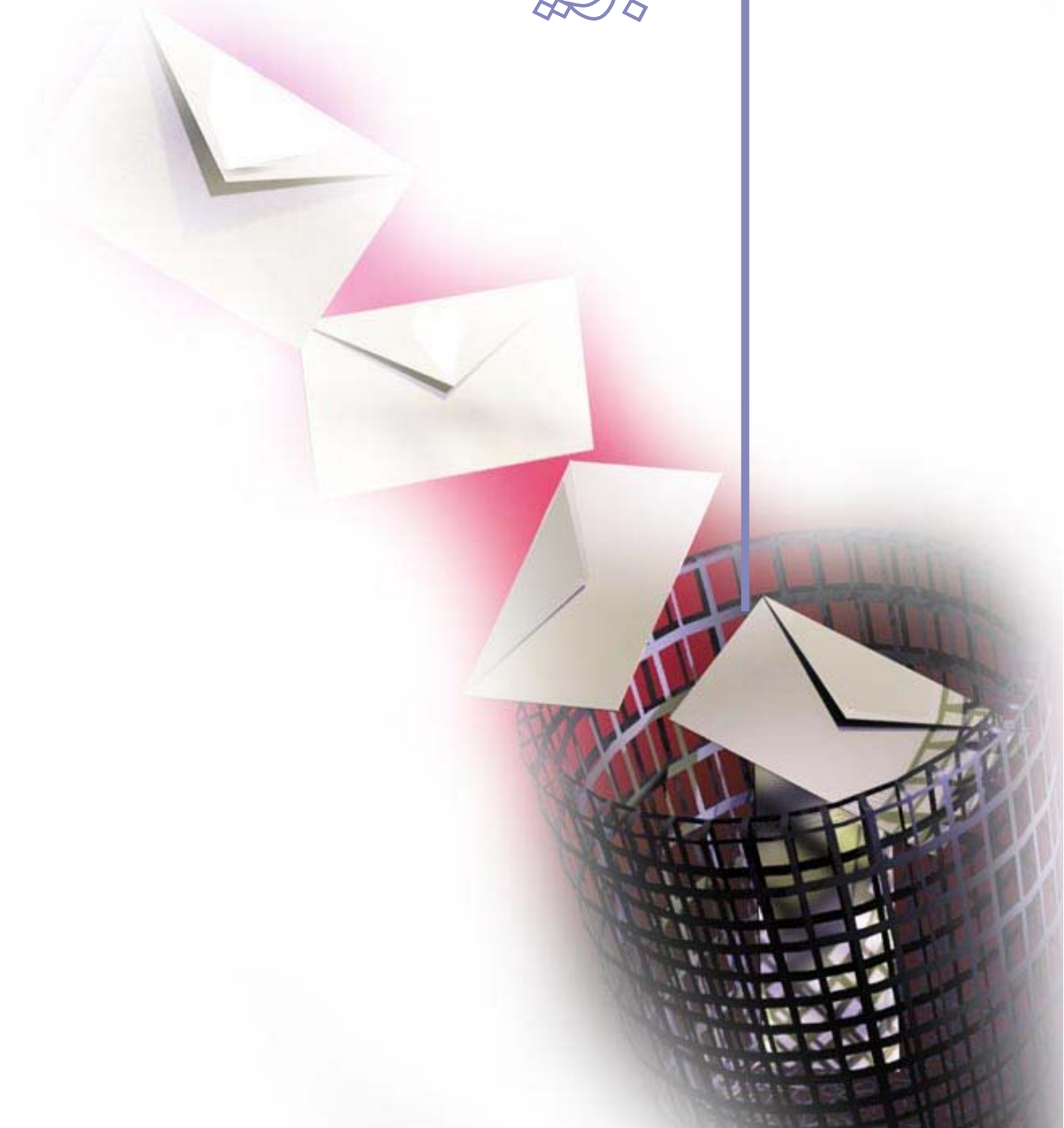
ايكىنچى شاھىر: بىر يۆرك بىلن اۇنگوشسا بۇلار. گل باشقا زاد دىلايلى ، غوى ايل

اۇغول لارنىدان غۇشا - غۇشا بولسون ...

۸۲

يەكە يۆرك بىرلىپ دىر شاھىرا ! بىلىان ايلينگكى دن اۆيتگە شىك دالدير. ينە غاتشمالى ، سىنگمە لى حالقا. آيرى ائقبال لارا غاتششق دالدير . يۇنە كاۋە آغزالاندا غۇصصالانگ، شۇندا سنگ باشلاندا يۆرك غىسمالانگ، بىردن دىيپانسنىگ « واخ ! ايكي يۆرك برىلايسا اينىگ بۇلماندا شاھىرا » اۇنىگ درىگە بۇورك ايكي ،گۇز ايكي ، آياق ايكي، غولاق ايكي ،ال ايكي. بۇورك ايكي بىرلىپ دىر آداما ، بىرى بىلن اۇنگا بىليار،ياشايار، يۇنە اۇل بىرىسين دىلاندە مأتاج دورومسىز دىر! بر،طاغاتى بۇلماز. شوندا سن دىيە رىسينگ «اۇنلارچا بۇورك برىلسە دى ھىچ بۇلماندا شاھىرا !»	گۇزۇنگ ايكي بۇلنلغنا شۆكورات! غاراپ بۇليار ياغتئلغنا ، تۆملۆگە. آياق ايكي بۇلنلغنا شۆكورات! بارئپ بۇليار اۇقيان لارا- چونگلوغا. غولاق ايكي بولنلغنى اۇنگات زات ، اينجالارسنىگ آيدىم لاردان، سازلاردان. اينىگ ايكي بۇلنلغنى آداما قووات برىپ، تشنە يرى غاندئرار، چشمە لردن ،باھارلاردان، گۆلزاردان. بارئسنا حۇكى رووان بىر يۆرك ياشايشى سازلاشغنا گتيريار. جودا وظيپە سى آغئر بولسا- دا ، اولى ايلينىگ ھم اۇز روحوون گۇتريار. آ- سن يەكە يۆرك بىلن دۇغولدىنگ، يەكە يۆرك بىلن اۇنگمالى شاھىر! غوصصاسنى ، غامخانانگدا اتبريانگ ، شاتلغنى نى بۇلسا بىلە پايلاشيانگ ، دۇست - يارنىگا اولوس ايلينىگە بريانگ .	خاص مانى دان دۇلدورمالى دۇلمالى ، خاشال اوتدان دال دە ! اولى غۇم لاردان! اۇنى ھىچ بىر گۆيچە ازديريپ بۇلماز داراجىق غورساقدا ير برىپ بۇلماز ! اولى ميدان لاردا اولالار گيدر ، اۇرون تاپار اۇران - اۇران گينىگ يردن. گينىگ دىراول؛ آق يايلا منگزش دىر رنگى شۇنىگ اوچىن غارالان دوماننا خانجار، گينىگ دىراول؛ گۇورلأن بولودى سانجار . ياغدئرار ياغئشى قانگقئران صحرا، تشنە بالدىراقلانگ دۇيىونە دۇلار ، تشنە مارال لارنىگ گۇزۇندە غالار، شۇل اولى ميداندا اولالشى دە بين اوچ - غئراسئز گۇز یتيم دە اولالار .
--	---	--

تبریکات





اسدا له مردانی (نویسنده و پژوهشگر مردم قشقایی - شیراز)

زندگی و مفهومی توأم با شور و عشق عالمانه

از امیر حسین آریانپور استاد دانشگاه و جامعه شناس مردم دوست پرسیده اند: «...دیگر به چه کاری مشغولید؟ پاسخ داده اند که: می خوانم و می نویسم و به زندگی مفهوم می بخشم»
چهار دهه فعالیت فرهنگی و هنری اساتید نام آور ترکمن «آقایان نیاز محمد محمد نیازی پژوهشگر فرش ترکمن، قربان صحت بدخشان پژوهشگر ادبیات عامیانه مردم ترکمن و آنا دردی عنصری محقق و مورخ تاریخ ترکمن درود بیکران باید فرستاد که اینگونه به زندگی مفهومی توأم با شور و عشق عالمانه بخشیدند.



دکتر عبدالرحمن دیه جی (مدیر مسئول هفته نامه صحرا)

چه نیکو و غرور انگیز است که بزرگان خود را پاس می داریم

که با کلیشه شکنی و دستیابی به زبانی نو چه در عرصه شعر منظوم و چه شعر نو گامهایی بس درخشان برداشته اند که بی شک به هر زبانی اگر ترجمه شوند نگاههای کنجکاو ادیبان را متوجه ترکمن صحرا خواهند کرد. انجمن میراث گنبد در زمینه بزرگداشت بزرگان نیز بسیار موفق عمل کرده است. بزرگداشت حاج مراد دوردی قاضی، قربانگلدی آهونیر، بزرگداشت سه شاعر دیگر ترکمن: اراز محمد اراز نیازی، عبدا.. آهنگری و عراز محمد صحنه.

و اینک بزرگداشت سه اهل ادب گرانسنگ دیگر: استاد آنادردی عنصری، استاد قربان صحت بدخشان، استاد نیازمحمد محمدنیازی. سه اهل قلمی که عمر خود را فدای فرهنگ و ادب ترکمن کرده اند، در روزهای سخت پراکندگی ادبی میدان ادب ترکمن را خالی نکرده اند و در روزهای انسجام نیز سایه شان بر سر نو قلمان بوده است.

چه نیکو و غرور انگیز است که بزرگان خود را پاس می داریم. انجمن میراث با این گامهای خود حامل این پیام جدید است که در ترکمن صحرا دیگر دوره مرده پرستی گذشته است و بزرگان خود را به گاه حیاتشان با تکریم و احترام خود آب حیات دیگر می بخشیم.

از صمیم قلب مراسم بزرگداشت سه بزرگمرد ادب ترکمن، استاد قربان صحت بدخشان، استاد آنادردی عنصری، استاد نیازمحمد محمدنیازی و همچنین یازدهمین سالگرد تاسیس انجمن شعر و ادب میراث گنبد را به آن فرهنگ پروران دیارمان تبریک می گویم و به تمام دلسوزان فرهنگ و ادب ترکمن صحرا که طپش پر خروش قلبشان را از دور نیز می شود احساس کرد درود می فرستم.

دهه گذشته برای فرهنگ و ادب ترکمن دهه خوش یمنی بوده است، دهه شکل گیری و باروری انجمنهای ادبی و فرهنگی فعال و پویا که جوانان روشنفکر و نواندیش ترکمن پایه های آن را شکل داده اند. با نگاهی به دهه اخیر و فعالیتهای انجمنهای ادبی و فرهنگی ترکمن در می یابیم که در هیچ برهه ای از عصر معاصر فرهنگ ترکمن شاهد چنین گامهای ادبی و فرهنگی جسورانه ای از سوی اهل قلم این دیار نبوده است. پا به عرصه گذاشتن شاعران جوان و خلاق که شعر ترکمن را با استناداردهای ادبی جهانی وفاق داده به خلق آثاری با زبانی مدرن پرداخته اند، نویسندگانی که با آفرینش داستانهایی به انعکاس زندگی ترکمنها در گستره کشور پرداخته اند، آنچنان که امروز در سطح ادبیات داستانی کشور قصه های ترکمنی برای اصحاب قلم بسیار مأنوس و آشنا هستند.

بی شک این دستاوردهای ادبی نتیجه تلاشهای فردی نمی تواند بود و بازده تلاشهای گروهی جوانان ترکمن است که در سایه همبستگی و همدلی و درک متقابل آنان وهمفکری و نقد و تجزیه و تحلیل منطقی شکل می گیرد.

از میان انجمنهای فرهنگی ترکمن صحرا انجمن شعر و ادب میراث گنبد در دو زمینه بسیار موفق عملکرده است و به قولی از دیگران یک سر و گردن بالاتر بوده است. یکی زمینه شعر است و دیگری برگزاری مراسمهای فرهنگی. با وجود کمبود امکانات و ضعفهای مادی که گاه نشیبهایی در روند فراز آن پیش می آورد، این واقعیت را نمی توان انکار کرد که انجمن شعر و ادب میراث در سالیان گذشته در گستره گنبد کاووس موج شعر جدیدی ایجاد کرده است که نشانگر طلیعه نوینی در افق شعر ترکمن صحرا است، چهره های جوانی

انجمن میراث گنبد و بزرگداشت خادمان فرهنگ ترکمن



حمید کمی (سر دبیر هفته نامه صحرا)

تمام متمولان و کسانی که ارزش کارهای فرهنگی را می دانند و دستشان به دهانشان می رسد خواهش باید کرد که این انجمن را از حمایت های مادی و معنوی خود بی نصیب نگذارند.

امروز انجمن شعر و ادب میراث، در راستای وظایف فرهنگی خود از سه نفر عزیزی تجلیل می کند که بحق، آنها سهم بزرگی در رشد و شکوفایی فرهنگ و هنر ما ایرانیان ترکمن دارند.

جناب استاد نیازمحمد نیازی؛ پدر فرش ترکمن با بیش از نیم قرن فعالیت مستمر و خستگی ناپذیر در حوزه فرش ترکمن بسیاری از نقاط تاریک این هنر را به جهانیان روشن کرد و با کارهای علمی خود این فرش را با سلايق و نیازهای بین المللی سازگار نمود. بدین ترتیب تحول بزرگی در این صنعت بوجود آورد. حال به ضرس قاطع می توان گفت که نام پرافتخار نیازمحمد نیازی بصورت تغمای پر رنگ بر کنج فرش ترکمن حک شده است و این افتخار بزرگی نه تنها برای ما، بلکه برای تمام ایرانیان است.

استاد آنادردی عنصری و استاد قربان صحت بدخشان بیش از سه دهه از عمر پر برکت خود را برای معرفی ادبیات، تاریخ و فرهنگ عامیانه مردم خود اختصاص داده و در این حوزه کارهای ارزشمندی را به جامعه تقدیم کرده اند.

این سه انسان بزرگ به مانند هنرمندان مردمی دیگر، بدون هیچ ادعا و چشم داشتی صرفا برای ارتقاء فرهنگ مردم خود و برای دل صحرایی خود کار کردند و در کنار آن از فعالیت های اجتماعی و شرکت فعال در نشست ها و جلسات کاری انجمن ها و تشکل های فرهنگی کوتاهی نکردند. هر کدام در حوزه تخصصی خود پایه های قابل اتکایی برای جوانان بوده و هستند. امیدوارم سال های آتی نیز با شادابی و سرزندگی به آموزش و ترویج فرهنگ و هنر مهجور ترکمن صحرا بپردازند.

امروز به جرأت می توانیم بگوئیم این بزرگواران والامقام چه در حوزه کاری و چه در حوزه اخلاقی و اجتماعی افتخاری برای ملت ماست. از این انسان های وارسته تنها به عنوان هنرمندان شایسته تجلیل نمی کنیم بلکه اینان علاوه بر اعتبار علمی و هنری، ارج و منزلت اجتماعی نیز پیدا کرده اند. و این دلیل ماندگاری آنان در حافظه تاریخی مردم ما خواهد بود.

لازم است از تصمیم تحسین برانگیز اعضای انجمن شعر و ادب ترکمنی میراث و ریاست محترم اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی گنبد در جهت تجلیل و بزرگداشت از این استادان و زحماتشان عرصه فرهنگ و ادب تشکر و قدردانی گردد.

بدینوسیله به نمایندگی از هفته نامه صحرا و هیئت تحریریه آن، ضمن تبریک یازدهمین سال تولد انجمن میراث گنبد، نهایت تشکر و قدردانی خود را از برگزاری بزرگداشت برای سه ستاره پرفروغ آسمان فرهنگ و هنر ترکمن صحرا به برگزارکنندگان آن اعلام دارم و برای این عزیزان و برای تمامی کسانی که در جهت رشد و تعالی فرهنگ ملت ها تلاش می کنند، آرزوی طول عمر با برکت و موفقیت روزافزون داریم.

نهادهای مدنی و تشکل های غیر دولتی به جهت ماهیت مردمی خود بیشترین تأثیر را در رشد و توسعه دارند و به دلیل داوطلبانه بودن فعالیتشان هزینه کمتری تحمیل می کنند. همچنین راحت ترین تعامل را با قشرهای مختلف جامعه به نمایش می گذارند، بحدی که امروزه نقش و تأثیرگذاری NGO ها و میزان رسمیت بخشیدن به آنها، ارتباط مستقیمی با توسعه جوامع دارد. به همین دلیل کشورهای توسعه یافته سعی می کنند با بها دادن به تشکل های مردم نهاد، از پتانسیل های موجود در آن نهایت استفاده را به عمل آورند تا در کمترین زمان به اهداف برنامه ای خود نائل آیند.

شرط اصلی استفاده از توانمندیهای بی بدیل تشکل های غیر دولتی، بها دادن به این نهادها با تفویض برخی اختیارات دولتی می باشد. نهادهای غیر دولتی در واقع مردمی هستند که بصورت منسجم و سازمان یافته ضمن مشارکت در تصمیم گیری های حاکمیت، مطالبات خود را نیز از طریق قانونی پیگیری می کنند و در صورتی که نگاه دولت ها به این نهادها نگاهی مثبت باشد و آنها را رقیب خود ندانند، می توانند کمک حال آنها در پیشبرد برنامه های توسعه ای کشور باشند.

انجمن شعر و ادب ترکمنی میراث به عنوان یک تشکل فرهنگی خودجوش و غیر دولتی در طی یازده سال گذشته نشان داده است که مسائل فرهنگی و ادبی ایرانیان ترکمن را با دلسوزی خاصی تعقیب کرده و در این راستا موفقیت های زیادی را در کارنامه خود به ثبت رسانده است. نباید فراموش کرد که حمایت های قابل تقدیر اداره ارشاد گنبد با مدیریت جناب داورزنی در موفقیت های این نهاد فرهنگی مؤثر بوده است. البته حمایت و مساعدت دولت به نهادهای مدنی شرط اصلی موفقیت آنهاست. لازم است این حمایت ها نه بصورت موضعی و بخشی، بلکه تبدیل به سیاست کلی دولت ها گردد. این موضوع را تجربه انجمن میراث در تعامل با اداره ارشاد بوضوح نشان داده است و می تواند برای بخش های دیگر حاکمیت، راهگشا باشد.

در کشور ما، به دلیل نوپا بودن نهاد های غیر دولتی به صورت نظام مند و سازمان یافته، از نقابسی هم رنج می برند. قطعاً انجمن میراث نیز از این امر مستثنی نبوده و در طول این یازده سال فراز و نشیب هایی هم داشته است و به نظر حقیر انجمن میراث چنانچه قدری از عوام گرایی فاصله بگیرد، می تواند موفق ترین تشکل های غیر دولتی در ترکمن صحرا باشد. با این حال نیز در برآیند کاری، انجمن از سازمان های مردمی موفق در منطقه ما می باشد و این را به تمام اعضای آن از صمیم قلب تبریک می گوئیم.

برای یک سازمان فرهنگی غیر انتفاعی یازده سال فعالیت داوطلبانه زمان کمی نیست و اینکه بعد از این همه سال هنوز سرپا ایستاده و به فعالیت های خود ادامه می دهد، جای تقدیر و تشکر دارد و بر اعضا و مدیران آن دست مریزاد گفت. و از

میراث و مراسمی درخور توانش هرچند اندک ولی بسیار بزرگ و پر معنا



یحیی یاری

اؤزینگه کملیک بیل آیدمان اؤله نینگ
تاراشلاپ شاغلانغل کؤنگله گله نینگ
سندن سؤنگقی لارایادیکار بولار.

استادگرانقدر جناب آقای قربان صحت بدخشان که ادبیات و تاریخ شفاهی ایل تبارش رابه خوبی می داند و داستانها و حکایاتی از قبیل گؤراوغلی، زهره طاهیر و هودی ها را استادی بزرگ است. و در هر محفل ادبی خود دایره المعارف ادبیات ترکمن است و افتخاریست بزرگ. به یاد شاعر کریم قربان نفس اف؛

لاوریات قاهرئمان آدلی بؤلسانگنر
شؤهراتیم دیر، سیز شؤهراتلی بؤلسانگنر
یؤنه آدم دیین آدلی بؤلسانگنر
شؤندان بییک آبرای شؤهرات کؤیسه من .

براستی که در تاریخ - هنر و ادبیاتمان هر سه تن از اساتید نقش بسزایی را خلق نموده اند و شاگردانی خود را موظف نموده اند تا تقدیر و تشکری نمود ه باشند از زحمات این اساتید و به پاس زحمات این عزیزان بخشی ها خواهند خواند ، شاعران خواهند سرود و مورخان خواهند نوشت و دستانی این زحمات را تحسین خواهند کرد و برای انجمن شعر و ادب میراث ترکمنی نیز افتخار بزرگی است که هنرمندان و اساتید و فرزندان را اینگونه می ستاید و مراسمی درخور توان خود را هرچند اندک ولی بسیار بزرگ و پر معنا برگزار می نماید .
با سپاس از سایر دوستانی که این مراسمات را پی میگیرند و قدر می نهند .

با تبریک یازدهمین سال تأسیس انجمن شعر و ادب ترکمنی میراث و بزرگداشت خدمات ارزنده سه تن از اساتید پرتلاش و خستگی ناپذیری که یکی از هنر نقش قالی می نگارد و آن یکی تاریخ می جوید و دیگری که حرفهای زیادی از ادبیات شفاهی ایل و تبار خود برای گفتن دارد .
هنر ، تاریخ و ادبیات که هر سه مقوله در فرهنگ غنی ترکمن هر کدام جایگاهی خاص دارند .

نحوه ی هستی آدمی و فهم اواز گذشته آغاز می شود به نحوی که نقشهای قالی و قالیچه حتی نمذ ترکمن نماد جریانات و حوادثی بوده و تاریخ نگاران و سیاحان بزرگ جهانی بر آن صحنه گذاشته ، سطرها و کتابها نگاشته اند ، گذشتگان قوام بخش فرهنگ ، سنت و هنر ما هستند. و زندگی ما با این تاریخها و هنرها عجین گردیده است . زحمات استاد نیازی هنر بافتن نقشهای زرین و ریز بافت دختران صحرا را که از گذشتگان نشان به ارث مانده است بر روی ورقهای (شطرنجی) پیاده نموده و بر موزه های جهان به نمایش گذارد .

براستی که این استاد فرزانه زحمات و هنر دستان پینه بسته ای را که صدای شانه های قالیهایشان درون آلاچیقهای صحرا با هودی ها و صدای سم اسب های صحرا همنا می شد به نسلهای بعدی آموخت ، به قولی به هنرندسه قالی و قالیچه حساب آموخت . براستی که تاریخ نام وی را در بهترین صفحاتش و در بزرگترین کتابخانه های جهان جای خواهد داد و استاد آنا دودی عنصری که در ادبیات تاریخ ترکمن ترجمه ها و تحقیقات فراوانی دارد و مقالات پرمحتوا و پربارش در نشریات داخله و خارجه به چاپ رسیده و همواره تلاشهای فراوانی در این زمینه دارد .
مختومقلی سؤزله هر نه بیلینگ

چهره های ماندگار ...



امانقلیج سخاوی

یازدهمین سالگرد تأسیس انجمن شعر و ادب ترکمنی میراث به سرپرستی آقای منصور طبری کارهایی ادبی و هنری و برگزاری مراسمی نیز جهت قدردانی از خدمات نویسندگان شاعران ، هنرمندان به نام های چهره های ماندگار برگزار خواهد شد. ضمن سپاس بر خود لازم می دانم به عنوان یک فرد کوچک جامعه ایران اسلامی به آقایان آنا دودی عنصری و قربان صحت بدخشان و نیاز محمد محمد نیازی بعنوان استاد فرش ترکمن تبریک بگویم. خداوند یار و یاور آنها باشد. که در آینده نیز برای پیش برد ادبیات و فرش ترکمن کوشا باشند.

شخصیتهای بزرگوار سرمایه ها و استوانه های علمی فرهنگی و هنری

اعضای نشریه فصلنامه میسکین غنلیچ آجان سنگرلی شهرستان کلاله

در هر برهه ای از زمان بنا به ضرورت ها و شرایط فرهنگی و ادبی، نهادها و تشکیلاتی مردمی جهت احیاء و زنده نگهداشتن آثار فرهنگی و ادبی خلق خویش متولد می شوند، رشد می کنند و اثرات با ارزشی از خود به یادگار می گذارند. یکی از این نهادهای فرهنگی که در ترکمن صحرا تشکیل گردید و توانست در قلوب مردم جای گیرد، انجمن ادبی میراث شهرستان گنبد کاووس می باشد. و اینک که به مناسبت یازدهمین سالگرد تأسیس این انجمن مراسم بزرگداشتی برگزار می گردد. ضمن ارج نهادن به فعالیتها و تلاش های دلسوزانه آنان از صمیم قلب تبریک

و تهنیت عرض نموده و تداوم فعالیتهای انجمن میراث را از درگاه خداوند متعال مسئلت می نمایم. همچنین از آن جاییکه همزمان با این گرامیداشت از استادان عالیقدر ۱- آنا دودی عنصری ۲- قربان صحت بدخشان ۳- نیاز جان محمد نیازی تجلیل به عمل می آید. فرصت را غنیمت شمرده نکو داشت آن شخصیتهای بزرگوار را که از سرمایه ها و استوانه های علمی فرهنگی و هنری و از چهره های ماندگار آسمان علم و فرهنگ ترکمن صحرا بشمار می آیند، تبریک گفته و برای عزیزان طول عمر با عزت و توفیقات روزافزون آرزو می نمایم.

انگار همین دیروز بود ...

هادی خرمالی

انگار همین دیروز بود که در کتابخانه عمومی شهر، اولین روزهای تأسیس انجمن را می گذراندیم. دوستان آمان قلیچ شادمهر، عراز محمد عراز نیازی، محمد آتابای، منصور طبری، حضور گرم استاد فقید مرحوم قربان گلدی آهونبر به بحث و تبادل نظر روی مباحث کاری و شعر ترکمن می پرداختیم. یازده سال سپری شده است. یک عمر گذشته است. اما انجمن در این مدت خوب رشد کرد. و با همکاری و فعالیت اعضاء جدید و شاعران جدید و حمایت های معنوی پژوهشگران همچنان در حوزه فرهنگ و ادب ترکمن فعال است. و چه زیباست که جشن یازده سالگی انجمن میراث با مراسم نکو داشت سه تن از پژوهشگران خستگی ناپذیر عرصه فرهنگ و هنر ترکمن اساتید ارجمند نیاز محمد محمد نیازی- قربان صحت بدخشان و آنا دودی عنصری گرمی و صفای دو چندان بخود گرفته است.

این اقدام بجا و شایسته را به همکاران و دوستان در انجمن میراث از صمیم قلب شاد باش گفته و به همگی دست میرزاد می گویم.



یازدهمین سالگرد انجمن شعر و ادب میراث مبارکباد

حاجی محمد کر



یازدهمین سالگرد انجمن شعر و ادب میراث به شاعران و نویسندگان و گویندگان مبارکباد.

انجمن در طول سال فعالیت چند ساله خود، فراز و فرودهایی داشته است. برجسته‌ترین مشخصه انجمن، گردآوری شاعران و ادب دوستان بوده و هست و بررسی و نقد شعر و تبادل نظر، از مهم‌ترین رسالت انجمن بشمار میرود. در سالهای اول تشکیل، اعضاء انجمن، با صمیمیت و همدلی و رعایت احترام نسبت به هم، با نقد و بررسی شعر شاعران، باعث اعتلای شعر ترکمنی شد. بطوریکه چندین نفر، از بوته نقد پیشکسوتان پیروز بیرون آمده و امروز از شاعران بنام ترکمن صحرا شناخته می‌شوند، این حرکت، رفته رفته، رنگ باخته، و شعر شاعران کمتر به نقد کشیده می‌شود. شایسته است دوستان، و شاعران جوان با جسارت نسبت به قبول نقد شعر خودشان با نقادان رفتار نموده و از تجربیات آنان بهره‌مند گردند.

جنبه دیگر فعالیت انجمن، بزرگداشت شاعران معاصر و شاعران و هنرمندان در حال حاضر ترکمن صحرا می‌باشد، که در چندین مراسم، این امور بخوبی انجام شده و میشود.

در طول فعالیت چندین ساله انجمن، از لحاظ مدیریت جلسات بررسی شعر شاعران و اجرای مراسم، متأسفانه، مدیریت از خرد جمعی اعضاء کمتر بهره می‌گرفته بطوریکه در سالهای اخیر، جلسات انجمن، از شور و شوق ایام سالهای اولیه کاسته شده بود، بنظر میرسد، مدیریت جدید، با قبول انتظارات و پیشنهادات اعضاء خواهان مشارکت بیشتر اعضاء در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری میباشد.

این نگرش را به فال نیک می‌گیریم، و برای دوستان اعضاء انجمن در انجام فعالیت اصلی خود یعنی نقد و بررسی شعر و استفاده از نظرات و پیشنهادات سازنده اعضاء انجمن موفق و مؤید باشند. در خاتمه، به اساتید عزیز نازمحمد محمدنیزی استاد فرش ترکمن، قربان صحت بدخشان و آنادردی عنصری از محققین عرصه شعر و ادب ترکمن این روز را تبریک گفته و آرزوی طول عمر و بهروزی بر ایشان دارم.



سئالام تۇيى، خالقنىڭ يادىدىن چىقماقچاق ھادىئەلەر

بندرتۆركمىنىڭ چاۋۇش صحرا جىمىيىتى

كىمىلەر سىنىڭ تالانتىنىڭ ناغىتى بىلەر ،
ناغىتى بىلمىسە دارىقما دۇست ، واغىتى بىلەر .
بوغلانان پالاۋىڭ داتمان تورىيانلار
ارتە سۆزدىن سوۋاچىسە - دە باغىتى بىلەر.

(سارى بىلبىل)

« اولى سىن سىلان بگ بۇلار » دىيىن لىرى . شو گۆن تۆركمىن صحرا ايالاتى اينىڭ تالانتلى كىشى لىرى ، مەدنىيەت مەيدانىدا غايەداۋسىز زۇھىت چىكىن مردانلارنى سىلايىر . ايلىنىڭ روھى بايلىغىنى دىكە لىدېپ، مەدنى مۇراسىمى اينىدىكى نىسلىلەر يىتىرمەك اوچىن چاللىشىپ گرچك لىرىنى سىلاماق اوچىن شوۋلى گۆنلەرنى كىچىرىپ . سىبابى اوستادلار: نىيازى ، بدىخشان ، عنىصرى بىر ايبام اۋز مانلىق دورموش لارنىدا ، عاجايىپ ايشلىرى بىلەن خالقنىڭ مۇھىرلى غارايىشنى مۇناسىپ بۇلان بۇلسالار گرچك . شوۋونىڭ اوچىن ھەم بو ضرور مەسىلە نى غايرە غۇيولماسىز مۇھوم ھۆكۈمەندە مىراث جىمىيىتى نىڭ گۇزاۋىگۈنە توتانلىغى بىزى بى چاق بىگىدىرىپ . مىراث جىمىيىتى ۱۱ يىللىق دابارالى ياشايشىنىدا ادبىيات مەيدانىدا انچە شەھەر - يازىچى يىتىشىدىنم بۇلسا، اھلى مەدنىيەت ايشكارلىرى اوچىن آماتلى پورسات دۇرە دىنم بۇلسا ، اوستاد - خالىپالار غۇيىيان سارپاسى ، اۇلار اوچىن غورىيان ھۇرمەت تۇيى ، خالقنىڭ يادىدىن چىقماقچاق ھادىئەلەر بۇلۇپ دورىيەر . شىلە لىك بىلەن بو شانلى دابارنى ھۆرمەتلى اوستادلار ، ھەم زەھىنە سارپا غۇيۇپ اۇلار ارقا دورىيان مىراث جىمىيىتى تەۋىس يۈرگەن غوتلارنىس .

بو ادامزاد نىسلى ارقامما - ارقا ،

ھەمىشە زەھىنە غۇيۇپدۇر سارپا .

غايتەمۇس بو يۇلۇڭ قىن چىللىغىدىن ،

ارقامۇزى توتىيان كىشىلەر بارقا .

(سارى بىلبىل)

ايشىنىڭىز ايلرى و ياشلارنى ئىگىز اوزۇن بۇلسون !

آق غالا آينا ادبى تۇپارى

آلتۇن گۆيزۇڭ شىمالى تۆركمىن ادبىياتى نىڭ ۋىسۋىغىتى ئىڭ اوچ سانى ۋىكىلى ياش اولى لار مۇز ھۆرمەتلى اوستاد آنادردى عنىصرى ، اوستاد قىربان سىحت بدىخشان و اوستاد نىياز محمد محمدنىيازى نىڭ تۆركمىن ادبىياتى ۋىسۋىغىتى بىتىرن ايش لىرى و غۇيان سارپالارى اوچىن سىلاغا سىزە وار بولاندىغى بىزىڭ غولانغۇمۇزا يە تىردى و تۆركمىن خالىق نى وادبىيات ھەمدە ۋىسۋىغىتى سۇيۇچى لىرى و بىزى خاص بىگىدىردى .

بىز بويىسەنچ دويماق بىلەن بو چارۋىنىڭ غورناچى سى بۇلان مىراث ادبى تۇپارنى قادىرلاپ اۋونىڭ ۱۱ - يىل لىق تۇيۇنى - دا غوتلاماق بىلەن بىرلىكە ياشولى لارمۇزى ھەم بو سىلاغ بىلەن تەۋىس يۈرگەن مۇبارك لە يارىس .

ايشىنىڭىز ايلرى و ياشلارنى ئىگىز اوزۇن بۇلسون !

تۈركمەن غۇشنى سى ئىككىڭىزنىڭ ئولى دا پارا سىڭا

يۈزلە ئىش

كالاڭنىڭ ماغىتىم غولى آدۇنداقى مدنى وصونغات جىمىتى

ايلكىنچى ۋىيە سى بۇلۇپ دورىار. اۇنگە بارئىچى لار بۇلسا مدنى جىمىتى دۇرتمىك اۆچىن حۇكۇمىت گۈچ لىرىنە دايمان ايسىم ؛ ائقتىصادى اۋسۇش بىلەن دىڭ دىرچە - دە كۆپچىلىكى مدنى اۋسۇشە گۇنۇكىدېرىلەر .

گىنىد شەھرى نىڭ ادبىيات عالمى نىڭ اۇنگە بارئىچى لارنى موندان اۋن بېرىل(۱۱)اۋزال تۈركمەن ادبىياتىنى اۋسۇرپ ، دۇنيا دىرچە سىنە پىتىمىكى اۋزلىرىنە اساسى بۇرچ بىلىپ ، بو آغۇر ۋىيەنى بۇيۇنلارنى اۋزلىرىنە اساسى ادىلمىلى ايشىنىڭ كۆپىدىكى ھىم - دە آغۇرلىقى اۇنگەن بىللى دى.ال لىرى بۇش،ھىچ ھىلى كۆمىك - ياردامنىڭ يۇقلۇغىغا غارامان مېدانا گىردى لىر.گىچە - گۇندىز زۇحمىت چىكىدى لىر.خودايا شۆكۈر چىكىن زۇحمىت لىرى ، باشلان ايشىلىرى پىرىنە پىتىدى . بىز شو گۇن « مىراث » آدۇنداقى ادبىيات اۋچاغى ئىككىڭىز بىر (۱۱) يىل ئىككى تۈيۈننى تۈيلىپارس . بو بايرامچىلىقى بۆتىن « مىراث » انجىمىنىڭ آغۇنلارنى غوتلاپ ، اۋلارنىڭ جانلارنى ئىككى ساغ بۇلماغىنى ، ايش لىرىندە اوستونلىك غازانماغىنى بىيىك الله تعالى - دان ايسلىپارس .

ائىسان لار اۋيلانما گۈچۈنە ايه بۇلاندان بارى ، كۆپ ۋاقت لارنى پاراخاتلىقدا واسوداللىقدا ياشاماق ايسلىكى بىلەن مشغول لانتىپ دىر.آسودا ياشايشى ومىدىنى اۋسۇش المۇداما آدامزاد اۋچىن ال پىتمىزآرزوو بۇلۇپ غالىپ دىر . شۇل سىبىپدىن آدامزاد ائقتىصادى ومىدىنى اۋسۇش اۋچىن دۆرلى يۇل لار و اغورلار آغۇرلۇپ دىر،كۆپ زۇحمىت لىرىن سۇڭ اىڭ آماقلى يۇلى سايلاپ آلتىپ دىر. سايلانان اغورلارنىڭ نىتىجە سى بۇلسا خۇسۇرىكى زامان اۋسۇش لىرى بۇلۇپ دىر.آما ھىرناچە مەدى اغوردان اۋسۇش غازانلىسا - دا ، آدامزاد روحي تاپدان ھىچ ۋاقت اۋزۇنى قاناعاتلاندۇرۇپ بىلمەن دىر . خاص - دا مېدىنى كىمچىلىك لىر ھىم گۇن - گۇندىن آرتىپ باشلاپ دىر . ياشايشىڭ ھىمە شىرط لىرىنى اۋچۇن اتمىك دۇولت لىرىنىڭ ھىم مۇھۇم ۋىيە لىرى نىڭ بىرى خاساپلانىار . غۇنناساق - دا اۋسۇش يۇلونا قادم غۇيان دۇولت لىرىنىڭ آلتىپ بارىان ائقتىصادى ايشىلىرى نىڭ كۆپ بۇلماغى خۇسۇسىيەتلىك،آداملارنى روحي تاپدان كۆپ اۋنس بىرمەن،مېدىنى اۋسۇش لىرىن اۋزاغالىپلار . شو حالاتدا بو مۇھۇم ايش كۆپچىلىككە اۇنگە بارئىچى آداملارومدىنى تۇپارلارنىڭ

غۇشنىڭ خاھىشى

* كالا ، مختومقلى بىنايدى

خۇرماتلى لار نياز محمد محمد نيازى، قربان صحت بدخشان و آنادردى عنصرى اۋچىن

باران آلداسى ئىككى بىرچى نىڭ خاسلى بۇلۇپ بىلەر. خۇرمات لى عالم قربان صحت بدخشان غۇمۇر بۇيى تۈركمەن مدنىتى بارادا كۆپ زۇحمىت لىر چىكىپ كۆپ زاتلار تۇپلاپ اۋلارنى كىتاپ لار و مقالالار بىلەن ايله پىتىرىپ بىلىندىر.

خۇرمات لى بدخشان ماغىتىم غولى بىنايدىنا، ماغىتىم غولى ديوانىنى ئىككى اۋقالىش اۋچىن غورولان اۋتورشىق دا اساسى رولا ايه دىر.

خۇرمات لى عالم آنادردى عنصرى، ايران تۈركمەن لىرى نىڭ آراسىندا يىتتى مقالالارنى بىلەن تانالىار. خۇرمات لى عنصرى ماغىتىم غولى بىنايدى نىڭ چەشەنە آغۇش لارداكى گىچرىان ادبى كلاس لارنىدا ايز گىدرلى غاتناشتىدا دىر.ھىم دە خۇرمات لى عنصرى تارخى، دىل و ادبىيات اۋورنىك بارادا ايتان آلدالارنى كۆپ دىر. جىناپ عنصرى نىڭ بو مسئلە لره عىلمى غارايىشى بللە مىل زاتلاردان دىر. بو بۇلسا بۆتىن تۈركمەن عالم لارنى گرك لىك لىرىنىڭ بىرى دىر.

ماغىتىم غولى بىنايدى بو دابارنى، بو اوستاد لارا و ھىم دە تۈركمەن مدنىتى نىڭ موشداق لارنى غوتلى بۇلسون آيدىار .بو ھىلى تۈي لار كۆپ بۇلسون.

مۇداما اولى لار سىلانئپ دورسون.

كۆمە دىڭ تۈركمەن غۇشنى تۇپارى (مىراث) ھىمىشە كىلىرى يالى اولى لارى عىزات-خۇرمات ادىپ اۋلارنى تۈركمەن ايلەنە يانگى دان تانادىار.بو بۇلسا مىراثا دابە اۋورلەن زاتلارنىڭ بىرى.

بويىل بۇلسا ۱۹ نچى آذرآيىندا اۋز اۋن بىرىنچى يىل دۇنومى بىلەن بىلە لىك دە خۇرماتلى ھالى اوسسادى نياز محمدمحمدنيزى و خۇرماتلى عالم لار قربان صحت بدخشان و آنادوردى عنصرى نى خۇرمات لاپ تۈي دابارا اۋچىن تاپىارلىق گۇرىار.

ايران تۈركمەن ھالى صونغاتى ئىككى آتاسى بۇلان اوسسات نيازى غۇمۇرۇبوى ھالى - ھالچا ھۇنارى بىلەن غۇزقلاشلىق گلىار.

تۈركمەن ھالى-ھالچا ھۇنارى نىڭ دۇيىپ كۆكى نىڭ تارخى بۇيۇنچا كىتاپ شىكلىندە - يۇغنان يۇغۇندى سى، دۇقماچلىق اوصول لارنى عىلمى لاشدۇرماق،تكنىكى غۇوى لاشدۇرماق اغوروندا بىر بىلىك لىرى، غالىبىرسە دە اۋنلارچا شۇگىرت تىرىيە لھ مىكى ،اوسسادىڭ ھالى يىل دان غۇوى راق آلتىپ



مشهد قلی قزل

اؤز آرئغنی خار اادن ، کیشی آرئغنا زار غالار

اؤز آرئغنی خار اادن کیشی آرئغنا زار غالار «آتالار نقلی» ایران تۆرکمن لری ادبیاتیندا حاضیرکی دؤیرده شئغئر یرلیگینده شاهترلار، یاغشی اؤسوپ یتیشیپ دیر. بو یرلیک ده شئغئر اؤنگات درجه ده اوسمه گینده میراث انجمن نینگ پایی آز دال بولسا گرک . بو اؤسوشده میراث انجمنی و شولار یالی ادبی یئغنائشئق لارئنگ تاثیری نینگ اولی دئغنی اینکار ادیپ بولماز. بو یرده میراث ادبی انجمن نینگ ۱۱ (اؤن بیر) یئل لئق بایرامچئلیغنی اؤنونگ جان کؤیر آغضا لارئنا و ادبیاتی سؤبیان ایلدش لریمه غوتلاسنم گلیار. میراث ۳ سانی هونار ایه سی بولان شاخصیتی سئلاماگی گؤز اؤنگونده توتوپ دیر. انجمن نینگ بو ایشینه بو یسانپ اؤنونگ آغضالارئنا ساغ بولسون آیدئپ سئلانجاق هونار ایه لری.

۱- نیاز محمد نیازی

۲- قربان صحت بدخشان (قاقا)

۳- آنا دودی عنصری (قاقا)

داغسی لارا آبترالی اوزاق عؤمور آرزولاپ ، اؤلارئنگ اؤز لرینه و ایچر ماشغالالارئنا برک جان ساغ لئق، آغئز بیرلیک، توتان ایش لرینده اوستونلیک دلیگ ادیارین و بو سئلانج سرپایی اؤلارا تویس یورگدن غوتلایارئن.



اراز دوردی خواجه

آیاق تۆزلارئنا گۆل جایلاسنم گلیار

تۆرکمنینگ ماحمال صحراسی نئنگ یؤنه کی اؤز ایچینده دال - ده ایسم دؤنیاده آدلاری بللی ستون لر یالی ، بوی لارئنی بیر- بیر ییلن اؤلچاپ بولماجاق اگیتر لر، هر هایسی اؤزؤنینگ پهم - پایحاسی بیلن ، حالال زأحمتی بیلن ، بیلیم همدده اوقئبی بیلن اؤچمه جک ائز غالدئران اگیتر لر : بیرسی اوستاد نیاز محمد نیازی ؛ نییس هالئمئزی دؤنیأ تانادان تۆرکمن گلین - غئزلارئنگ غئمئزی رنگه بویالان عاجاییپ هالی - هالچا صونغائی نئنگ سئلارئنی سئناسئندا بیر گؤهر یالی ساقلاپ، گرک یرینده دؤشؤندیریش بریپ ، اؤزشکیل لندیرن ناغئش لاری بیلن سؤننألان هالی - هالچی لارئنی ایله باغش اتدی.

اوستاد آنا دوردی عنصری ، تۆرکمنینگ سؤی تارئخی نی آچ - آچان اصلی ، کؤکی بیلن اؤزؤندن آلئپ غایدئپ حاضیرکی دؤورؤمیزده تارئخ بیلن غئزئقلانیان ائسانلاری بیلن خاص - دا الینه قالام آلان شاهئر دئر- یازئجی - هونارمند دیر عمومان اهلی شاخا لار - دا اوقایان اوقوچی لار بیلن یاقئندان آرا غاتاشئق ساقلاپ گلیان اوستاد دئر.

بیزینگ تۆرکمن حالقئمئزئنگ بللی فؤلکلورچی سی و سؤز دؤزوملرینه جان برن هم - ده کیتاب بویونچا اؤلاری ایل ایچینده یایبانگلاندئران بللی تۆرکمن ادبیاتی نینگ سؤز ه چپر اوسسادی کاکا دأده میز یاغنی «قربان صحت بدخشان» دیر.

من بو تۆرکمن اوسساتلارئنگ حورمات تویونا بو نأچه سطیر بیلن قاناغاتلانمایان ، اؤلارئنگ آیاق تۆزونا سطیر دال - ده ایسم گۆل جایلاسنم گلیار. میراث تۆرکمن غوشغی انجمنینه آلئپ باریان ایشلرینده اوستونلیک و دؤوامات دیلاپ ، اؤن بیر یئلئق تویونی غوتلایان، تویونگئز و شانلی دابارانگئز غوتلی بولسون.

میراثا

سنار سوقى

ميراثىنگ اون بير يىلىق دۇلان ياشى نى غوتلايارىن ، ميراث اۇن بير يىلدا يۆز اۇن بير شاهىر دىر- يازىجى نى اۇز داشىنا اۆشۈرۈپ بىلن دىر. اۇلاردان هر شاهىر دىر - يازىجى يۆز سانى سۇى انه دىلىنى نىنگ سۆزىنى يازان هم بولسا ، اۇن بير مۆنگ بير يۆز سانى انه دىلى نىنگ سۆزى يىغىنار. بو آز اۆلچك هم غاتى كۇن باى لىق بۇلار. البتە اۇل بير آز اۆلچكە دوران دالدىر، شونگا دۆشۈمك كرك و يە غووانمالى زاد ميراث شاهىر منصور طبرىنگ باشلىغى بىلن اۇز ادىم لرنى كۆپلنچ انه دىلىنگ آلاستىدا كۇنرا ك اۇن مۇقا دىيارىن. بو بير آراسسا پىكىرلرنىگ بىرى ، هم اۇنلار چا شاهىردىر باغشا حۇرمات تۇيۇنى توناندۇر. و يە دە توتار، بو هم غۇوى زاد حۇرمات غويىسانگ، حۇرمات غۇيارلار. كم چىلىك هم يۇق دالدىر. اۇل هم ماددى تايىندان گىلن دىر. مۇثال اۆچىن يانگى ياقىندا دۇنيادىن گچن شاهىرلارنىگ و كۆينە لرنىگ غۇشى لارنى چاپا يترىك اوغروندا آلادا دن مىكا؟ يا ايندىكى ايش لرى مىكا دىين سۇراغ گلىار. يۇنە شو كۆنكى دورموشدا باش غالدۇرۇپ، باش لارى بىرىكىدىرىپ، غۇشى آغشام لارنى و سىرگى لرى و ادبىيات اوغروندا آلپ بارىان آيدىنگ پىكىرلرنى كۆز اۆنگۈندە توتۇپ ميراثىنگ ايشكارلرنى سىغ بۇل و آرمانگ الله قوات آيداستىگ گلىار .

يۇل لارى آيدىنگ، گلە جك لرى گوللە سىن.

۹۳



بىر ياشى داپ لرى ياش نىسىل لره شمەدە ايندىكى نىسىل لره گۇرە لدە بۇلسون

غفار بردى اصفهانىانى

گنبدىنگ ميراث آدىن گۇترىان غۇشى و ادبىيات غوراماسى نىنگ زهينلى شاهىر و يازىجى لارى :
بو كۆن من ميراثىنگ اۇن بير باهار باشدان گچىرە نىنى سىز قالام داشلارلا همەدە مۇهرىبان ايليمە تۇيس يۆرگەن غوتلايارىن.

ميراث غوراماسى تۆركمەن ادبىياتى نىنگ اۆسمە گىندە اولى پايى باردۇر. سىبى مىراثى غوران لار ، آيرى شاهىرلارى همەدە يازىجى لارى بو غوراما چاغىرۇپ بير يره اۆشۈرۈپ بىلىپ دىرلر. شىلە لىك بىلن بير- بىرىنى غۇلداپ ، اۇز تاغاللارلى بىلن اۆسۈپ اوغراپ دۇرلار.

ميراث گچن يىل لاردا بير نۇچە شاهىرلارى همەدە ادبىيات اوغروندا رۇحت عالم لارى يۇرىتە برنامالار دۆزۈپ ، سۇوغات سىرپاى بىلن اۇلارى سىلادى . ايل آراسىندا حۇرمات لانمالار ، بو ياشى داپ لرى ياش نىسىل لره همەدە ايندىكى نىسىل لره گۇرە لدە بۇلسون. بو يىل كۆيزۆنگ سۇنگى آيندا گنبد شىرىندە يە بير كزك بو تۇلقۇندۇرۇجى برنامالار ، سۇوغات - سىرپاى لار اۆچ سانى بىيك ائىسانىنگ پايىنا دۇشدى. تۆركمەن ھالى - ھالچاسى نىنگ عالمى اوستاد نىاز محمد نىازى ، تۆركمەن ايلنىنگ توتيان تۇيى غوتلى بۇلسون. اۆزۈم بىلن اۆتۈز يىل بارى قالامداش بۇلۇپ گلىان ادبىيات چى لار حۇرماتلى دۇستلارۇم قوبان صحت بدخشان ، آنا دوردى عنصرى تۆركمەن صۇحراىگ شاهىرلارى دۇر باغشۇلارنى بير آغۇزدان تۆركمەن ايلي نىنگ سىزىنگ شانتىگۇزا توتيان تۇيى غوتلى - مۇبارك بۇلسون. تۆركمەن ايلنىنگ عالمى حۇكمۇندە سىزىنگ آدنىگۇز تارىخ دا غالار. جانىگۇز سىغ ، آبرائىگۇز آرتىسۇن.

آقاباتلى آقئىمىنىڭ ئىزىنى ئىزارلاماق

عبدالرحيم آنامرادى

دېرلر دېمك، اۇلار گچمىشده آو آلان بۆرگۈدېنى، سۆرى غۇران ايتىنى، حايىر بىر آتۇنى ھىم سىلاپ، غارلاواچا مسكن بىر، غارئىچىغا ايمىم سېن حالىق دىرلار. يۆرۈك آتارلى بىسلان سە يىس لىرىنە، گۆرش لىرىنگ يىنگىجى سى بۆكە لىرىنە، كېسلى غوتالدىن طىبب لىرىنە، ايل نامۇسۇن غۇران غۇچاق لارنى، عادالەتلى باش توتانلارنى، يۇو غارشى سىندا چالئشان گرچك لىرىنە، بۇزوغى دۆزلان اوسسالارنى، سايراق دىللى شاھىر لارنى، چىر قالام يازغى لارنى، عىلئىم چايان عالم لارنى آنگىرباش سارپا غۇيۇپ، اۇلارنىڭ روىى درجە سىنى اۋسدىرپىپ ئىزگىدلى آرقاداشلىغا يۇل ياسان دىرلار. غوانچ بىلن آيتساق؛ تۆركىم لىر گۆرۈم - گۆرلىلى، پوغتا سۆنئىلى - چىر سونغاىلى - كۆكى يايىراڭ غورى بى گۆچلى، شىلە ھىم مىراث غالان ياغشى داپ لىرىنى بىر ساقلاپ گلىان چوڭ دوىغى لى دىرى حالىق دىرلار. شونوڭ اۋچىن تۆركىم لىر بىلن آز واقتىنىڭ دۇوامىندا غۇنگىشى لىقىدا ياشان بىلىكى مىللىت لىرىنگ، دىلى يۆرۈك غارامايلاق لارنىڭ و غىتار گۆزلى غىشئىق لارنىڭ - دا گۆۋنى يىتمىزلىكىدىن، تۆركىم لىر اوستۇندە ترس وتلىك ناقتىلى دۇردىپ يايىراتماغىنا يىرى بۇلمىدىر. شونوڭ اۋچىن، اولى لارى سىلاماق دابى، يانگى دۇران داپ دال - دە ايسىم عاصىر لار بۇيۇنچا اۋنگىن ائىسناشئىلى ھىم سىلاغلى ياشاپ گلىان تۆركىم حالىق ئىنىڭ تابىشئىرى سى بۇلان اىنگ ياغشى دابى ھىم كۆنە بايلىغى دىر. تۆركىم حالىقى شۇل تابىشئىرى بىلن باغلانئىقىدا بىر آقئىم گىرىپ اوزاق لارا اوتغاشارپالى، آتا بابالارنىڭ سۆننە لاپ - سايفارپى ساچان داپ دىسسورلارنى آلتىن سۇز اۋۋوت نصىحات لارنى ياشايش بۇيۇندا، توتىان توتومىندا، باشلان ايشىندە ، اوغران اوغروندا گۆز اۋنگۆنە آلياندىرلار. شونوڭ اساسىندا اولى لارى سىلاماق و يىنە شۇنگا مىنگىز انچمە ياغشى داپ لىر آرقا - آرقا بىر ساقلاپ گلىان بۇرچلى ائىنمىنىڭ دىرلىگىنىڭ شايدى دىر. يىغىناپ آيتساق، تۆركىم حالىقى دورموشنا وگىچىگىنە باغلى بۇلان دۇردىچىلىك لى گچمىشىنە غوانىپ، شىلە بىر اگىرت بايلىغىنى غۇراماغا بۇرچلى دىقلارنى آيتماق ضرورلى دىر. غۇى، اولى لارنى سىلايان تۆركىم ايلىنىڭ دۇولت چۇغان ائىسغالى اۋچاغى اۋچمە سىن. بىيىك لىرى، عالم لارى سىلاماق دابى ائىزگىدلى ھىم يۆرگۈنلى بۇلۇپ دورسۇن. سۇز سۇنگۇندا مىراث انچمىنە، آتا بابالارنىڭ سىنماز چىشمە لىرىدىن گۆزباش آلپ اۋنگۆندىن بىر ياسالان آقاباتلى آقئىمىنىڭ ئىزىنى ئىزارلاپ اولى لارنىڭ سىلاغ تۇيۇنى غوراندىنى اۋچىن چاكسىز مىنىتدارلىق بىلدىرىپ، اۋنگىكى دىن آرتىق اۋسىم لىگىنى دىلگ ادبارىس. جانلارلى ساغ، باشلارلى دىك بۇلسون.

تۆركىم ادبىيات ئىنىڭ ھىلىنى غۇيلىاندۇرماق اوغروندا غايدىاوسىز ايشلاپ گلىان مىراث آدنى گۆترىن ادبى غورالئىق توپارنىڭ حورماتلى شاھىرلارلى دىر يازىجى لارنىدىن چاكسىز مىنىتدارلىغىمىزى بىلدىرىارس. بو ادبى اۋچاغنىڭ دويۇنى توتوپ، ائىسناشئىلى غاتناشئىپ اۋنونگ اۋسىمە گىنە سىپاكار بۇلان حورماتلى اوسسادلار، چىر يازغى لار، شاھىرلار و يىنە اۋنونگ داشئىندان غوانىپ روىى غوشاندنى غۇشان ادبىيات حۇسدارلارنى مىراث - ئىگ اۋن بىر يىل لىق داراباسىنى غوتلايارئىس. مىراثنىڭ شوگۆنە چىلى تۆركىم ادبىياتنى بىتيرىن خىدماى و غۇيان تاثيرى حاقتىدا عالم لار يۇرىتە گۆرۈنگ لىر بىرسە لىر گرک. يۇنە بو يازىلان مىراثنىڭ توتىان توتومى ئىنىڭ دويىپ گۆتردىگىنە سىنا نشار.

اۋنگىن ايل آراسىندا « اولئىسنى سىلان بگ بۇلار، اۋلى سىنى سىلان باى بۇلار» دىيلن ناقتل كۆنە لىردىن غالىپ دىر. ائىنمىدار آتالاردان مىراث غالان ياغشى داپ لىر يۇل - يۇرە لگە لىر دورموش دا يۇران يۇلاغچا اىنگ سايلاپ سىچىلن اۋنگات يۇلونگ سالغى سى دىر دىيىپ بۇلسا گرک. دىمك اۋنگ ياشاپ گچىن پاھىم - پاىخاسلى آتالار آغىر دورموشنىڭ آغرام ساليان آغىر يۆكۈنى يىرە تاشلاپ، ياشايشنىڭ ياغشى يامان، آجى - سويجى سىنە يۇغورلپ، آغزى بىرلىگىنگ تاي سىز گۆيچۆنە اۋزگا سۇيە نىكسىز اركىن ياشايشنى ائزارلان غورى بى گۆچلى آتالار دىرلار. كا - ائىغىت سىز، كا - حۇزىرلى چىققىشان ياشايشنىڭ تىرىگ دورموش دىنگىزىندە سىناولى عاقتل گامى سىنى يۇزدۇرپ دوش غىراسىنا سىر ادن آتالار غولاچ - غولاچ گلى مىزىل يۇل لارنى سۇكۆپ، اىنگ حاقتا درىگۈولى سىناولارى گچىپ، بىلدىن بىلگ لىرىنى آلتىنا غاپلاپ ائىزىندا نىسلى لىرىنە يادىگار غۇيۇپ دىرلار. اۋلارشىدىپ، اگسىلمىز حازىنلارنىڭ داشئىنى غورشاپ غورشاق لارنىدىن غايىناپ چىقان مىرجى لىرىنى، جۇشغون دوىغى لارنى بىز اۋز حالىقى ئىنىڭ يىتى آنگىنا سىنگىدۇرپ دىرلار. گىنگ غاراپشلى تۆركىم ايلى، آغىر ياغدايىندا ھىم يارادانى يازغارمانى، اندىك ادبىن دۇلى ايمان - ائىنامى بىلن آغراس غاراگون لىرىنىڭ سۇنگونا صابىرلىق بىلن غاراپ دىرلار. باشدان گچىر غۇغالى گۆن لىرىندە، اۋچاق لارنىڭ كۆلۈنى بىل سۆرىندە، ھىرنە غىزغىن كۆزۈنى اۋچۇرما نى ساقلاپ، داشئىندا غالا بىكلان مىدىيە تىنى غۇران حالىق دىرلار.

غابات گىن غىسساغلى پورصات لار - دا گىگىشە چاغىرپ، بويسانچلى باغئىيارگۆن لىرىندە اۋل پاھىم پاىخاسلى ياشى اولى لارنى - بىيىك عالم لارنى، ايل حالىقنىڭ بايىدىنە ادىم ادىن اولى لارنى سىلاغ بىلن بىز اۋل باشئىندا ساقلاپ گزىپ



حاکم ایچچوہ آدام گزمتی، آک گزور

آماندوردی نساری «آمانلی»

ساقلايارلار مئثال اوچين تركيه، عراق، پاكستان، هندوستان، تركمنستان، ازبكيستان، و باشغالاری آت توتماق بۇلار...

كریم قربان نپس دن بیر بند غۇشغی

يۇنه غۇشغی اۇقاپ ال چارپدئرسانگن،
بۇلمانگ سيزكأردش لر، بۇلمانگ سيز آخمال،
چارپئلان يۆز الدن، چارپئلان غالان
اۇن الینگ خاص عاجاپ بۇلماغام آخمال.

ایندی مأم سیددن بیر بند

اگر شۇل شاهنری گۇرسه نگیز آیدنگ
یل قسئلان یالی سنینگ هر بییدنگ .
اۇن سطریر غۇشغی نی کاغذا چئرماپ
ایلی یۆز سطریرلیک آزاره غۇیدونگ.

اوستادلار حاقدا سۇز یازماق اۇرآن قین. مسئله
بیرگونینگ یا بیرهپتأنینگ یا آیتنگ دۇوامئندا یازماق
مۆمکین دأل، سبأبی اۇلارئنگ هر بیر حاقدا بیر
کیتابلئق سۇز گرک، اوستادلار حاقدا ینه دۇرار انچه مه
آیدئم شیدپ اۇنی عاصئرلار اکیدر آدام. نأمه ده
بۇلسا آز بۇلسون اۇز بۇلسون دیپ سۇزومیزی
غسغالدیارئس.

حورماتلی ایلدش لر، ایندیکی گلجک یئل لاردا هم شولار
یالی اوستادلاری سئلماق أهلی میزه بیله لیکنه نصیب
اتسین.

اسسلام علیکم: حورماتلی ایلدش لر.
گنبد قۇوز شهری نینگ میراث آدین گۇتریان
شاهنرلار غوراما سی نئنگ ۱۱- نجی ییل دۇنومنی
همده تورکمن صأحرانینگ اوچ سانی بییک اوستادلاری
اوستاد نیازی، قربان صحت بدخشان، آنا دردی
عنصری نینگ دابارالی سئلانغ توی لارنی تویس یوره
گدن غوتلایارئن، قادئرلی ایلدش لر! میراث تۇپاری
غسغا واقتئنگ ایچینده تورکمن ادبیاتی نینگ گۇللأپ
اۇسمه گینه اولی یاردام اتدی. تورکمن شاهنرلارنی و
یازئجی لارنی بۆتین دونیا تورکمن لری بیلن یاقئندان
تانش دیردی. ۱۳۸۰- نجی یئل ادیل شو گونکی یالی
یادئندا . میراث توپارئندان ۱۶ - سانی شاهنرینگ
۱۶- سانی غۇشغی سننی سایلاپ تورکمنیستان
شاهنرلارئنگ یانئندا اۇقاپ اۇلاردان ناظار ایسله دیم
. منینگ ایلیکی مئهمان یریم طبیغات شاهنری مرحوم
گلدی باشی بۇلۇپدی. اۇل غۇشغی لاری یکه -
یکه دینگلأپ شیهله دیدی «سو» آقار داشی قالار
دیپ دیرلر. عموما غۇشغی لار غوی یۇنه هر
یرده تانقئت «انتقاد» بۇلماق یرده اۇسوش بۇلماز
دیپ آیددی ... هاوا! مهربان واطان داش لار! میراث
غورامانئنگ اساسی ماقصادی هم هر هپدأنینگ
آنا گونی بیر یره یغنائنپ غۇشغی ائزئنا غۇشغی
اوقالئپ اگرده کمچیلیک گۇیبرلن یری بار بۇلسا
،شۇل کمچیلیگی آرادان آیترماق دئر. میراث آدنی
اشیتمه دیک تورکمن یریوزونده بارمئقا؟
مگرم یوق بۇلسا گرک، دونیأنینگ دۆرلی یورت لریندن
گلیپ میراث توپاری بیلن یاقئندان آرا غاتناشئق

میراثینگ آدئندان بیر اۇولان گلدی

عید محمد اونق (آیدی شاهیر)

میراثینگ آدئندان بیر اۇولان گلدی
دیرسینگ آلا باهار، گۇزل یاز گلدی.
بگلمک، بیگلمک اولی سن سئلاپ
تورکمنه هم ناز دیر هم نیاز گلدی.

گنبد کاووسینگ میراث آدیناکی سۇز صونغاتی انجمنی نینگ یۇلباشچی سنئا، آغسالارینا و جان
کۇیرلرینه.

ایسسسی مأهیرلی سالام لار بیلن: اۇز آدئندان آق قلا ایلاتی نینگ و صونغات سۇجی لر و ادبیات هووندارلار
نئنگ آدئندان میراث انجمن نی اون بیر (۱۱) یئل لیق تویی بیلن غارا باغرئن غوتلاماغا روغصات ادینگ.
مۇنونگ یانی بیلن هم بو انجمن تورکمن ادبیاتی نینگ و صونغاتی نینگ اوچ سانی اۇنگده بارئجی یاش اولی
لارنی سئلماغی ماقصاد ادینپ دیر . بو خوش لئق هم بییزینگ باشئمئزی گۇگه دیرتدی .
شونگا گۇرا بو سئلانغی - دا حورماتلی آقارلار میز استاد لار، نیاز محمد نیازی، قربان صحت بدخشان، آنا دردی
عنصریا تویس یورگدن غوتلایارئن .

اۇلارنىڭ اثرلىرى ياشلار ئۈچۈن عئلىمى و ادبى مەدەپى خۇكىمىدە خىلماق ادپار

شاه محمد يلقى



دۇرە دىجىلىك - دە اۇز يۇلۇنى، يۇرگۈنە ياقىن اھنگى تاپىپ بىلەن دىگىندەن، اۇنۇنك هم اۇقۇجى لار طاراپىندەن غۇوى غارشى لانان دىئۇندەن نىشان دىر. البتە اۇل يا بىلە كى بىر شاھىرۇنك غۇشى لارنى باشقا بىر شاھىرۇنك دۇردىجىلىگىنە سر ادىپ كىسكىت لاپ بۇلماز. سىبابى اۇلارنىڭ اۇز دۇنياسى، اۇز لىتى بار.

اينها يەنە بىر مۆھۈم مەسلەنىڭ آيتماغىنى واجىپ بىلىۋىرىن. مىراث انجمن بىلەن دىنكە بىر ياش لارنىڭ دالەدە، دۇرلى ياشداق شۇل ساندا حالقا يازۇجى لار، عالم لار و تانىمال شاھىرلار مۇزىنگ هم ايشىنگىنر غاتناشيان دىقلارنى آيتمالى دىرس. اۇلارنىڭ اثرلىرى، ماصىلاحت - لارى، ادبى، عئلىمى سىنلارلى ياشلار ئۈچىن عئلىمى و ادبى مەدەپى خۇكىمىدە خىلماق ادپار.

مىراث انجمنى بىلەن غاتناشۇق ساقلايان شاھىرلارنىڭ ھەر بىرى نىنگ - دە اۇز دۇنيا غارايشى، دۇردىجىلىك عالمى بار. اۇلارنىڭ اثرلىرى عالم غۇشارنىڭ رنك لرى نىنگ اۇز بۇلۇشلى لىغى يالى دۇرلى اۋۇشىگىنى بار. سۇزۇمىنك سۇنكۇندا، ياش شاھىرلارنىڭ و حالقا شاھىرلارنىڭ چەر گۇزىل لرى نىنگ ميوە لرىنە اۇلارنىڭ غۇشغولارنى اۇقاپ حاص - دا غۇوى گۇزىنر سىنگىز دىپ اۋمىت ادپارن.

غۇى المىداما شىغرىيت - دە تۆركمەن روھونىڭ كۆك لرى شاھىرلار مۇزىنگ دۇردىجىلىگىنە بارھا بركىشىپ، تۆركمەن ادبىياتى نىنگ پاچارلاپ اۋسمە گىنى و دۇنيا ادبىياتى نىنگ گىنگ يايلىمىندا بىلەن لىك لره يىتمە گىنى آرزو ادپارن.

غۇشلاخ خاھ

تاغى پورمند (سرخوش)



تۆركمەن تارىخ و ادبىياتى نىنگ اوسسات درىگۇۋچى لرى، حورماتلى آنا دىردى عنصرى و قوربان صحت بدخشان و بىلە لىكەدە بۇياغ اثرنىڭ لردەن اۋىلانۇپ كۆپ مائىلى دۇرلى - دۇرە گۇى ناغۇش لار بىلەن تۆركمەن حالى سىنى دۇقادىپ دۇنياگە تانىدان ياش اولى اوسسات نىازمۇھىمىدە سىزە تۆركمەن اىلى بىلەن بىر درجە دە اۇز مىننت دارلىغۇمىزى بىلدىرچك بۇلۇپ، اولى دابارالى شاتلىق مىلىسى نى غوران لار ھەم ساغ بۇلسون سىزى غوتلاپ، بارىنگىزى برىك جان ساغلىق، اوزاق ياش دىلۇپ سىزە دۇردىجىلىك اوغۇندا اوستۇنلىك آرزو ادپارىس. ھەمدە مىراث آدنى گۇترىان شىغۇر و ادبىيات انجمنى نىنگ اۇن بىر يىل دۇنومىنى پاىخاسلى - يىگىت لرىنگ چكىان زأھمت لرىنە باھا برىپ تانگىرى يالقاسىن سۇزى بىلەن غوتلاماغى بىزە روغصات برىنگ.



فرهاد قاضی

میراث انجمنی ننگ ۱۱ یاشلغی مناسیپاتلی

ادیل یانگی یالی دی. ۱۳۷۷ نجی یئلنگ بیرلشیک هفته سی امانقلیچ شادمهر، مانگا تۆرکمن غۇشغی و ادبییات تۇپاری ننگ روغصات ناما سنئی ارشاد ادارا سنئدان آلدق دیپ بوشلادی. غاتی بگندیم، سبابی بو مسئله تۆرکمن یازجی و شاهنرلارنگ ایردن باری آرزووی و ماقصادی. البته بو اولی ایش (روغصات ناما) محمد آتابای و کریم پورمحمدی نینگ تاغالاسی بیلن یرینه یتدی. من اولارا الله قوات آیدیارئن.

میراث انجمنی آچئلانی باری گچن شو اون بیر یئلدا، بیرنأچه قئن چئللق لار و اوستون چئللق لارا دوش گلدی، حتی کاوقت لار، اوتورشلق غورماغا یر تاپئلما دی! کاوقت لار بو تایدان اوتاق، اوندان مونگا گۇچۇپ - سۇیشۇپ یوران واقتمئز - دا بۇلدى یۇنه غاراض شۇل ایلکی دن باری هر یرده بۇلسا - دا سۇوئق - غنزعئن دار- گینگ اوتاق دیممان ایچرده - داشاردا اوتورشوق لار ائزارلئق گلیار. و اما میراثنگ بۇسانچلی یرلری حاقدا میراث تۇپاری ننگ کۇپ ایش لر بیتیریپ باشاردی.

بیرینجی دن شاهنرلاری و یازجی لاری بیر یره اویشوریپ بیر- بیر ییلن تانئشئردی، میراث شو اوغوردا بیرینجی بۇلان سۇنگ اۇنگرأگ مراوه دان، کلاله دان و باشغا اوزاق یرلردن و صحراننگ اۇبادئر - شهرلریندن شاهنرلار غۇشولاردلار. شو اوتورشوق لار شاهنرلارنگ آراسئندا دۇستلوق دۇره تدی و بوگون کۇپۇسی دۇغان یالی آرا غاتناشلق دا، ایکینجی بوتوپار اوز آغضالاری ننگ غۇشغی و یازوو حاقدا یاغشی صوراتدا اۇسمک لرینه سبأپ بۇلدى، هر غۇشغی اۇقالاندا شاهنرلارنگ تانقئت یا یۇل گۆرکزمک لری بیلن، یالنگئش لار آزالئلپ یا آیرئلپ اۇسۇش اوغورندا تازہ اڈیم لر آردئلاردی.

اۆچونجی دن شو توپارنگ اوستی بیلن کۇپلرچه دابارالار مئثال اۆچین ماغنئم غولی، سیدی خۇجا، موللانپس، کمینه، عالی شیر نۇوایی، مرحوم آهونبر، تۆرک - تۆرکمن حاقدا سمینار و ینه - ده غۇشغی گیجه لری گچیریلدی و میراثنگ تۆرکمن صحرا - دا یانگلاندی.

۱۳۸۴ نجی یئلدا میراث رسمی شکیلده ثبت ادیلدی و شۇل یئلدان سۇنگ میراثدا تازہ بیر ایش بیر مئثال اۆچین ایچری نشریه و میراث ساییتی یرینه یتدی.

میراث انجمنی شو اون بیر یئللق ایشینگ نتیجه سینده دۇنیا تۆرکمن لری نینگ آراسئندا بللی و مشهور بیر غوراما تانالدى.

شو پورصات - دا میراثنگ اون بیر یاشلغی اوستادلار، یازجی لار و شاهنرلارا هۇنارمندلر و بۆتین تۆرکمن ایلینه ائلایتا میراث توپارنگ آغضالارنا تویس یۆره گدن غوتلایارئن. غوی نصیب بۇلسا گلجک - ده الله تغالی عۇمۇر برسه میراثنگ اللى یاشللق تۇیونى تۇیلایلنگ.

میراث گچن اون بیر یئلدا ینه بیر اۇنگات ایش بیتیردی. اولینی (استادلاری) سئلماق ایشی اولی نی سئلان بگ بۇلار دیشی یالی گچن یئل لار - دا اوستاد مرحوم قربان گلدى آهونبر، استاد حاج مراد دردی قاضی، استاد عراز محمد صحنه، استاد عبدالله آهنگری، استاد عراز محمد اراز نیازی نینگ، قادئردانلق داباراسی غوی صوراتدا گچیریلدی. ایندی انشاء الله اوستاد نیازی، اوستاد آنا دردی عنصری و اوستاد قربان صحت بدخشان نك قادئردانلق داباراسی توتولجاق. بو اوستادلار یاشایش لاری ننگ آغرامئنی تۆرکمن ایللی نینگ دأپ دستور هۇنار، ادبییات، دیلی، تارئخی نی غۇراماق اوغوروندا صارپ ادن آدام دئرلار.

بو پورصات بو اوستادلارنگ زأحمت لری و اثرلری بیلن تانئش بۇلماق اۆچین بیزه بیر باهانا، من بو سۇزلری دینگه شاهنر دئر، یازجی لارا آیتما یارئن، بۆتین تۆرکمن ایلیمه آیتیارئن، شو پورصات - دا بو سئلانیان اوستاد لارنگ یازان کیتاپلارنى دۇره دن گۇللرینی گۆرمک. اولار بیلن یاقئندان گۆررینگدش بۇلماق بیزه بیر اۇلجامئقا دییارئن.

ینه سۇنگقی پورصات لاردا شو اولی دابارانی اوستادلار نیازی، بدخشان و عنصری - آ تویس یۆرکدن غوتلایارئن. جانلاری ننگ ساغ، یاشلاری ننگ اوزئن و قالام لاری ننگ بیٹی بۇلماغئنی آرزو اتیارین. سۇزۇمینگ سۇنگوندا میراث انجمنی نینگ بۆتین آغضالارنى هپده لیک اوتورشلق لارا برک غاتناشماق لارنى خوائش اتیارین.

گلینگ شو تۇیونگ باهاسئنا آغز بیرلکده همده مۆدیرلیک تۇپاری بیلن بیرخاطاردا بۇلۇپ میراث انجمنی نی اۇنگه آلتپ گیده یلینگ.

میراث، میوه پرن دارغت

بهرز ایری

گۆزل تۆرکمن صحرا مۇزدا، تۆرکمن حالقى مۇزىنگ دىل و ادبىياتى نى اۇسدۆرۆپ و داپ دىسورلارنى غۇرماق اوچىن آلادا اديان تۇپارلارنىڭ اينگ اولى سى كۆمىت شىهرى نىنگ مىراث آدىلى تۇپارى دىر. بو انجمن تۆرکمن غۇشى و ادبىيات بۇلومىندە اۇن يىل بارى ارمان - يادامان ايل باھىيدىنى آراپ يۇر. روعصاتنىڭ بىلن «مىراث» انجمن نىنگ كۆكۆنى صحرامنىڭ تۇپراغىندا غوران شاھىرلارا و سۇنگ بۇلسا بو نۇچا ناھالى باقنىپ بىرىپ بىر «دارغت» يىتىرن عالم لارا تۇيس يۆرگىن ساغ بۇلسون آيداسىم گلىار. مىراث دارغى گۆللەپ، ميوه برىپ، گلچى كى نىسىل لىر ميوه سىندىن دۇلى حايىرلانماغى بىزە اولى آرزو بۇلۇپ دورىار. سىببى بودارغىنىڭ نىازجان نىازى، قىربان سىحت بدىشان، آنا دىردى عنىرى يالى پاراساتلى و جان كۆير باغبان لارى باردىغنا جودا ائنايىرسى. شىلە دە تۆرکمنىڭ تارىخ، ادبىيات سونغاىنى يۇقار درجە - دە اۇسدۆرمك اوغوردا جاندىن تالاش اديان اوسسات لارى سىلاماق و قادىردانلىق بىلدىرمك بىزە اولى بۇرچ بۇلۇپ دورىار. بو وظىيانى مىراث انجمنى اوزونىڭ اۇن بىر يىل لىق بايرامچىلىغىندا دۇلى برجاي اتچى دىگىنە دە يۆرگىن ائنايىرسى.

آلپ بارىان اولى ايشىنگىزدە بارىنگىز اوستونلىك آرزو اديارىن.

غۇتلاغ

قازا دورى آزاد



كۆمىدىنگ مىراث آتلى تۆرکمن غۇشى و ادبىيات انجمن نىنگ اۇن بىر يىل لىغىنى غوتلايان. تۆرکمن اىل سونغاىنى اۇسدۆرمك دە اولى آلادا ايتىان حورماتلى : نىاز محمد محمد نىازى و تۆرکمن دىل و ادبىيات اوسساتلارى آنا دىردى عنىرى و قىربان سىحت بدىشان؛ من اۇز پايمىندان سىزىڭ بو اغوردا بىر غۇمور چىكن زامىتىڭىزە قادىردانلىق بىلدىرىان. غالان غۇمروڭىز، اوزاق ھمدە اۇزونگىزە، ايل - گۆنە دۇلى برىكت لى بۇلماغىنى آرزو اديان.

كأبىر ياپراق لارى سۇلسادە

اقتام قانچىمادى، اۆمىك لىر كسىلەمدى

تاج بى بى فرھادى



اۇن بىر يىل موندان اۇنگ مىراث انجمنىنى نىنگ باغى نىنگ كۆكى غورولدى، شاخالارى، پوداق لارى بىرنگ گۆگۆنگ ائلهامىن آدى، گۆن بە گۆندىن اولالدى، گۆيچ آدى، كأبىر ياپراق لارى سۇلسا - دا، ائنام غانچىمادى، اومىد لىر كسىلەمدى و شۇل ياغدايدا اوزاق يۇلا ادىم ادىپ ميوه لىرى نى پىتىراتدى. بوگۆن بۇلسا اۇن بىر يىللىق بايرامىنى گچىرىار، ھمدە تۆرکمن ادبىيات و سونغاى نىنگ اوستاد لارنى سىلايان.

مىراث آدىلى تۆرکمن غۇشى و ادبىيات انجمنىنى نىنگ اۇن بىر يىللىق ياشىنى و اوسساتلار: آنا دىردى عنىرى قىربان سىحت بدىشان و نىاز محمد محمد نىازى نىنگ ، تۆرکمن ايلىڭ تاراپىندان سىلانماغى نى تۇيس يۆرگىن غوتلايىرىن. ياشىڭىز اوزاق، ياشىڭىز دىك بۇلسون.

اونودئلماجاق گۆن لىر

ميراث انجمن نىنگ سارغىدى

آهنگرى نى و مرحوم حاجى عراز محمد صحنه نى
اولى صورات دا سئلادى.

تۆركمن مدنیه تینه باغلانشئق لى شاخصیت -
لر يىنگ سانى كۆپ دال. هر ميللت اۆز دىلىنى ، دأبىنى
و صونغاتئقنى غۇراماق بۇلسا، مدنیت اوغروندا
ايشنگنگير ائنسان لارى تربيه لاپ، چاغالارى اۆز ميللى
بايلىق لارئنا طاراپ اوغروقدئرمالى. مدنیت بۇلماسا
يورت اؤسمز، پىكىرلر، غايرا غالار. آبادانچئلئق يرينه
يتمز، آنگ - بيليم پسه دوشوپ ائنسانلئق درجه سى
يتيپ گيدر. شونونگ اۆچين مدنیت اوغروندا جان
اؤيوندن آلادا اديپ يۇرن شاخصیت لرى حۇكمان
سئلماق گرک. ائسلامى ارشاد و مدنیت اداراسى
ئنگ ياردامى بيلن همده ايليمزىنگ آرقاداشلئقى بيلن
ميراث آدلى تۆركمن غۇشغى و ادبييات انجمنى اؤن
بير يئل لئق تۇى بايرامچئ لئغئندا، اوسسات لار: آنا
دردى عنصرى، قوربان صحت بدخشان، نياز محمد
محمد نيازى ئنگ يئل لار بۇيى ايران واطانمئزا ،
ائلايتا - دا تۆركمن ادبييات و صونغاتئقا چكن زأحمت
لرى نى كۆز اؤنگونه آليپ اؤزونه اولى بۇرچ ادينپ
بو اوسسات لارى سئلماق ماقصادى بيلن تۆركمن
غۇشغى سى ئنگ اولى داباراسيئنى بللاپ گچئريار.
سۆز سؤنگوندا سيز عزيز واطانداش لار و ايلدش لر،
ميراث آدلى تۆركمن غۇشغى و ادبييات انجمن نىنگ
اؤن بير يئل لئق ياشئنى و بلنت مرتبه لى اوسسات
لارئنگ ايل - گۆن طاراپئندان سئلانماغئنى تويس
يوركدن غوتلاپ، كوممدينگ ائسلامى ارشاد و مدنیت
اداراسى ئنگ جوغابكارى حورماتلى جئناپ محمد
رضا داورزنى نى چكن زحمت لرى اۆچين ساغ
بۇلسون آيداسئم گليار.

ميراث آدلى تۆركمن غۇشغى و ادبييات
انجمنى نىنگ طاراپئندان
منصور طبرى

سۆزلار ماغئتم غولى دىلى تۆركمىنىنگ

اؤن بير يئل موندان اؤنگ ، ۱۳۷۷ - ده، ايران
تۆركمن لرى نىنگ ادبيياتئنا، ياز هوواسى ئنگ
شمالى اوسوپ باشلادى. اؤن بير يئل موندان اؤنگ
كوممدينگ ائسلامى ارشاد و مدنیت اداراسى ئنگ
آرقاداشلئقى بيلن، كوممدينگ تۆركمن شاهئرلارى دئر
يازئجى لارى ئنگ تاغاللارلارى بيلن تۆركمن غۇشغى
و ادبييات بۇلومى ايشه باشلادى. اديل دوين يالى دى،
۱۵-۱۰ سانى شاهئر هم يازئجى بير اؤتاغئنگ ايچينده
تگه لنشپ اؤتوراردئلار. حال - اؤحال سؤراشئپ
اؤزلرينى تانادئپ هر كيم غۇشغى سئنى اوقاپ
برردى.

تأزه دؤست لار، تأزه دن دؤنيا اينن يالى انه دىلىنى
غۇراماق ماقصادى بيلن بير- بيرينه غوتلاپ، بگنپ
اونودئلماجاق گۆن لرى تۆركمن ادبييات تارئخئندا
ياديگارلىك غۇيدولار. هپده، آى ، يئل گچپ بارئشى
بيلن شاهئرلار دئر ، يازئجى لارئنگ غاتناشئق
لارى بركىشياردى. شاهئرانا حييال لار مۇوج آليپ
باشلاياردى. غۇشغى لار و يازغى لار سئناغدان
گچپ، نوقطاي ناظارلارا اؤنس برليپ. اوسسات لار
آرقا داشلئقى بيلن ترتپ - دوزگونه كتيرليياردى.

ادبيياتچى لار بير- بيريندن ائلهام آليپ ائلهام
برياردى. شيله بير ياغداى - دا ايكي يئل گچندن
سؤنگ بو ادبى انجمنه آد غويولدى. انجمن شول گۆن
دن بىلاك «ميراث» آدئنى كؤتردى.

۱۳۸۴ - ده «ئيت» اداره سئندا رسميته گچدى. بوگۆن
بۇلسا انجمن تۆركمن صحرانئنگ دؤرت كۆنجوندن
۱۱۸ سانى آغضاسى بيلن اؤن بير يئل ليق ياشئنا
يتدى. انجمن بويئل لارئنگ دؤوامئندا انچه اؤتورئشئق
لار، مئناسئبات لار و حورمات توى لارى باشارئق لى
آليپ باردى.

حورماتلى مرحوم اوسسات شاهئر قوربان گلى
آهون برئنگ حورمات تويى گچيريلدى. حورماتلى
نشريياتچى حاجى مراد دردى قاضى و اوسسات عراز
محمد اراز نيازى نى ، ياشولى شاهئرلار حاجى عبدالله